

# گهونیزم

در

ایران

یا

تاریخ مختصر فعالیت گهونیزمها

در ایران

از اوایل مشروطیت تا فروردین ماه ۱۳۴۳

---

تقدیم :

به پیشوای بزرگ

اعلیحضرت همایون

شاهنشاه (آریامهر) محمد رضا شاه پهلوی

www.iran-archive.com

سرهننگ ستاد : علی زیبایی



## پیش‌گفتار

از مطالعه و بررسی تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در ادوار مختلف و تحقیق در پیرامون حوادث گذشته چنین استنباط میشود که کشور عزیز ما ایران از آنجائیکه در نقشه جغرافیائی دارای موقعیت خاص بود از بدو تأسیس شاهنشاهی هخامنشیان همیشه مورد توجه قبایل مختلف بوده و چون واسطه بین آسیا و اروپا بود گاه و بیگاه مورد تعرض و تجاوز این دو منطقه قرار میگرفته است.

چنانچه یونانیان در عهد هخامنشیان و روسها و هیاطله و اقوام سامی در تمام دوران طویل امپراطوری اشکانی و ساسانی مزاحم ایران بوده‌اند.

بر اساس همین مطالعه باید گفت که در میان ملل مختلف آسیا ملتی که بیش از همه مورد تهاجم بیگانگان بوده و در معرض تندباد حوادث تاریخی قرار گرفته و در طول تاریخ چند هزار ساله خود مصائب بیشمار در راه آزادی و استقلال ملی و حفظ تمامیت ارضی خود متحمل شده ایران است.

با این همه این ملت مانند يك ملت نیرومند و زنده بارشادت و شجاعت غیر قابل وصفی در برابر تمام این حوادث تلخ و ناگوار مقاومت کرده و بالاخره توانسته است پس از گذشت زمانی کوتاه آن اقتدار قبلی و ابهت ملی خود را بدست آورد و خود را در میان سایر کشورهای متری سر بلند نگاه دارد.

هنری بر Henri Berr در کتاب معروف خود بنام « ایران قدیم و تمدن ایرانی » میگوید:

« خصوصیاتیکه تاریخ ایران همیشه داشته و دارد و این خود موجود بزرگترین « سعادت و خوشبختی این ملت که پنسال میباید اینستکه سر نوشت تاریخی این ملت »

« همواره تحت تأثیر دو عامل بزرگ یعنی هجوم و اختلاط و سپس ترکیب شدن قرار  
« میگرفته است این دو عامل غالب اوقات بوسیله ملتها یا بوسیله تمدنهای مختلف  
« تکرار میگردیده است . »

این يك واقعت انکارناپذیر است زیرا نفوذ بیگانگان و هر فکر و پدیده‌ای  
خواست در این کشور رشد پیدا کند و تمدن ایرانی را در خود مستحیل سازد گرچه  
ابتدا بصورت هجوم و حمله یا بشکل نفوذ تدریجی بوده است رفته رفته یا ذوب شده  
وبکلی از بین رفته یا پس از اندک مدتی خاصیت اصلی خود را از دست داده و رنگ  
تمدن ایرانی بخود گرفته است .

خطرناکترین پدیده اجتماعی عصر حاضر در کشور ما افکار کمونیستی بوده  
که در دوران قبل از مشروطیت بوسائل مختلف راه یافته و بوسیله پیروان متعصب  
آن مرام شایع شده و توسعه پیدا کرده و از سوم شهریور ۱۳۲۰ ( ۲۵ اوت ۱۹۴۱  
میلادی ) بصورت حزب کمونیست بنام « حزب توده » در کشور ما ایران ظاهر شده  
و در اوضاع و احوال مناسب و دوران هرج و مرج چون انگلهای موزی و خطرناک  
رشد پیدا کرده و مانند سرطان در کشور ما ریشه دوانیده و با سرعت وحشت آوری در  
کلیه شئون اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کشور ما رخنه کرده تا جائی که افراد  
و جوانان ساده لوح کشور ما را در هر جا و در هر نقطه با سم مهلك و خانمان برانداز  
تبلیغات کمونیستی مسموم ساخته و همه را بدام منحوس تار عنکبوتی شکل خود  
گرفتار نموده و با يك سلسله عملیات ریاکارانه و خرابکارانه خود میهن عزیز ما را  
با خطرناکترین بحرانهای تاریخ مواجه ساخته و کشور ما را به پرتگاه سقوط و  
نیستی و بدامن کمونیزم سوق داده و مقدمات يك خون ریزی و برادر کشی یا بعبارت  
دیگر انقلاب و حشیانه کمونیستی را در جامعه ما فراهم نموده بوده است .

ولی همانطوریکه هنری بر در کتاب خود اشاره کرده و مقتضای خصوصیات  
ملت کهنسال ایران است این پدیده نامیمون نیز با تمام تشکیلات وسیع و سازمان  
های مخوف خود اعم از سازمانهای نظامی و اطلاعات و غیره و با تمام جنایتها و جاسوسیها

خیانتها و دزدی‌ها و با همه نیرنگ‌های سیاسی و اجتماعی و با تمام نیرو و نفوذی که داشت نتوانست از اصل کلی مستثنی گردد و بالاخره پس از یکدوره فعالیت سیاه خود باقیام‌پروزمندان ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (۱۹ اوت ۱۹۵۳) بکلی نابود و بعبارت دیگر ذوب شده از بین رفت .

اگر در دوران گذشته هجوم غارتگرانه بیگانگان بایران بمنظور تاراج و چپاول ثروت ملی و یا بدست آوردن انحصارات بازرگانی بوده و اگر برای یغما کردن ثروت ملی ما مرتکب اعمالی شده باعث ویرانی ده یا شهری میشدند باستقلال و تمامیت ارضی کشور ما صدمه ای وارد نمی‌آمد و این خسارت نیز برای ملت رشید و کهنسال ایران ناچیز و قابل جبران بود ولی یورش ناجوانمردانه کمونیزم در این بار هستی و موجودیت و آزادی و استقلال ملی و تمامیت ارضی و شرف و حیثیت ملی ما را مورد تهدید همه جانبه قرار داده بود و با مجهزترین وسایل تبلیغاتی حملات پی‌گیر و مداوم خود را شروع کرده و با اراده تزلزل ناپذیر مصمم بودند تا ملت ششپن‌ارساله ایران را بدامن کمونیزم سوق دهند .

آیا خطر از این بیشتر که کمونیستها در صدد تجزیه عزیزترین قسمتهای کشور ما یعنی آذربایجان و کردستان بودند ؟

آیا خطر از این هم شدیدتر که احساسات ملی ما را ملعبه دست چند شیاد سیاسی قرار داده بودند ؟ آیا واقعاً تردیدی میتوان داشت که کمونیستها مذهب را تخطئه کرده و لامذهبی را رواج میدادند ؟ و هر يك از این قبیل مسائل بتنهائی برای نابودی کشور ما کافی بود .

آنها مصمم بودند که آزادی و استقلال و حیثیت ملی ما را درهم شکنند و در این راه از هیچ کوششی روی گردان نبودند .

اگر ملت ایران نتوانست در این مرحله مانند گذشته با مبارزات افتخار آمیز و با رشادت کم نظیری بردشمنان آزادی و استقلال خود غالب شود و از این مبارزه مرگ و زندگی پیروز و سر بلند بیرون آید و دشمنان سرسخت و قسم خورده ملت ایران

را با مفتضحانه ترین شکست در تاریخ روبرو سازد فقط با تأییدات خداوند متعال و با رهبری خردمندانه اعلیحضرت همایون شاهنشاه ارواحنا فداه بوده است .

چون از اطاله کلام بر حذر باید بود به همینقدر اکتفا کرده باصل موضوع که عبارت از تاریخ مختصر فعالیت‌های کمونیستی در ایران می‌باشد می‌پردازیم و خوانندگان را با فعالیت‌های کمونیستی در ایران از دوران مشروطیت تا اوائل سال ۱۳۴۳ شمسی و با تا کتیکها و روش‌های کمونیستی در این دوران متمادی آشنا ساخته و جاسوسی ها و جنایات آنها را برملا کرده روشن خواهیم ساخت که فعالیت کمونیستها در ایران توأم با نقشه بیگانگان بوده است و آنان چنان آلت دست قرار گرفته بودند که از هیچگونه خیانت و جنایت ابا و امتناع نداشته راه را از چاه تشخیص نمیدادند و اینک با بیکسو زدن پرده های سیاه صحنه های خوفناک کمونیسم را بر مردم نجیب ایران نشان خواهیم داد

خیانت کمونیست‌های ایران تنها در این نبود که قبح اعمال خود را جهت تحصیل امتیاز اقتصادی و سیاسی برای بیگانه تشخیص نمیدادند زیرا آنها بخوبی این موضوع را درک میکردند و نیز فقط زشتی کار آنها در این نبود که در پناه سر نیزه‌های اجنبی در کوچه و بازار با نمایشات خود مردم را از کار و زندگی بازدارند بلکه خیانت بخشش ناپذیر کمونیستها در این بود که تمام منافع ملت ایران را در مقابل بت بزرگ و یا با اصطلاح دموکراسی جهانی توجیه میکردند و این توجیه تنها از یک بیماری روانی وضعف و زبونی ناشی میشد . آنها خود را کوچکتر و ضعیف تر از آن تصور مینمودند که بتوانند با تکیه بافکار عمومی قدیمی در راه جلب منافع و مقاصد خود بردارند . آنها با در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان و بمقتضای وضع در خفا و آشکارا فعالیت خود را شروع میکردند و بمحض اینکه قدرتی بدست می‌آوردند بایی پروائی حیرت انگیز دست بچنان عملیات و اقداماتی می‌زدند که از دیدن و شنیدن آن لرزه بر اندام هر ایرانی شرافتمند می‌افتاد و مسلم بود که اگر توفیقی می‌یافتند مقدمات کمونیستی را در کشور مشروطه و اسلامی ایران بر اه می‌انداختند

کتاب حاضر فعالیت کمونیستها در ایران از تاریخ مشروطیت ( ۲۴ جمادی -  
الآخر ۱۳۲۴ هجری قمری برابر با ۱۴ مرداد ۱۲۸۴ شمسی ) تا فروردین ماه  
۱۳۴۳ شمسی را بطور اختصار مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و قدم بقدم افراد فعال  
و پیروان مکتب کمونیست را با قید تاریخهای زمان و مشخصات فعالیتهای مکانی آنها  
تعقیب نموده با توجه و تشریح بیشتری بامدارك ودلائل واسناد غیر قابل انکار در  
اختیار خوانندگان گرامی قرار می دهد .

این کتاب دارای قسمتهای مختلف است و هر قسمت دارای فصولی چند میباشد  
که خلاصه مطالب آن عبارت است از : سیاست روسیه تزاری و جماهیر شوروی در  
ادوار مختلف در ایران . فعالیت کمونیستها از اوایل مشروطیت تا استبداد صغیر و از  
استبداد صغیر تا جلوس رضاشاه کبیر در ایران و از بدوسلطنت بنیان گزار ایران نوین  
تا واقعه شوم شهریور ماه ۱۳۲۰ و از شهریور ۱۳۲۰ الی فروردین ۱۳۴۳ شمسی .

تهران  
شهریور ۱۳۴۳ شمسی



## منابع و ماخذ

برای تهیه و تدوین کتاب « کمونیزم در ایران » علاوه بر یادداشت‌های خصوصی و مشاهدات شخصی بکتاب و مجلات و روزنامه‌های زیر مراجعه و برخی از آنها مورد استفاده مستقیم قرار گرفته است .

۱ - مأموریت برای وطن اثر اعلیحضرت همایون محمد رضا

شاه پهلوی شاهنشاه ایران

۲ - تاریخ مشروطه ایران ۳ جلد تألیف احمد کسروی تبریزی

۳ - تاریخ هیجده ساله آذربایجان » احمد کسروی تبریزی

۴ - انقلاب ایران » پروفیسور ادوارد برون

( ترجمه احمد پژوه )

۵ - قیام آذربایجان و ستارخان » اسماعیل امیرخیزی

۶ - تاریخ انقلاب مشروطیت ایران ۷ جلد » دکتر مهدی ملکزاده

۷ - تاریخ مختصر احزاب سیاسی

انقراض قاجاریه » ملک الشعراء بهار

۸ - تاریخ بیداری ایرانیان ۳ جلد » ناظم الاسلام کرمانی

۹ - تاریخ معاصر یا حیات یحیی، ۴ جلد » یحیی دولت آبادی

۱۰ - تاریخ بیست ساله ایران ۳ جلد » حسین مکی

۱۱ - مختصری از زندگی سیاسی سلطان

احمد شاه قاجار » حسین مکی

۱۲ - تاریخ بیداری ایران » حبیب اله مختاری

۱۳ - پنجاه سال نفث ایران » مصطفی فاتح

۱۴ - سفرنامه شاردان در قسمت اصفهان » GHEVALIER CHARDIN

ترجمه علی اصغر عریضی

- ۱۵- ایران در جنگ بزرگ  
تألیف مورخ الدوله سپهر  
۱۹۱۴ - ۱۹۱۸
- ۱۶ - کتاب آبی انگلستان پنج جلد  
مدارك وزارت امور خارجه انگلستان
- ۱۷ - کتاب سفید C.D. انگلستان  
« PERSIA »
- ۱۸ - کتاب سبز C.D. انگلستان  
« PERSIA »
- ۱۹ - سیر کمونیزم در ایران (از شهر یور  
۲۰ تا فروردین ۱۳۳۶)
- فرمانداری نظامی تهران
- ۲۰ - کتاب سیاه  
فرمانداری نظامی تهران
- ۲۱ - فکر آزادی و مقدمه نهضت  
مشروطیت
- تألیف دکتر فریدون آدمیت
- ۲۲ - شرح احوال و آثار ملك الشعراء  
محمد تقی بهار
- « خواجه عبدالحمید عرفانی  
مؤسسه اطلاعات
- ۲۳ - اطلاعات ماهانه سال ۱۳۲۷
- ۲۴ - مجله جبل المتین  
چاپ کلکته سردبیر سید جلال الدین  
کاشانی
- ۲۵ - تاریخ مختصر احزاب سیاسی  
بعد از شهریور ۱۳۲۰
- تألیف محمد علی صفائی سواد کوهی
- ۲۶ - نشریات مؤسسه (اطلاعات)  
و سایر مطبوعات
- ۲۷ - ایران قدیم و تمدن ایران  
« هنری بر HENRI BERR
- ۲۸ - مسئله کمونیزم بین المللی تاریخ  
و نفوذ آن در ممالک شمال افریقا  
و خاور میانه

- III -

- ۲۹ - انقلاب مشروطه ایران وریشه‌های  
اجتماعی و اقتصادی آن  
تألیف پاولویچ - تریا - ایرانسکی  
مترجم م - هوشیار
- ۳۰ - تاریخ مشروطیت ایران  
« مینسکی گورکی چاپ مسکو  
بزبان روسی
- ۳۱ - این معاصر  
چاپ مسکو بزبان روسی ۱۹۵۷
- ۳۲ - روسیه و غرب در ایران ۱۸۴۸-۱۹۱۸  
چاپ نیویورک بزبان انگلیسی
- ۳۳ - کمونیزم و ناسیونالیزم در  
آسیای میانه  
چاپ نیویورک ۱۹۵۷ بزبان انگلیسی
- ۲۴ - تاریخ ایران در قرن نوزدهم  
تألیف R. G. WATSON بزبان  
انگلیسی
- ۳۵ - مجله آلمانی سیاست و تاریخ  
« AUS POLITIK UND  
ZEITGESCHICHTE  
بزبان روسی
- ۳۶ - مطبوعات و نشریات شوروی
- ۳۷ - مرگ بود و باز گشت هم بود  
» نجفقلی پسیان
- ۳۸ - آزاده گمنام  
» کاظم شاهرخی

### نشریات حزب توده

- ۳۹ - تاریخ حزب کمونیست (بلشویک)  
اتحاد شوروی  
چاپ مسکو اداره نشریات مسکو
- ۴۰ - مسائل لنینیسم  
تألیف ی . و . استالین اداره نشریات  
مسکو
- ۴۱ - در باره لنین ولنینیسم دو جلد  
تألیف ی . و . استالین اداره نشریات  
مسکو

- ۴۲ - شرح حال مختصر استالین  
تألیف الکساندروف . کالاکتوف
- ۴۳ - تاریخ مختصر نهضت سندیکائی  
ایران  
نشریه حزب توده
- ۴۴ - حزب توده چه میگوید و چه  
میخواهد ؟  
نشریه حزب توده احمد قاسمی
- ۴۵ - اعتصاب تاریخی پرولتاریای  
خوزستان سال ۱۳۳۰  
نشریه حزب توده
- ۴۶ - محاکمات سیاسی  
نشریه حزب توده ا . مانی
- ۴۷ - برنامه حزب توده ایران برای  
مراحل کنونی از تکامل اجتماعی  
کشور ما  
از نشریات حزب توده سال ۱۳۳۱
- ۴۸ - حزب ما و جنبش انقلابی سالهای  
اخیر  
از نشریات حزب توده منتشره  
شهریور سال ۱۳۳۴
- ۴۹ - درباره جنبش دموکراتیک ملی  
در آذربایجان  
تألیف میرزا ابراهیموف
- ۵۰ - مسائل حزبی
- ۵۱ - روزنامه سیاست
- ۵۲ - روزنامه رهبر
- ۵۳ - روزنامه مردم
- ۵۴ - مجله ماهانه مردم
- ۵۵ - نظری به تاریخ فرقه دموکرات  
آذربایجان

۵۶ - شهر یورین اون ایکی سی بزبان ترکی نشریات فرقه دموکرات  
ونین از تذکرها و یادداشتهای منتشر نشده و پرونده های متشکله در دادگاهها  
و مصاحبه حضوری با افرادی که شخصاً در فعالیت های مختلف شرکت مستقیم داشته  
و در زمان خود از کمیونست های بین المللی بنام بشمار میرفته اند استفاده شده است .

# قسمت اول

مبانی تئوری کمونیزم

فلسفه ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم

تاریخی و اقتصادی

# فصل اول

## ماتریالیسم دیالکتیک

آشنائی بیشتر به مبانی اصلی و اساس موضوعی که پایه‌های مباحث آینده این کتاب را تشکیل میدهد از ضروریات اولیه است. هر قدر بیشتر این پدیده شناخته شود و واقعیت آن درک گردد بهمان اندازه بهتر و سهولت می‌توان به عمق ماهیت آن پی برد بنا بر این جهت شناختن تئوری و فلسفه کمونیزم قبل از ورود به بحث لازم است خوانندگان را با مبانی فلسفه کمونیزم آشنا سازیم پس باید گفت که:

مبانی تئوری کمونیزم یا اساس فلسفه حزب مارکسیسم و لنینیزم را ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی تشکیل میدهد و چون پایه گزار اصلی این تئوری و اساس ده این مکتب در قرن نوزدهم کارل مارکس Karl Marx آلمانی بوده است بهمین جهت تئوری مذکور را تئوری مارکسیسم (۱) و اصول نظریات لنین بانی نخستین انقلاب کمونیستی در جهان را لنینیسم مینامند و بهمین جهت کمونیستهای جهان احزاب خود را پیرو اصول مارکسیسم و لنینیسم یعنی اصول عقاید مارکس و لنین معرفی کرده خود را مارکسیست و لنینیست میدانند.

« ماتریالیسم دیالکتیک جهان بینی حزب مارکسیستی - لنینیستی است. »

این تعریفی است از ماتریالیسم دیالکتیک که استالین در نخستین سطر اثر فلسفی خود بنام « درباره ماتریالیسم دیالکتیک تاریخی » (۲) می‌نماید. بنابراین

---

(۱) فریدریش انگلس نیز دوست و همکار مارکس بوده و از پایه گزاران تئوری کمونیزم میباشد ولی از آنجائی که وی نقش کمتری داشت بهمین جهت تئوری مذکور بنام تئوری مارکسیسم معروف شده است.

(۲) مسائل لنینیسم صفحه ۸۳۷

تعریف ماتریالیسم دیالکتیک حلال مشکلات مختلف جهان کمونیزم است باین تعبیر که :

« این جهان بینی باین سبب ماتریالیسم دیالکتیک نامیده میشود که طرز «  
« توجهش به پدیده های طبیعت و شیوه تحقیق و راه معرفت آن به این پدیده های «  
« دیالکتیکی است ولی تفسیرش در باره پدیده های طبیعت و استنباط آن از این پدیده ها «  
« و تئوری آن ماتریالیستی میباشد » (۱)

فریدریش انگلس Friderich Engels این مشکل فلسفی را آسان تر کرده میگوید :

« جهان بینی ماتریالیستی بطور ساده عبارتست از درک و فهمیدن طبیعت «  
« همانطوریکه هست بدون اینکه چیزی از خارج بآن اضافه شود » (۲)  
ولی قبل از اینکه باین تعاریف فلسفی سرگرم شویم لازم است مبانی تئوری مارکسیسم و لنینیسم را از راه تقسیم بندی توجیه کنیم .

### تقسیم فلسفه

اگر از تعریف لغوی کلمه فلسفه غمض عین شود باید گفت که اصول عقاید کمونیزم دارای مبانی مهمی بشرح زیر میباشد :

۱- مبانی فلسفی

۲- مبانی تاریخی

۳- مبانی اقتصادی

که در فصول آینده باختصار مورد بحث قرار خواهد گرفت .

### نظریات فلسفی کمونیزم

فلاسفه بطور کلی به دو دسته تقسیم شده اند :

---

(۱) دوره مختصر تاریخ حزب کمونیست « بلشویک » اتحاد شوروی صفحه ۱۷۱

و مسائل لنینیسم صفحه ۸۳۷

(۲) کارل مارکس . فریدریش انگلس جلد ۱۴ صفحه ۶۵۱ چاپ مسکو



الف - فیلسوفانی که ماده را مقدم بر روح (ایده) (۱) میدانند در حوزه‌های گوناگون فلسفه ماتریالیسم واقع شده‌اند .

ب - فیلسوفانی که روح را مقدم بر ماده میدانند در حوزه‌های گوناگون فلسفه ایده‌الیسم واقع شده‌اند .

ماتریالیسم **Materialisme** از کلمه ماتیر **Matier** در لغت بمعنای ماده و در فلسفه بمکتب اصالت ماده تعبیر میشود . ماتریالیسم از زمانهای قدیم در فلسفه یونان باستان در مقابل فلسفه ایده‌الیسم وجود داشته و فلاسفه با آن سر و کار داشته‌اند .

ماتریالیست‌ها معتقد باصالت ماده بوده‌میگویند ماده اصل وجود و قائم بالذات است و جهان جز ماده و تجلیات ماده چیز دیگری نیست پایه و اساس دنیای کنونی را ماده تشکیل میدهد .

فکر فرع بر ماده از خواص ماده است باید چیزی (ماده) وجود داشته باشد تا فکر آن صحیح باشد بنابراین آنچه مادی نیست اضافی و عرضی است .  
ماتریالیسم بدو شاخه تقسیم میشود .

۱- ماتریالیسم متافیزیک ( معتقدین بدنیای مادی مطلق )

۲- ماتریالیسم دیالکتیک ( معتقدین بدنیای مادی متغیر )

ولی هر دوی آنها در انتهای شاخه بهم میرسند .

این عقیده بوسیله پیروان مکتب اصالت ماده در فرانسه تکمیل شده و بالاخره مارکس با کمی تغییرات و اقتباس اصول مادی آن را از فویرباخ و اصول دیالکتیکی آن را از هگل **Fredrich Hegel** (۲) گرفته آنرا اساس فلسفی مکتب خود قرار داد و از آن زمان پایه و اساس نظریات فلسفی جهان کمونیزم گردید .

ایده بمعنی فکر آمده است و در فلسفه ایده‌الیسم بمکتب « اصالت فکر »

تعبیر میشود .

---

(۱) **Idee** بمعنی فکر آمده است .

(۲) فیلسوف آلمانی در سال ۱۷۷۰ متولد و در سال ۱۸۳۱ فوت فلسفه او بنام

« تشخیص موجودیت فکر در یک اصل واحد » .

طرفداران این مکتب فلسفی معتقدند که اصل وجود فکراست و ماده عارض فکر و ذهن میباشد بعبارت دیگر فکر بوجود آورنده است و آنچه در فکراست وجود دارد .

موجودیت هر شیئی بطور مجرد ربطی بماده نداشته بلکه بخودی خود وجود دارد . پیروان این فلسفه را ایدآلیست میگویند .

هگل که بنیان گزار اصلی متد دیالکتیک است میگوید « آنچه وجود دارد معقول است نه محسوس » این تعبیر مبنای فلسفه اجتماعی مکتب کمونیزم میباشد تا اینجا هگل ماتریالیست است ولی وقتی بوی ایراد میگیرند که « جهان که خود یک وحدت وجودی است از کجا ناشی میگردد » هگل جواب میدهد از «خدا» در اینجا هگل یک ایده آلیست ماوراء الطبیعه میباشد .

### ماتریالیسم دیالکتیک مارکس

ماتریالیسم مارکس ماتریالیسم دیالکتیک است . باین معنی که مارکس و انگلس فقط « هسته معقول » دیالکتیک هگل را گرفته و بتعمق بیشتری در آن پوسته ایدآلیستی آنرا کنار گذاشته و با کوشش زیادی در بسط و توسعه آن اقدام کردند تا بصورت علمی امروز درآمده است . (۱)

مارکس میگوید :

« متد دیالکتیکی من نه تنها در اساس خود با متد هگل تفاوت دارد بلکه »  
« مستقیماً متضاد آن میباشد . در نظر هگل تفکر که آنرا تحت عنوان ایده حتی »  
« یک ذات مستقلی میداند آفریننده دنیای واقعی است و بعقیده او دنیای واقعی »  
« انعکاسی است از ایده و تفکر . در صورتیکه برعکس در نظر من ایده چیزی نیست »  
« جز همان ماده که بدماغ انسان منتقل شده و در آن تغییر شکل یافته است » (۲)  
ماتریالیسم مارکس نیز مقتبس از ماتریالیسم فویرباخ میباشد باین معنی که :

(۱) تاریخ حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی صفحه ۱۷۱

(۲) کارل مارکس متمم جلد اول چاپ دوم آلمانی کتاب « سرمایه » (کاپیتال) .

مارکس و انگلس « هسته اصلی » ماتریالیسم فویرباخ را گرفته اضافات  
ایده آلیستی و اخلاقی و مذهبی آنرا جدا کرده و بایسط و تشریح بیشتری بصورت  
ماتریالیسم علمی امروزی رسانیده اند. (۱)

بنابراین معلوم میشود که بنیان گزاران اصلی فلسفه کمونیزم ماتریالیسم  
را از فویرباخ و دیالکتیک را از هگل گرفته و با کمی تغییر آنرا پایه تئوری خود  
قرار داده اند و از اینجهت مارکسیستها از یکطرف معتقد بماتریالیسم یعنی مکتب  
اصالت ماده و از طرف دیگر معتقد به متد دیالکتیک یعنی تحریک انقلابی و تأثیر قوای  
متضاد و تغییرات کمی و کیفی اشیاء میباشند از اینجهت آنرا پیروان ماتریالیست  
دیالکتیک و فلسفه آنرا ماتریالیسم دیالکتیک مینامند .

### تعریف لغوی دیالکتیک

دیالکتیک نوعی از منطق محسوب میشود و چون سقراط در روش مکالمه‌ای  
خود از این متد استفاده میکرده است باینجهت آنرا شیوه سقراطی نیز گفته اند .  
واژه دیالکتیک از کلمه یونانی « دیالگو » ریشه گرفته که معنی آن مباحثه  
و گفتگو کردن آمده است . در زمان قدیم دیالکتیک بنوعی از علوم اطلاق میشد  
و خود علمی را تشکیل میداد و هر که تبحر در این علم داشت میتواند در مکالمات  
و مباحثات بر حریف فائق آید . باین معنی که تناقضات دلایل حریف را آشکار کرده  
حقایق را یافته و با تکیه به آن دلایل طرف حقیقت را کشف میکرده است .  
دیالکتیک از نظر فلسفه یعنی تغییر و تحریک دائمی در کلیه پدیده های طبیعت  
و نزاع دائمی بین آنها بطریق انقلابی بمنظور تکامل و پیشرفت در دنیای کنونی ، (۲)  
اینست معنی فلسفه دیالکتیک .

دیالکتیک در مقابل روش متافیزیک « ماوراء الطبیعه » قرار دارد که میگوید

برای تکامل و پیشرفت نیازی به نزاع دائمی و تغییر انقلابی نیست و تغییر و تحرك نیز در اجتماع يك قاعده کلی نیست که در همه جا از آن متابعت و پیروی بشود بلکه تغییر پذیر میباشد و میتوان به آسانی از آن عدول کرد .

## اصول دیالکتیک مارکس

متد دیالکتیک مارکس دارای چهار اصل بشرح زیر میباشد: (۱)

**اصل اول: ارتباط اشیاء و پدیده ها بیکدیگر .**

در این اصل متد دیالکتیک معتقد است که هیچ پدیده ای را در جهان بطور منفرد و بدون در نظر گرفتن روابط آن با سایر پدیده های محیطش نمیتوان مورد مطالعه قرار داد و پدیده های اجتماعی بطور کلی بیکدیگر وابسته بوده و بر روی بیکدیگر تأثیر متقابل دارند.

کمونیست ها از این اصل در مسائل سیاسی و اجتماعی استفاده کرده و آنرا راهنمای خود قرار داده اند.

**اصل دوم: حرکت و تکامل .**

در این اصل مارکس میگوید . در طبیعت حالت آرامش و رکود و سکون وجود ندارد بلکه تحولات پی در پی و تکامل و پیشرفت دائمی قانون طبیعت است و لاینقطع در طبیعت چیزی بوجود آمده تکامل می یابد و چیزی متلاشی شده و از بین میرود .

کمونیست ها از این اصل استفاده و چنین وانمود کرده اند که هیچ رژیمی ثابت نیست و اجباراً تغییر پیدا مینماید و طبقه کارگر باید با مبارزه انقلابی این تغییر را تسریع نماید.

**اصل سوم: تضاد بین اشیاء و پدیده ها .**

در این اصل متد دیالکتیک معتقد است که اشیاء و پدیده های طبیعت در داخل خود تضادهائی دارند و با بیکدیگر در مبارزه اند نتیجه مبارزه تضادها از میان رفتن

---

(۱) مسئله کمونیزم بین المللی تاریخ و نفوذ آن در ممالک شمال افریقا و خاور میانه صفحه

و نابودی عناصر کهنه و رشد و نمو عناصر نو میباشد مبارزه این تضادها در واقع بمعنای مبارزه بین قدیم و جدید بمفهوم واقعی آنکه میمیرد و آنکه بدنیا میآید میباشد .  
لنین می گوید : تکامل مبارزه اضداد است (۱)

کمونیستهای این اصل را بمنظور توجیه کردن نزاع طبقاتی در اجتماع قبول کرده اند تا بدینوسیله بتوانند کشمکشها و زد و خوردهائی در میان طبقات مختلف ایجاد و از آن بنفع خود استفاده نمایند. یعنی برادر کشی و نزاع را وسیله قرارداد تا بهدفع خود برسند.

### اصل چهارم : انقلاب یا جهش .

متد دیالکتیک بموجب این اصل معتقد است که تغییرات تدریجی کمی در يك نقطه معین تبدیل به تغییر ناگهانی و جهش کیفی میگردد یعنی در واقع حدوث این تغییرات تصادفی نبوده بلکه قهری است و در نتیجه تراکم تغییرات نامحسوس و تدریجی بوجود می پوندد .

این بود اصول اربعه دیالکتیک مارکس که خلاصه آن بشرح زیر است:  
« جهان مجموعه ایست واحد و مرتبط و بهم پیوسته متحرک و مکمل که عناصر »  
« داخلی آن با یکدیگر در تضاد و تعارض هستند این تکامل و تضاد و حرکت نیز »  
« جنبه انقلابی و جهش دارد و حرکت جهان بصورت انقلاب Revolution »  
« است نه تحول Evolution »

## اصول ماتریالیسم فلسفی مارکس

ماتریالیسم فلسفی مارکس دارای سه اصل بشرح زیر میباشد. (۲)

### اصل اول : مادی بودن جهان .

فلسفه مادی مارکس معتقد است جهان تماماً ماده است و پدیده های مختلف جهان صور گوناگونی از ماده متحرک میباشد .

---

(۱) لنین جلد ۱۳ صفحه ۳۰۱ چاپ روسی از انتشارات دانشگاه مسکو

(۲) کتاب تاریخ حزب کمونیست (بلشویک) صفحه ۱۸۱ چاپ مسکو

**اصل دوم : جهان احتیاج بصانع و آفریدگار ندارد .**  
اینست که ماده و طبیعت و وجود حقیقت عینی (ابزکتیف) میباشد که مستقل از ذهن و شعور ما در خارج موجود است .  
مار کسیت‌ها معتقدند که :

« جهان مادی که با حواس درك میشود و ما خودمان نیز به آن تعلق داریم »  
« یگانه جهان واقعی است . . . . شعور ما و تفکر ما هر اندازه هم که عالی بنظر آید »  
« جز محصول مغز که دستگاه مادی و جسمی است چیز دیگری نیستند. ماده مولود »  
« روح نیست بلکه روح است که جز عالی ترین محصول ماده چیزی دیگری »  
« نیست . » (۱)

این اصل مهمترین و مشکلترین اصل فلسفی ماتریالیسم است. این اصل اگر به لسان ساده توجیه و تفسیر شود معنای آن اینست که :  
جهان احتیاج بصانع و پروردگار ندارد. و هر چه هست ماده است، ماده طبیعت وجود جسمانیست، همه اینها در درجه اول، روح و شعور، و احساس و نفسانیات در درجه دوم قرار دارند .

**اصل سوم : حاکمیت قاعده علت و معلول .**  
فلسفه مادی مارکس معتقد است که تمام امور جهانی بر اساس قاعده علت و معلول است و بهمین جهت دنیا و قوانین آن کاملاً قابل شناسائی است و اگر مسائلی هستند که تا امروز شناخته نشده و مجهول مانده‌اند بالاخره روزی کشف شده و شناخته خواهند شد.

ترکیب سه اصل ماتریالیسم فلسفی و چهار اصل دیالکتیک مارکس فلسفه ماتریالیسم را تشکیل می‌دهد.

## فصل دوم

### ماتریالیسم تاریخی

افکار و عقاید تاریخی کمونیزم به ماتریالیسم تاریخی موسوم است و آن عبارت است از بکار بستن اصول ماتریالیسم دیالکتیک در بررسی تاریخ و به اینجهت آنرا ماتریالیسم تاریخی می گویند .

یا بعبارت دیگر ماتریالیسم تاریخی عبارت از :

« بسط اصول ماتریالیسم دیالکتیک به بررسی زندگی اجتماعی تطبیق اصول ماتریالیسم دیالکتیک بر پدیده های زندگی اجتماعی و بررسی جامعه و تاریخ آن می باشد » (۱)

البته این تعریف صحیح نیست و مبنای علمی درستی ندارد زیرا بجای آنکه مطابق واقعیت مطالعه دقیق پدیده های زندگی اجتماعی و بررسی جامعه و تاریخ را اصل و پایه قرار دهد اصول ماتریالیسم دیالکتیک را بر پدیده های زندگی اجتماعی و بررسی جامعه و تاریخ آن را حاکم قرار داده است و این خود حاکی از اینست که ماتریالیسم تاریخی در واقع ساخته و پرداخته مثنوی مردمان متعصب بمنظور اجرای آمال و آرزوی خود یعنی انقلاب و جنگ طبقاتی میباشد .

ماتریالیسم تاریخی دارای اصولی چند بشرح زیر میباشد . (۲)

۱ - اصل پیوستگی اجتماعات بشری با یکدیگر .

ماتریالیسم تاریخی معتقد است همچنان که جهان واحد بهم پیوسته و اجزاء

---

(۱) تاریخ حزب کمونیست « بلشویک » اتحاد شوروی صفحه ۱۷۱ .

(۲) کتاب مسئله کمونیزم بین الملل تاریخ و نفوذ آن در ممالک شمال آفریقا و خاور میانه

آن ارتباط نزدیکی نسبت بهم دارند جهان بشری نیز بهم مربوط می‌باشد . بنابراین اگر انقلابی در يك گوشه‌ای از جهان بوقوع پیوندد بسایر نقاط جهان هم مربوط می‌شود

**۴ - اصل تغییر جامعه بشری بوسیله انقلاب .**

کمونست ها معتقدند که جهان بشری هیچوقت نمیتواند در يك حال باقی بماند و دائماً در تغییر و تحول است و این تغییرات و تحولات ناشی از انقلاباتی است که جبراً صورت می‌گیرد و بطور کلی در جوامع بشری انقلابات اجتناب ناپذیر است .

**۳ - اصل تغییرات جامعه :**

تغییرات جامعه در ابتدا آرام و غیر محسوس و بصورت تحول « Evolution » می‌باشد ولی پس از اینکه يك حدمعینی رسید ناگهان بصورت انقلاب « Revolution » تجلی خواهد کرد .

این اصل ناشی از اصل چهارم دیالکتیک می‌باشد که تغییرات کمی در يك حد معینی تبدیل به تغییرات کیفی می‌گردد مثلاً در کلیه کشور هائیکه انقلاب بوقوع پیوسته بر اساس همین اصل بوده است .

ولی بتجربه ثابت شده است که این اصل درهمه جا صادق نبوده و با واقعیت مطابقت نمی‌کند .

## ادوار مختلفه تاریخ بشری

بطور کلی در ماتریالیسم تاریخی ادوار مختلفه تاریخ بشری را به پنج دوره مشخص تقسیم کرده اند . (۱)

### ۱ - دوره کمون اولیه یا رژیم اشتراکی :

در این دوره مناسبات تولیدی عبارت بود از مالکیت جماعت بر وسائل تولید یعنی در واقع ابتدائی بودن وسائل تولید موجب زندگی اجتماع شده و افراد مجبور بودند که برای رفع نیازمندیها و دفع تجاوزات با یکدیگر دسته جمعی زندگی نمایند

---

(۱) از کتاب مسئله کمونیزم بین الملل تاریخ و نفوذ آن در ممالک شمال آفریقا و



و بتدریج در نتیجه تشریک مساعی دسته‌جمعی قبیله تشکیل گردید . افراد این قبیله نیز که در واقع واحد کوچک اقتصادی بوده اند با هم زندگی کرده و در برداشت محصول فعالیت مشترک دسته‌جمعی داشتند انسانها در این دوره برای تولید از آلات و ادوات سنگی استفاده میکردند .

#### ۴ - دوره بردگی :

در این دوره اساس مناسبات تولید را روابط صاحبان وسائل تولید و بردگان که تولید می‌کنند تشکیل میدهد این دوره شامل « Sglavage » یونان و رم قدیم میشود . آلات و ادوات سنگی در این دوره جای خود را به آلات و ادوات فلزی داد و در این مرحله از تاریخ بشری است که در اثر تغییر و تکامل ابزار تولید ، تربیت حیوانات ، فلاحت ، صنایع دستی ، سیستم کارمیان شعب مختلف تولید ظاهر میشود و نتیجتاً کالاهای تولید شده میان افراد و دستجات مختلف مبادله میگردد و قبایلی چند بوجود می‌آید که بهم‌دیگر تجاوز میکنند ، می‌کشند ، غلبه مینمایند ، پیروز میشوند و از هم غلام و اسیر میگیرند . از خصائص این دوره تراکم ثروت و وسائل تولید در دست اقلیت و اطاعت اکثریت از اقلیت و استثمار فرد از فرد می‌باشد .

#### ۳ - دوره فئودالیسم یا ملوک الطوائفی :

در این دوره مالکین اراضی وسیع حاکمیت مطلق بر جهان داشته اند . کارگر تولیدکننده در این دوره بوجود می‌آید و فئودال مالکیت محدود بر این طبقه دارد یعنی دیگر نمیتواند کارگر تولیدکننده را بکشد ولی در خرید و فروش آن آزاد است مناسبات تولیدی تناسب کاملی با خصوصیات قوای تولیدکننده دارد . افزاین تولید در این دوره پیشرفت میکند بطوریکه گاو آهن و دستگاه بافندگی رواج مییابد و بهمین مناسبت امر کشاورزی بیش از پیش توسعه پیدا می‌کند .

از خصوصیات این دوره بوجود آمدن یک طبقه کارگر متخصص و فنی است و فئودال از برده و غلامی که فاقد ابتکار و تخصص فنی باشد صرف نظر کرده و بسوی کارگران فنی روی می‌آورد . این تخصص باعث شد که این طبقه نوعی وابستگی بکار و شغل خود داشته باشد .

#### ۴ - دوره سرمایه داری یا بورژوازی :

اساس مناسبات تولیدی در این دوره مالکیت سرمایه داری بر وسائل تولیدی باشد. در این دوره قدرت کامل یعنی حکومت در دست سرمایه داران است و طبقه اصلی تشکیلات و موسسات دولتی حفظ اموال و مالکیت فرد بر وسائل تولید از تجاوز و دستبرد طبقات پائین می باشد .

دوره بورژوازی را سه مرحله میتوان تقسیم کرد .

الف - مرحله بورژوازی .

ب - مرحله کاپیتالیسم .

ج - مرحله امپریالیسم .

مارکسیست ها معتقدند که در این دوره تضادهای آشتی ناپذیری بین خواص نیروهای مولده و مناسبات تولیدی بشکل بحرانهای متناوب بوجود می آید یعنی عرضه زیاد و تقاضا کم و بهمین جهت تولید بیش از مصرف میشود و از این طریق میلیونها نفر بعلت فراوانی کالا مجبورند بیکار مانده و گرسنه بسر برند و در این مرحله جنگ طبقاتی اجتناب ناپذیر است .

استثمار شونده و استثمار کننده دائماً در حال نزاع طبقاتی و مبارزه می باشند .

بعقیده مارکسیست ها سرمایه داران و مالکین بزرگ اراضی خان ها (۱)

و عسایر طبقه متوسط و غیره همه استثمار کننده و مرتجع Reactonnaire

و کارگران ساده و کشاورزان نیروی فعاله Actionnaire جامعه میباشند .

---

(۱) حزب توده در نشریه « برنامه حزب توده ایران برای مرحله کنونی از اجتماع

ما » سال ۱۳۳۱ صفحه ۱۸ می نویسد :

« طبقات حاکمه پوسیده و ارتجاعی که تمام علائق خود را بامردم و منافع میهن »  
« قطع کرده اند عبارتند از خان ها ، فئودالها و مالکین بزرگ ارضی و سرمایه داران »  
« وابسته بامپریالیسم و سفته بازان و رباخواران بزرگ ..... و نیروهای ضد استعمار اجتماع »  
« ما .... عبارتند از کارگران دهقانان ، روشنفکران آزادیخواه و زحمتکش پیشه وران »  
« و قشرهای متوسط شهر و بورژوازی ملی . »

۵ - دوره سوسیالیزم :

در این دوره مناسبات تولیدی بر اساس مالکیت اجتماعی بروسائل تولید است و کمونیستهای روسی معتقدند که چنین رژیمی فقط در اتحاد شوروی بوجود آمده است (۱).

در این مورد حتی بگزارافه گوئی پرداخته و مدعی هستند که در این رژیم استثمار کننده و استثمارشونده وجود ندارد و حال اینکه با قدری تعمق در واقعیات اجتماعی روسیه شوروی می بینیم که نه تنها کارگران صبور و زحمتکش آن کشور بنحو خاصی که مخصوص آن رژیم است استثمار میشوند بلکه این استثمار توأم با اعمال شاقه نیز میباشد .

مارکسیستها دوره کمونیزم را بعد از پایان پذیرفتن مرحله سوسیالیزم میدانند و میگویند که جامعه کمونیزم جامعه بی طبقات است و در چنین رژیمی طبقه وجود نخواهد داشت.

---

(۱) اساس این رژیم برای اصل پایه گذاری شده است « هر که کار نکند حق خوردن

ندارد » .

## فصل سوم

### مبانی اقتصادی کمونیزم

اساس اقتصاد کمونیزم را کتاب سرمایه (کاپیتال) مارکس تشکیل میدهد که پایه های آنرا عقاید اقتصادی آدام اسمیت Adam Smith (۱) و ریکاردو D. Ricardo (۲) بوجود آورده است.

مارکس با توجه به عقاید آدام اسمیت درباره ارزش معتقد است که: (۳) ارزش هر شیئی عبارت از مقدار کاری است که در آن شیئی متراکم شده است و از این اصل نتایج زیر بدست می آید:

۱- کاریگانه عامل تولید ارزش است و سرمایه و صاحبان سرمایه در این میان نقشی ندارند.

۲- در صورت نفی نقش سرمایه در تولید ارزش چنین استنباط میشود که کارگران بوسیده کارفرمایان استثمار میشوند و حاصل زحمت آنها بجیب دیگران میرود. در مورد تقسیم سرمایه مارکس نظریه دیگری ابراز داشته و اصولا سرمایه را به دو قسمت تقسیم کرده است:

سرمایه ثابت .

سرمایه متغییر .

---

(۱) کارشناس اقتصادی اهل جزیره آکو (انگلستان) در سال ۱۷۲۳ در شهر گالدی متولد و در ۱۷۹۰ فوت کرد وی مؤلف تفحصات درباره طبیعت و علل ثروت مندی ملل - او او میگوید کار سرچشمه ثروت و ارزش قرارداد بر عرضه و تقاضا .

(۲) کارشناس اقتصادی انگلیسی در سال ۱۷۷۲ در لندن متولد و در سال ۱۸۲۳ فوت وی یکی از اولین علمای اقتصاد نظری سیاسی کلاسیک است

(۳) کتاب مسئله کمونیزم بین الملل تاریخ و نفوذ آن در ممالک شمال افریقا و خاور

سرمایه ثابت عبارت از وسائل تولید است که به تنهایی ارزش دارند ولی نمیتوانند بخودی خود تولید ارزش نمایند مانند ساختمان و ماشین آلات و مواد اولیه. سرمایه متغیر عبارت از تولید کنندگان یعنی کارگران و غیره است.

نظریه مارکس در مورد سرمایه متغیر موضوع نیروی کار است که مارکس آن را هم مانند سایر کالاها «کالا» نام گذاری نموده که سرمایه دار آنرا خریداری مینماید.

منظور از خریداری نیروی کار بوسیله سرمایه دار پرداخت مقداری مزد بکارگر است که کارگر فقط با آن میتواند تجدید قوا کرده و تولید مثل و انرژی برای بهره کشی آینده سرمایه داران بنماید.

طبق نظریه مارکس کارگر در مدت کار علاوه بر مقدار مزد دریافتی مقداری هم اضافه ارزش ایجاد مینماید که بنام «ارزش اضافی» نامیده میشود و نامبرده مجذوعه ارزش نیروی کار و ارزش اضافی را بنام ارزش کل مینماید. ارزش اضافی مقدار کاریست که مارکس مدعی است سرمایه دار آن را استثمار مینماید.

در صورتیکه با مختصر دقت خلاف این نظریه ثابت میشود زیرا اگر کالا فقط عبارت از مقدار کار متراکم در آن باشد باید ارزش ۸ ساعت کار کارگر در چاه آب یا زمین بایر مساوی با ۸ ساعت کار همان کارگر در معادن نفت و اورانیوم باشد بنابراین کالا صرفاً مقدار متراکم کار کارگر نمی باشد.

۳- در مورد تولید و توزیع مارکس معتقد است که در جهان سرمایه داری امر تولید و توزیع بدون نقشه است و تعادلی بین این دو وجود ندارد و باید اقتصاد با نقشه ایجاد کرد تا تولید و توزیع تعادل داشته و منجر به بحران های متوالی نگردد و برای این امر باید مالکیت خصوصی لغو و مالکیت اشتراکی برقرار گردد و دولت نظارت مستقیم بر امر تولید و توزیع بنماید. یعنی باید مالکیت دسته جمعی جانشین وقائم مقام مالکیت فردی گردد.

در این مورد هم عدم تحقق بحرانهای متوالی در ده سال اخیر در جهان سرمایه‌داری بی‌پایگی این نظریه را بشبوت میرساند .

۴ - بنا بر اصول مارکسیسم و لنینیسم در دوره سوسیالیسم ( بهرکس با اندازه استعدادش کار و اندازه‌کارش مزد ) پرداخت میشود .

اگر این اصل صحیح باشد کارگر مزد ارزش کار خود را باید دریافت نماید و اگر کارگر مزد ارزش کار خود را دریافت نماید پس دولت شوروی هزینه‌های هنگفت تحقیقات کیهانی ، وسائل جنگی ، وام‌های اقتصادی بکشورهای سرمایه‌داری را از کجا پرداخت میکند ؟

۵ - در سیستم کمونیسم اصل « بهرکس باید بقدر استعدادش کار داد و بقدر احتیاجش مزد » رعایت میگردد .

## دولت

### و نظریه کارل مارکس

اصولاً راجع بدولت سه نظر مختلف وجود دارد .

#### ۱ - دولت خوبست و لازم :

هگل هم پیرو این عقیده بود و برای مثال می‌گفت که آلمانیها در پرتو وجود دولت به ترقیات شگرف و حیرت‌انگیز رسیده‌اند و حال آنکه اگر دولت نبود هرگز چنین ترقیاتی نصیب ملت آلمان نمی‌گردید . حتی پارا فراتر گذاشته و معتقد بود که دولت حق دارد ملت را در خود حل کند .

#### ۲ - دولت مخلوق جامعه است :

دولت مخلوق جامعه است و در جامعه طبقاتی مخلوق طبقه حاکمه است . هر جامعه‌ای مستحق چنان دولتی است که بر او حکومت میکند بعبارت الاخری

دولت بد و یا خوب وجود ندارد آنچه هست خود مردم آنرا خواسته و انتخاب کرده اند .

### ۳- دولت ظالم بلای جامعه است:

البته این عقیده ایست که کارل مارکس و کمونیزم بآن معتقد میباشند و میگویند خشن ترین و وحشتناکترین قیافه در اجتماعات بشری قیافه دولت است و مانند بلائی است که بیجان مردم افتاده و در فکر نابودی اوست .  
البته باید توجه داشت که این عقیده منتسب بمکتب یا بکسانی است که قوی ترین و دیکتاتورترین دولت هائی که تاکنون جهان بخود ندیده است تشکیل داده اند .  
« دیکتاتوری پرولتاریا از هر دیکتاتوری ظالم تر و سفاک تر و از همه بیشتر بلای جان جامعه بشری است . (۱) »

### کمونیزم

مفهوم سیاسی کمونیزم : (۲)

آنطور که مارکسیسم تعلیم میدهد کمونیزم عبارت از علم شرایط رهایی پرولتاریا میباشد . یعنی کمونیزم عبارتست از آنچه در دستورالعمل هائی که پرولتاریا با بکار بردن آنها در مبارزات اجتماعی علیه بورژوازی بموفقیت قطعی و کامل خواهد رسید .

---

(۱) کتاب مسئله کمونیزم بین الملل تاریخ و نفوذ آن در ممالک شمال آفریقا و خاور

میانه صفحه ۹

(۲) مارکس و انگلس تا آخر عمر عقیده داشتند که انقلاب در آلمان و انگلستان صنعتی زودتر از روسیه کشاورزی عملی خواهد شد و کشورهای تزاری می بایستی مراحل دیگری را طی کند تا بسرمایه داری رسیده و از سرمایه داری بمرحله کمونیزم برسد ولی البته عملاً خلاف این قضیه ثابت شده است .

مارکس عقیده داشت که انقلاب باید شدید باشد و با سرعت تحولی در جهان بوجود آورده و قیافه دنیای کهن را عوض کند . شدت انقلاب بدو علت زیر لازم میدانسته .

۱- برای خلع ید سرمایه داران جز زور و بیرحمی وسیله دیگری ممکن نیست .

۲- انقلاب باید باین پایه برسد که يك جهش واقعی دیا لکتیکی باشد .

مفهوم اجتماعی کمونیزم :

کمونیزم مظهر آخرین مرحله تکامل سیستم ماتریالیسم برای تشکیلات جدید اجتماعی میباشد . کمونیزم نیروی محرکه و مادی حیات جامعه بشری را که بمنزله پی و بنیان جامعه کمونیست بشمار میرود تحت عنوان مالکیت اجتماعی توزیع عادلانه محصولات و هم آهنگی کامل کار دماغی و بدنی مطرح مینماید .

### خلاصه نظریه

## پیروان مارکسیسم و لنینیسم

بمنظور آشنائی بیشتر با مبانی تئوری کمونیزم مقدمتاً اساس فلسفه آن باید مورد مطالعه دقیق قرار گیرد .

اساس فلسفه کمونیزم را ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی و اقتصادی تشکیل میدهد . ماتریالیسم دیالکتیک در واقع جهان بینی حزب مارکسیسم و لنینیسم است باین معنی که طرز تحقیق در پیرامون پدیده های مختلف طبیعت و راه معرفت و شناسائی بآن دیالکتیکی است ولی تفسیر و استنباط از آن ماتریالیستی است .

عبارت دیگر جهان بینی ماتریالیستی عبارتست از درک و فهمیدن طبیعت همانطور که هست بدون اضافی و عرضی .

کشف تئوری ماتریالیسم دیالکتیک از ابتکارات مارکس و انگلس نبوده بلکه در واقع ناشی از افکار فویرباخ و هگل بوده است باین معنی که مارکس ماتریالیسم را از فویرباخ و دیالکتیک را از هگل گرفته و با کمی تغییر آنرا پایه تئوری علمی خود قرار داده است و از اینجهت پیروان این مکتب از یک جهت معتقد بماتریالیسم یعنی اصالت ماده بوده و از طرف دیگر معتقد به دیالکتیک یعنی تحریک انقلابی و تأثیر قوای متضاد و تغییرات کمی و کیفی اشیاء میباشند پایه های دیالکتیک مارکس بر چهار اصل اساسی قرار دارد که بطور خلاصه میتوان چنین توجیه کرد که :



« جهان مجموعه ایست واحد و بهم پیوسته متحرك و مكمل كه عناصر »  
« داخلی آن بایکدیگر در تضاد و تعارض هستند . این تكامل و تضاد و حرکت نیز »  
« جنبه انقلابی و جهش دارد و حرکت آنان بصورت انقلاب است نه تحول . »

از نظر مبنای تاریخی ماتریالیسم دیالکتیک عبارتست از بکار بستن اصول آن در بررسی های تاریخ و یا عبارت دیگر : ماتریالیسم تاریخی عبارتست از بسط تسلط اصول ماتریالیسم دیالکتیک به بررسی زندگی اجتماعی تطبیق اصول ماتریالیسم دیالکتیک بر پدیده های زندگی اجتماعی و بررسی جامعه و تاریخ آن و از این نظر ماتریالیسم تاریخی تاریخ بشری را به پنج دوره تقسیم کرده است .

۱ - دوره کمون اولیه .

۲ - دوره بردگی .

۳ - دوره فئودالیزم .

۴ - دوره بورژوازی .

۵ - دوره سوسیالیزم .

از نظر مبانی اقتصادی اساس تئوری مارکس را کتاب سرمایه تشکیل میدهد .  
که آن نیز از پایه های اقتصادی ریکاردو و آدام اسمیت تشکیل شده است .

### مختصری در باره تئوری مارکسیسم و لنینیسم .

بطور کلی و بسیار فشرده مبانی تئوری مارکسیسم و لنینیسم طبق نظریه رهبران و بانیان این فلسفه ( مارکس - انگلس - لنین ) توضیح داده شد ولی لازم است در این قسمت بطور خلاصه تذکر داده شود که پیشرفت زمان و تکامل جامعه این تئوری را چنان دگرگون نموده که حتی خود کمونیستها قادر بر عایت اصول آن نمیشدند و برای نمونه چند قسمت از آن را ذکر مینمائیم :

۱ - عمده موضوع مبانی اقتصادی کمونیزم علیه کاپیتالیزم مسئله ( استثمار ) یعنی ارزش اضافی است که مدعی هستند چون ارزش کالا عبارت از مقدار متراکم

کار در آن کالا است بنا بر این سرمایه‌دار با پرداخت مزد کار بنام ارزش نیروی کار بقیه کارمصرف شده را که ارزش اضافی نامیده میشود استثمار مینماید ولی در رژیم سوسیالیستی چون باید بهره‌رکس باندازه استعدادش کار و باندازه کارش مزد تعلق گیرد بنا بر این استثمار نباید وجود داشته باشد. ارزش کالا محدود بمقدار کارمتر کم نبوده طبیعت و مکانیزم در آن سهم عمده‌ای دارا میباشد و بهمین دلیل هم هست که کار مساوی دردومحل مثلاً کارخانه چیت سازی و معادن نفت دو ارزش مختلف دارد در صورتیکه در هر دو کار انجام شده مساوی بوده است. روی این اصل حتی کار مساوی دردو کارخانه چیت سازی که یکی ماشین آلات قدیمی و دیگری ماشین آلات مدرن دارد با هم تفاوت داشته و ارزشهای مختلفی تولید مینماید.

بر خلاف ادعای مارکسیست‌ها اگر استثمار و ارزش اضافی بهمان مفهوم باشد که خودشان توصیف مینمایند در رژیم سوسیالیستی هم استثمار وجود دارد و دلیل آن اولاً زندگی خیلی بهتر رهبران و زعمای قوم و غیره میباشد که نقشی در تولید ندارند. با هزینه‌های هنگفت که صرف تسلیحات و تحقیقات کیهانی و وام به کشورهای توسعه نیافته میشود مطلقاً از ارزشهای اضافی کار بدست میآید.

۲ - موضوع ماتریالیسم تاریخی تشدید مبارزه طبقاتی و تکامل وسائل تولید و تضاد بین وسائل تولید و مالکیت آن است که باصطلاح باید منجر بانقلاب پرولتاریا گردد.

الف - تشدید مبارزه طبقاتی بین طبقه کارگر و سرمایه‌دار با توجه بوضع کارگران کشورهای صنعتی مانند امریکا و غیره که روز بروز وضع کارگران بهتر شده حتی صاحب زندگی لوکس - اتومبیل - یخچال - تلویزیون و غیره میگردند بجای ازدیاد فاصله بین طبقه کارگر و سرمایه‌دار روز بروز این دو طبقه بهم نزدیکتر میشوند و نتیجتاً موضوع تشدید مبارزه طبقاتی دیگر عنوانی نمیتواند پیدا نماید.

ب - با آنکه امریکا از لحاظ صنعتی بمرحله عالی رسیده ولی از تضادی که بین وسائل تولید و مالکیت آن که طبق نظر بهمارکسیست‌ها باید تحقق پیدا نماید خبری

نیست و حتی خوشبین ترین کمونیستها نمیتوانند بگویند در چه فاصله زمانی در آن کشور انقلاب پرولتاریا رخ خواهد داد .

۳ - از لحاظ ایده لوژی کمونیسم یک مسلک بین المللی است و تمام کارگران جهان بدون توجه به رنگ و نژاد و ملیت آنان در این جبهه قرار دارند و تمام کمونیستهای جهان برادرند و هیچ مرز و ملیتی را نمیشناسند .

الف - این موضوع که کمونیستهای جهان برادرند، مرز و ملیتی را نمیشناسند با تشکیل حکومتهای کمونیستی مانند اروپای شرقی و چین معلوم شد که موضوع برادری جهانی منتفی است هر ملتی برای خود کشوری و منافع ملی جدا گانه ای دارد که حاضر نیست بهیچ قیمتی بنفع ملت دیگری اگر چه کمونیست هم باشد صرف نظر نماید گذشته از این کشور کمونیستی پیشرفته مانند اتحاد جماهیر شوروی حتی حاضر به همکاری و کمک فنی هم بکشورهای کمونیستی دیگر مانند چین نمیشد زیرا میترسد روزی کشور مزبور قوی تر شده و منافع او را در خطر بیندازد .

ب - کمونیستها بجای اینکه اصل موضوع را بشکافند که چرا بین یکن و مسکو اختلاف است هر دو صلاح در آن دیدند که دست بد امان اختلاف ایده ئولوژیکی بشوند چون اگر واقعیت امر را توضیح میدادند جلب سایر کمونیستهای جهان بیکی از این دو قطب (مسکو- یکن) با اشکالات عمده ای روبرو میگردد و معلوم میشد که تئوری مارکسیسم ولینینسم اسلحه ایست در دست حکومتهای موفق برای استفاده از وجود سایر ملل کوچک بنفع ملت خود و در واقع ناسیونالیسمی است که در پشت آن انتر ناسیونالیسم برای استفاده از سایر ملتها مخفی شده است .

# قسمت دوم

سیاست روسیه در ایران

در ادوار مختلف

[www.iran-archiv.com](http://www.iran-archiv.com)

# فصل اول

## در کلیات

چون کشور عزیز ما ایران از لحاظ موقعیت جغرافیائی کوتاه ترین راه ارتباطی بین اروپا و هندوستان و مهم ترین راه بازرگانی بین این دو منطقه بشمار میرفت لذا همیشه مورد توجه و مطمح نظریه‌یگانگان بوده است .

کشورهای پیش رفته اروپائی بمنظور دست اندازی بمناطق زرخیز ایران و هندوستان کوشش داشتند که با برقراری روابط بازرگانی منطقه نفوذ خود را در ایران توسعه داده و با این کشور مرآوده دائمی برقرار سازند .

هنری بر مورخ معروف در کتاب « ایران قدیم و تمدن ایرانی » صفحه ۴۲ چنین می نویسد :

« چون ایران بین آسیای شرقی و مغرب زمین ارتباط برقرار کرده بود . ابتدا سیل مهاجرین و سپس هیئت های اقتصادی و کمی بعد ارتش ها بطرف این فلات وسیع سرازیر گردید »

دارمستتر Darmsteter در کتاب ( نظر اجمالی بتاریخ ایران ) باینموضوع اشاره کرده می نویسد :

« ایران را میتوان مرکز تقاطع و برخورد نژادها و مذاهب و ادیان و تمدنهای مختلف دانست »

در قرن نهم هجری بازرگانان ونیزی ونمایندگان تجار تی و سیاسی آن جمهوری تصمیم به برقراری روابط بازرگانی با ایران گرفتند و از همین زمان در ایران رفت

وآمدی پیدا کرده . و بین نمایندگان سیاسی آن جمهوری با امیرحسن بیگ آق قویونلو قرار داد اتحادی برضد ترکان عثمانی منعقد شد .

از اواخر دوره سلطنت ایلخانان مغول در ایران عده ای از بازرگانان بنادر مختلفه ایتالیا مثل و نیز پیز . ژن بانو احوی تجارتی ایران روابط بازرگانی برقرار کردند و معاملات از راه گرجستان و شبه جزیره کریمه و با از طریق بندر طرابوزان و استانبول یا از راه موصل و دیار بکر و حلب و بندر اسکندرونه دایر گردید .

با توجه به فتح استانبول و کشورهای بالکان و تسلط سرداران مقتدر عثمانی مانند سلطان محمد فاتح و سلطان سلیم به جزایر و سواحل شرقی دریای مدیترانه تغییرات مهمی در امر بازرگانی و نیز به وجود آمد . گرچه و نیز به کوشش می کردند که با بستن قرارداد اتحاد با امیر حسن بیگ آق قویونلو او را وادار به جنگ با عثمانی ها نمایند تا از این راه موانعی در راه پیشرفت عثمانی ها در تحصیل انحصارات تجارتی با ایران ایجاد کنند ولی عثمانی ها با استفاده از پیداری و درک موقعیت و تفوق و برتری نظامی خود پیشدستی کرده توانستند و نیز به امیر حسن بیگ مؤسس سلسله آق قویونلو را شکست داده و تجارت ابریشم ایران را در انحصار خود در آورند . (۱)

بازرگانان اروپائی که اکثر آنها انگلیسی و فرانسوی و ایتالیائی بودند از طریق استانبول یا بغداد و حلب با ایران روابط بازرگانی برقرار می کردند .

در دوره شاه اسمعیل صفوی اقتصاد و روابط بازرگانی خارجی با ایران رونقی نداشت .

شاه طهماسب ۹۳۰ - ۹۸۴ شمسی با توجه مخصوصی که باین قبیل مسائل

---

(۱) تسلط بر استانبول و بنغازها از دو جهت حیات اقتصادی و سیاسی و نیز به را بخطر می انداخت . از یک طرف رفت و آمد و نیز به را بدریای سیاه می بست و در نتیجه جزایر یونان و قبرس از دست آنها خارج میشد و از جهت دیگر راه تجارت و نیز به را با ایران قطع میکرد و تجارت ابریشم ایران که در آن موقع اهمیت فوق العاده مهمی داشت مستقیماً مورد تهدید عثمانی ها قرار میگرفت .

داشت در رفع اشکالات و موانع اقتصادی کوشش فراوانی کرد و بالاخره توانست در این راه موفقیتی بدست آورد .

در اواخر قرن ( ۱۸ میلادی ) که مصادف با اواسط قرن ۱۲ هجری شمسی بود با جلوس شاه سلطان حسین بر تخت سلطنت ضعف و سستی بر سر تاسر ایران مستولی شد و کشور ایران آن عظمت و اقتداری را که در زمان شاه عباس کبیر بدست آورده بود بتدریج از دست داد و کشور رو با انحطاط و تجزیه گذاشت . در اثر ضعف و سستی دولت مرکزی که خود فرصت مناسبی برای شورش طلبان داخلی و هجوم بیگانگان بود امراء و سرکردگان اغلب نواحی علم طغیان برافراشتند و همسایگان مقتدر ایران چون روسها و غیره با استفاده از این فرصت بمنظور انجام و اجرایی نقشه های دیرینه خود دست بتجاوز بخاک ایران بخصوص نواحی شمال و غرب ایران زدند .

با این ترتیب هجوم بیگانگان بکشور ما در این زمان بیش از هر وقت دیگر صورت حقیقی و واقعی بخود گرفت لکن مهاجمین سعی میکردند که بتعرض و تجاوز خود جنبه قانونی بدهند .

### سیاست عمومی روسیه تزاری در ایران

تا سال ۱۰۵۳ شمسی بین ایران و روسیه روابطی برقرار نبود و دولت ایران و روسیه از یکدیگر اطلاعی نداشتند و فقط در زمان الکسی رومانف تزار روسیه بود که هیئتی مرکب از تجار ارمنی و روس بایران فرستاده شدند این هیئت که صورت بازرگانی داشت فقط و فقط بمنظور تجارت و فروش امتعه خود بایران آمده بودند . (۱)

از آن پس در تاریخ ایران و روسیه روابطی اعم از بازرگانی و سیاسی مشاهده نمیشود . این جریان تا ظهور پتر کبیر ادامه داشت ولی با ظهور پتر کبیر در سیاست

داخلی و خارجی روسیه خصوصاً در روابط این دولت با سایر دول تغییراتی بوجود آمد .  
روسها از سابق دو هدف و منظور را در ایران تعقیب میکردند .

۱ - دسترسی بدریای آزاد و توسعه متصرفات خود از طرف جنوب .

۲ - دسترسی بخاک هندوستان .

پطر بمنظور نیل بآمال و هدفهای سیاسی خود که عبارت از بسط و توسعه تجارت و سیاست اقتصادی بسا دولت های خارجی و اجرای نیات توسعه طلبی بود در اسفند ۱۰۸۹ شمسی « ۱۷۱۱ میلادی » نماینده ای بایران فرستاد تا ضمن اطلاع و وقوف از اوضاع طبیعی و جغرافیائی ایران بخصوص نواحی بحر خزر و شهرهای ساحلی آن قرارداد تجارتي نیز بادولت ایران منعقد سازد . (۱)

شاه سلیمان مقدم سفیر روس را گرامی داشت و بسا خوشروئی و گرمی او را پذیرفت و مذاکراتی نیز پیرامون برقراری روابط بازرگانی بعمل آورد . فرستاده پطر کبیر توانست اجازه صدور ابریشم ایران را از راه روسیه باروپا بگیرد .

در سال ۱۰۹۳ شمسی ( ۱۷۱۵ میلادی ) مطابق با ۱۱۲۷ هجری قمری پطر کبیر سفیر دیگری بنام آرتمی والینسکی Arthemiy Valinsky را با اختیارات تام بدربار ایران گسیل داشت تا معاهداتی با ایران منعقد کند .

صرفنظر از این مأموریت آرتمی والینسکی مأموریت سیاسی خاص دیگری داشت و آن عبارت از وقوف از چگونگی جاده ها . شهرها . بنادر و اطلاع از اوضاع شهرهای واقع در سواحل دریای خزر و بخصوص استحضار از وضع ایالات گیلان و مازندران بوده است . (۲)

---

(۱) - کتاب « انقلاب مشروطیت ایران » تألیف م - پاولویچ و - تریا . س . ایرانسکی

صفحه ۱۸۰ چنین می نویسد :

« در دوره الکساندر دوم وزیر خارجه روسیه موسوم به شاهزاده گورچاکف تمایلات « توسعه طلبانه اقتصادی و سیاسی روسیه را چنین توجیه میکند ( آینده روسیه در آسیاست »

(۲) - کتاب « انقلاب مشروطیت ایران » تألیف م - پاولویچ و - تریا . س . ایرانسکی



سفیر روس که در اسفند ماه ۱۰۹۳ شمسی باصفهان رسیده بود پس از تهیه مقدمات و انجام تشریفات ورود بدربار بالاخره توانست قراردادی با دولت ایران منعقد سازد و بموجب این معاهده بروسیه حق داده میشد که کنسولگری دائمی خود را در رشت مستقر کند و یکنفر کنسول دائم نیز در آن شهر داشته باشد. (۱)

اما همزمان با آمدن سفیر روس بایران وضع ایران متشنج و نابسامان بود آرتمی والنیسکی که هوش و ذکاوتی خارق العاده داشت باین نظر کلی ووقوف اجمالی از اوضاع ایران بفرست دریافت که اساس دولت مرکزی متزلزل و سخت بی بنیان است و در مراجعت از ایران تشخیص داد که روابط محکمی بین ایران و قفقاز وجود ندارد.

والینسکی اساس حکومت مرکزی را متزلزل و بی پایه یافت چنانکه گزارشهای بعدی وی نیز مؤید این حقایق گردیده و بهمین مناسبت بمنظور دست اندازی بدریای سیاه و ورود بخاک هندوستان دولت متبوع خود را در تصرف خاک ایران تشویق و تحریص میکرد. (۲)

مآل اندیشی و پیش بینی های والنیسکی که موافق طبع و منطبق بانظریات دیرینه تزار بود آنچنان در او مؤثر افتاد که تزار بموجب امریهای والنیسکی

---

(۱) کتاب «انقلاب مشروطیت ایران» تألیف م - پاولویچ - تریا - س - ایرانسکی

صفحه ۷۵ - ۷۶ .

(۲) Arthemiy Vahinsky در مراجعت خود از اصفهان بروسیه بامپراطور روس

چنین گزارش داد :

« تصور میکنم که نابودی نهائی ایران نزدیک است اگر سلطان جدیدی بر تخت نشیند »  
« و وضع کشور ایران را سروسامان ندهد در همه جا انقلاب و اغتشاش رخ خواهد داد و بعلت »  
« ضعف دولت ایران ، مامیتوانیم بدون هیچ واهمه ای جنگ با این دولت را شروع کنیم تنها »  
« یکدسته کوچک سرباز برای تسخیر فعلی خاک ایران و الحاق آن بروسیه کافی است . »  
« برای اینکار فرصتی مناسب تر از حال نیست در آتیه ممکن است با روی کار آمدن شاه »  
« جدیدی تغییرات مهمی بوجود آید . »

« از یادداشت های دکتر محمد علی حکمت استاد دانشگاه تهران »

را بحکومت حاجی طرخان منصوب نمود تا نامبرده بتواند با اطلاعاتی که از اوضاع طبیعی و جغرافیائی ایران نسبت به استانهای شمالی و ساحلی دریای خزر دارد نقشه‌های قدیمی و آرزوهای دیرینه او را جامه عمل بپوشاند .

سال ۱۱۳۵ شمسی (۱۷۵۶ میلادی) در تاریخ ایران اهمیت خاص دارد . زیرا با فرو ریختن اساس سلطنت صفویان و تجاوز روسها و عثمانی‌ها بایران پیش بینی‌های والنیسکی نیز تحقق پذیرفت .

شاه سلطان حسین گرگین خان را که از خانواده سلطنتی پاگراتی بود بحکومت گرجستان منصوب نمود و نیز مأموریت سرکوبی طوایف افغانستان و جلو گیری از اغتشاشات قندهار را بوی محول کرد نامبرده گرچه موفق بانجام مأموریت خود شد و آتش اغتشاشات را فرو نشاند و شورشیان را سرکوب کرد ولی خودوی شروع بظلم و تعدی نمود بطوریکه مردم در اثر ظلم و ستم وی بسر کردگی میرویس نامی سر بشورش برداشتند .

میرویس با کمک مردم گرگین خان را کشت و خود حاکم قندهار شد و پس از فوت وی پسرش میر محمود (محمود افغان) جانشین او گردید . میر محمود با اطلاع از گرفتاریهای دولت مرکزی ایران فرصت را برای حمله مناسب دانست و با چنین فکری با ده هزار سرباز برای تسخیر کشور بسوی کرمان شتافت و بالاخره در سال ۱۱۲۷ شمسی (۱۷۴۸ میلادی) شهر کرمان را تصرف کرد و بعبور از صحاری اطراف یزد باصفهان نزدیک شد و آن شهر را محاصره کرد .

محاصره کردن شهر بوسیله افغانه سبب شد که قحطی شدیدی اصفهان را تهدید کند .

شاه سلطان حسین پس از مدتی مقاومت بناچار دروازه شهر را گشود و تاج سلطنت خود را تقدیم محمود افغان نمود و با این ترتیب انقراض سلسله صفویه پس از ۲۲۸ سال اعلام گردید .

در این مواقع روسها نیز کوشش فراوان داشتند که شاید بتوانند از طرف مشرق به دریای سیاه و دریای بالتیک و بطور کلی به دریای آزاد راه پیدا کنند. و در اثر جنگهای طولانی با عثمانی و سوئد بقسمتی از دریای سیاه و بالتیک دست یافتند ولی هیچگاه به هدف نهائی و غنائی خود که همانا راه یافتن بدریای آزاد باشد نائل نشدند.

از اینجهت مصمم شدند که هدف خود را از طرف جنوب تعقیب نمایند. پطر کبیر مانند سلف خود با حدت و شدت زیادتری توأم با روحیه ناسیونالیست افراطی روسی این سیاست را تعقیب میکرد. بهمین مناسبت با استفاده از ضعف سلاطین اخیر صفوی و بمنظور توسعه متصرفات خود در جنوب یعنی شمال ایران مقدمات شروع حمله را تهیه میکرد.

سیاست پطر کبیر را در باره حمله بایران و دست یافتن بخلیج فارس و هندوستان از وصیتنامه او میتوان استنباط کرد.

پطر کبیر در ماده ۹ وصیتنامه خود باینموضوع اشاره کرده می نویسد:

« هر چه بیشتر باید با اسلامبول و هندوستان نزدیک شد کسی که در آنجا حکومت »  
« کند سلطان حقیقی جهان است برای رسیدن باین مقصود باید جنگهای پی در پی »  
« بر ضد عثمانی ها و ایرانیها برپا نمود. برای دسترسی بدریای آزاد باید مؤسسات »  
« کشتی سازی در ساحل دریای سیاه ایجاد نمود و بتدریج این دریا و دریای بالتیک »  
« را که دو نقطه لازم برای پیشرفت و انجام نیات و مقاصد ماست بتصرف آورد برای »  
« آنکه مابیه همه هدفهای خود بر سیم باید اضمحلال و نابودی ایران را تسهیل و تسریع »  
« کرد بر خلیج فارس دست یافت و تا هندوستان پیش رفت که این سرزمین بمثابه »  
« انبار ثروت دنیا است. وقتی که بآنجا رسیدیم میتوانیم از طلای انگلیس بی نیاز »  
باشیم. « (۱)

ملاحظه میشود که زمامداران روسیه برای رسیدن بمقصد ، حتی خواهان اضمحلال و نابودی ایران بودند .

پطر برای اجرای این مقاصد دنبال فرصت می گشت و این فرصت مناسب نیز در نتیجه شورش لز گیمها و قتل و غارت اتباع روس و شاهزاده چرکاسکی Teherkassky توسط ازبکان بدست وی افتاد و در تابستان سال ۱۱۰۱ شمسی (۱۷۲۲ میلادی) بایران حمله کرد . (۱)

پطر پس از ورود بداغستان بیانیۀ صادر کرد و در این بیانیۀ اشعار داشت که منظورش از لشکر کشی بایران توسعه ارضی نیست بلکه فقط کمک شاه ایران و دفع فتنه افغانه میباشد ولی بدیهی است که مقصود اصلی وی همانا اجرای مقاصد دیرینه امپراطوری روسیه بوده است .

### ادامه سیاست توسعه طلبانه روسیه تزاری در ایران

پرو سیاست توسعه طلبی تزاران روسیه . پطر کبیر شروع به توسعه دادن متصرفات روسیه از هر دو طرف کرانه های بحر خزر کرد . نیروهای او در سال ۱۱۰۱ شمسی (۱۷۲۲ میلادی) دربند ایران را در ساحل غربی دریای خزر متصرف شده و در همان سال با کو ورشت رافتح نموده وزیر رژیم مستبدانه خود در آورد قرارداد صلح پطر زبورگ که تزار در سال ۱۱۰۳ شمسی (۱۷۲۳ و ۱۷۲۴ میلادی) بانمایند شاه ایران منعقد نمود حق حاکمیت او را نسبت باین مناطق تأمین و تثبیت کرد .

بموجب این عهد نامه پطر کبیر تعهد کرد برای بازگشت خاندان صفوی قوا بفرستد بشرط آنکه شاه طهماسب متقابلاً نه فقط دربند و باد کوبه را که در تصرف تزار بود دائماً بروسیه واگذار کند بلکه سه ایالت گیلان ، مازندران و استرآباد را

---

(۱) که بالاخره با سفارت اسماعیل بیگ یکی از درباریان در ۲۱ شهریورماه ۱۱۰۲ شمسی ( ۱۲ سپتامبر ۱۷۲۳ ) مطابق با ۱۱ ذیحجه ۱۱۳۵ منجر بانقضاء عهد نامه ای موسوم بعهد نامه سن پترز بزرگ گردید .

« از یادداشت های دکتر محمد عالی حکمت استاد دانشگاه »

نیز تسلیم او سازد با این عهد نامه شاه طهماسب و باب عالی (عثمانی) هم موافقت نمود و ناموقع مرگ پطر کبیر کرانه جنوبی دریای خزر رسماً در تصرف روسیه بود. ولی با وجود این حق حاکمیت روسیه بر این استانها چند سال بعد از مرگ پطر کبیر ضمانت اجرائی خود را از دست داده و مجدداً از بین رفت جانشینان پطر کبیر وصیت او را بنحوا کمال اجرا ننمودند و یا نتوانستند اجرا نمایند اما نقشه جهان گشائی او را همواره ادامه دادند.

من باب مثال حمله بطرف جنوب را میتوان نام برد.

ایران در طول این قرن ایالات بحر خزر و قفقاز را در مقابل همسایه شمالی از دست داد. (۱)

تسلط روسیه بر ساحل غربی دریای خزر منجر بانعقاد قرار داد ترکمن چای ۱۲۰۶ شمسی (۱۸۲۸ میلادی) شد که در حدود صد سال بطول انجامید. از آن زمان رود ارس مرز ایران و روسیه را تشکیل داد. روسها در سال ۱۲۴۸ شمسی (۱۸۶۹ میلادی) کراسناودسک را در شرق دریای خزر متصرف شدند که جزء خاک ایران محسوب می شد قوای روسیه در سال ۱۲۵۲ شمسی (۱۸۷۳ میلادی) به ختانه و خیمه و بخارا هجوم بردند و بدین طریق نفوذ روسیه با روح توسعه طلبی در دشت ترکمنستان نیز توسعه یافت.

---

(۱) پاولویچ در کتاب انقلاب مشروطیت ایران فصل ششم صفحه ۱۱۵ چنین مینویسد:  
« باید گفت که روسها در ایران همیشه اوقات از سیاست دوپهلواستفاده میکردند بدین نحو در عین حال که در باطن روش خصمانه ای نسبت با ایران داشتند ولی در ظاهر سعی میکردند که خود را « دوستدار یا طرفدار ایران معرفی کنند. »

« مثلاً در سال ۱۱۰۲ شمسی (۱۷۲۳ میلادی) در نتیجه جنگ تحمیلی روسیه به ایران « ایران مجبور شد که شهرهای دربند با کوونواخی مجاور بحر خزر و همچنین قسمتهائی از « گیلان و مازندران را بروسیه واگذار کند ولی در عوض پطر کبیر دوستی جاویدان و کمکهای « بی شائبه خود را با ایرانیان وعده میداد و یا در مورد عهد نامه صلح گلستان ۲۰ مهر ماه « ۱۱۹۱ شمسی (۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ میلادی) ایران مجبور شد که گرجستان و خان نشینهای « قفقاز از قبیل قره باغ گنجه شکی شیروان طالیس را بروسیه واگذار کند ولی امپراطور روسیه « قول میداد که بموجب « ماده ۴ همین عهد نامه « از دخالت دول خارجی در ایران « جلوگیری کند. »

وقتی که در سال ۱۲۶۰ شمسی ( ۱۸۸۱ میلادی ) مصب رود اترک در ساحل جنوب شرقی بحر خزر خط مرزی روسیه و ایران را تشکیل داد روسیه سرحد خود را تا نزدیکی کوههای خراسان که جزء ایالات شمال شرقی ایران بود گسترش داد بدیهی است که این گسترش عملی تجاوزکارانه بود . ( ۱ )

در سال ۱۲۵۹ شمسی ( ۱۸۸۰ میلادی ) کردها تحت فرماندهی شیخ عبدالله در حدود شاهپور رضایه قیام کردند و نظر کودتا داشتند .

بنابینا قاضی شاه ایران دولت روسیه تحت فرماندهی ژنرال « آلتخازف » نیروهای احتیاط به نخجوان فرستاد . دولت نیرومند روسیه تزاری حکومت ایران را تابع و وابسته خود میدانست . و از این روازه‌یچ نوع کمکی بوی مضایقه نمیکرد . دولت تزاری روسیه ایران را یکی از ایالات روسیه و شاه را یکی از استانداران روسیه محسوب میداشت و انتظار داشت این ایالت دیر یا زود ضمیمه خاک روسیه گردد .

محافل رسمی روسیه تزاری از سیاست غاصبانه در آسیای میانه پیروی می کردند و افکار تجاوزکارانه خود را درباره ایران صاف و پوست کنده اظهار میداشتند .

سرهنگ ستاد تزاری بنام « آ . ا . مدودیف » با جملات زیر کتاب خود را درباره ایران پایان میرساند :

« ایران هر دم رو بضعف میرود . سال بسال برهرج و مرج این کشور افزوده میشود از این رو رفته رفته بصورت همسایه خطرناکی در میآید در حال حاضر ایران « مثل خانه همسایه ای است پر از باروت ، روسیه نزدیک ترین همسایه ایران است « قرنهاست که در ایران منافع بازرگانی و سیاسی دارد از این رو نمیتواند نسبت باضمحلال « تدریجی این کشور با نظر لاقیدی بنگردد . «

« عهد نامه گلستان بروسیه اجازه داده است که برای حفظ نظم و آرامش در « ایران در امور داخلی این کشور مداخله کند این عهدنامه هنوز ملغی نشده است . « بنظر من اکنون بهترین وقت استفاده از این امتیاز است . «

در سال ۱۲۶۱ شمسی (۱۸۸۲ میلادی) تزار روسیه بمنظور مداخلات بیشتری در امور سیاسی و اجتماعی و حتی نظامی ایران قراردادی با دولت ایران منعقد ساخت و بموجب آن يك هیئت نظامی جهت تعلیم و تشکیل سازمان نظامی بایران گسیل داشت و این اولین دسته بریگاد قزاق روس بود که بعدها تحت سرپرستی لیاخوف معروف آن فاجعهٔ اسفناک مجلس را بوجود آورد. (۱)

استقلال و حاکمیت ایران گرچه ظاهراً در قرارداد (۱۹۰۷ میلادی) انگلیس و روس برسمیت شناخته شد ولی این قرار داد نیز ایران را بدو منطقه نفوذ شمالی و جنوبی تقسیم میکرد و با این ترتیب ارزش استقلال ایران را بمعنای واقعی کاهش میداد و از آن تاریخ ببعد روسها بمنظور مداخله در امور داخلی ایران از هیچ عملی روی گردان نشدند.

دولت تزاری روسیه سیاست تجاوزکارانه و توسعه طلبانه خود را در ایران همچنان ادامه میداد و برای رسیدن به هدف اصلی اضمحلال و نابودی ایران را خواستار بود.

---

(۱) روزنامه جبل‌المئین در شماره ۱۱ سال ۱۹۰۹ برای اولین بار متن قرارداد را که بین میرزا سعیدخان وزیر خارجه ایران و وزیر خارجه روس امضاء شده بود منتشر ساخت.

## فصل دوم

### ادامه سیاست تجاوز کارانه روسیه تزاری

#### در دوران مشروطیت ایران (۱)

جنبش مشروطه خواهی با فداکاری و جانبازی ملت آزاد و غیور ایرانی با سرعت عجبی در اکثر شهرها توسعه مییافت و گروه زیادی از آزاد مردان و زنان از هر صنف و طبقه و از هر دسته و طایفه با از خود گذشتگی های کم نظیری که خاص ملت رشید ایران است از این جنبش استقبال می کردند و بآن می گرویدند. ملت تصمیم داشت خود را از یوغ استبداد و نفوذ ماجراجویانه بیگانه نجات دهد و با کوشش فراوانی در راه اجرای این هدف عالی تلاش میکرد و بالاخره با صدور فرمان « دستخط » ۱۴ مرداد ۱۲۸۴ شمسی ( ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ هجری قمری ) مظفر الدین شاه ، ملت توانست باخذ مشروطیت نائل آید . ( ۲ )

دکتر مهدی ملکزاده در تاریخ مشروطیت ایران صفحه ۳۴ چنین مینویسد:

« انقلاب مشروطیت بزرگترین حادثه ای بود که در تاریخ ایران روی داده »  
« و بالاترین تحول را در شئون سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران بوجود آورده . »  
« مشروطه دفتر کهنه قدیم را درهم پیچیده و حکومت استبدادی که از اول خلقت »

---

( ۱ ) دکتر مهدی ملکزاده در جلد دوم تاریخ مشروطیت خود در صفحه ۱۶۳ مینویسد:

« سیاست دول خارجی در ایران از دو قرن پیش يك عامل مؤثر در امور کشور ایران بوده »  
« و بسیاری از بدبختی های که نصیب ما شده و ناکامی هایی که در گذشته داشته ایم ناشی از همین »  
« سیاست بوده است . »

( ۲ ) کتاب « تاریخ بیداری ایرانیان » تألیف ناظم الاسلام کرمانی جلد سوم صفحه ۶۹-۷۰-۷۱



« تا آن زمان در ایران فرمانفرمایی میکرد و از گون کرد و حکومت ملی را که »  
« پایه‌اش در روی فلسفه نوین و رشد و فکر و تعقل و آزادی و عدالت است برقرار »  
« کرد. »

در واقع همینطور هم بود زیرا من باب مثال بخاطر بیاوریم که دوره اول تقنینیه مجلس شورای ملی که انتخابات جنبه صنفی داشت مردم نمایندگان خود را که از نزدیک می‌شناختند از هر صنفی انتخاب کرده و بمجلس می‌فرستادند و این اولین محصول مشروطیت در ایران بود. مجلس مذکور در مدت عمر کوتاه خود قدمهای مؤثری در راه ترقی و اعتلای میهن ما برداشت و قوانین جدیدی وضع کرد بنحویکه با وضع و تدوین قوانین جدید ضربت خوردکننده‌ای بسیادت مطلقه ملاکین وارد شد. نهضت مشروطیت ایران میرفت تا سروسامانی بوضع آشفته کشور بدهد و کشور را از نابسامانی و فقر و بدبختی نجات دهد و سعادت مردم ستم‌دیده را تأمین کند و استقلالی بخود بدهد اما افسوس همین کارها سبب رعب و هراس ستمگران و جباران روسی شد و آنها که هیچگاه سعادت ملت ایران را خواستار نبودند و تأمین منافع و اجرای نیات پلید خود را در ضعف و زبونی این کشور می‌دیدند شروع بتحریکات موحش و خطرناک نمودند تا اینکه در ۲ تیرماه ۱۲۸۷ شمسی (۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ میلادی) سرهنگ لیاخوف فرمانده نیروی قزاق با شرکت گارلویک سفیر روسیه نقشه‌ای طرح کرد و بتصویب فرمانده عالی نظامی قفقاز رسانید و با اجرای این نقشه هولناک مجلس بمباران شد و وعده زیادی از مردم و نمایندگان بقتل رسیدند و باین طریق خواستند مشروطه نو بنیاد ما را بوسیله توطئه مسلحانه و خیانت آمیز خود از بین ببرند. (۱)

بدیهی است قضیه بمباران مجلس ایران بدست لیاخوف (۲) نقش دیگری از اجرای وصیتنامه پطر کبیر و تأمین نظریات ارتمی والنیسکی بود.

---

(۱) کتاب «انقلاب مشروطیت ایران» تألیف پاولویچ - تریا - ایرانسکی صفحه ۵۶-۵۷

(۲) لیاخوف بمناسبت همین خدمت «خیانت بزرگ» به سمت والی تهران منصوب

میشود. «کتاب انقلاب مشروطیت ایران» تألیف پاولویچ صفحه ۸۳ فصل پنجم.

این بود روش تزاران روسیه در ایران .

اگر حکومت تزاری افسران روسی را برای تعلیم نیروی قزاق در ایران گمازده بود فقط بمنظور حفظ وضع موجود جهت اجرای مقاصد دیرین خود یعنی دست رسی بدریای آزاد و کشور پر ثروت هندوستان بوده است بی جهت نبود که تزار روسیه تمایل شدیدی بمحمد علی شاه داشت و شدیداً او و طرفداران او را تحت حمایت بی دریغ خود قرار میداد .

مراجعت محمد علی شاه از روسیه بایران در ۲۶ تیرماه ۱۲۹۰ شمسی (۱۷ ژوئن ۱۹۱۱ میلادی) بانام مستعار و بطور ناشناس و ایجاد جنگ مجدد و خون ریزی ناحق ، بتحریک روسیه تزاری و بمنظور حفظ منافع آن دولت بوده است .

دولت تزاری حکومت ایران را تابع و وابسته خود میدانست . بریگاد قزاق که پس از مسافرت ناصرالدین شاه . بروسیه ۱۲۶۹ شمسی (۱۸۹۰ میلادی) در ایران تشکیل شده بود همواره تکیه گاه مطمئن تزار در ایران بوده است .

معاهده ترکمانچای ۱۲۰۶ شمسی (۱۸۲۸ میلادی) و قراردادهای ضمیمه آن که روسها را از حق قضاوت کنسولی « کاپتولاسیون » در ایران بهره مند میساخت نقش دیگری از سیاست توسعه طلبی روسها در ایران بوده است .

جنگ بین الملل اول ( ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ میلادی ) هیچگونه تغییری در سیاست ایران و روس ایجاد نکرد و روسها همچنان سیاست قبلی خود را در ایران تعقیب میکردند . گرچه ایران در این جنگ بیطرف مانده بود لکن این بیطرفی نقض گردید و روسها به پیروی از خصلت های عهد شکنانه دیرین خود در این زمان هم دست از تجاوز علنی برنداشتند و نواحی وسیعی از خاک ایران را عرضه تاخت و تاز خود قرار دادند و کشور ما بمیدان جنگ نیروهای مسلح روسیه تزاری تبدیل گردید (۱) .

---

(۱) - پاولویچ در کتاب انقلاب مشروطیت ایران صفحه ۱۸۵ چنین می نویسد :  
« حتی اگر معتدل ترین دولت هم در نتیجه انقلاب فوریه زمام امور روسیه را در دست می گرفت همچنان سیاست تجاوزکارانه خود را در ایران تعقیب میکرد و سربازان روسی بجنگ « درخاک ایران ادامه میدادند . »

مداخلات علنی نمایندگان سیاسی روس در تبریز و تهران و سایر شهرها و همچنین ورود قوای روسی به آذربایجان بمنظور جلوگیری از نهضت مشروطه خواهی و رفتار توهین آمیز آنها نسبت بملت ایران و بالاخره کشت و کشتار آزاد مردان ایرانی همه و همه بتحریر روسها بوده است و قصد واقعی آنها نیز از کادر اصلی سیاست کلی روسیه تزاری در ایران خارج نیست و هدف واقعی همان است که در فوق بتفصیل بآن اشاره شد .

در مورد مداخلات علنی و گستاخانه روسها در ایران که شاید بیش از یک قرن - و نیم ادامه داشته کتابهای مفصلی نوشته شده است . در این مختصر منظور آشنائی خوانندگان گرامی با اصول کلی سیاست روسیه و روش آن دولت در ایران بوده است لکن علیرغم مداخلات و تحریکات عمال دولت تزاری نهضت مشروطه خواهی در راه بیداری و ترقی کشور بسیر تکاملی خود همچنان ادامه میداد .

شبهای ظلمانی یکی پس از دیگری سپری شد و ابرهای تیره پراکنده گردید سیمده دم زندگی فرا رسید ایرانی بنا بمقتضیات زمان طالب زندگی نوینی شد و برای بدست آوردن آن مجدانه به تکاپو افتاد هیچ نیروئی نتوانست از تلاش ملت ایران برای تحصیل زندگی بهتر و آزادی کامل تر جلوگیری نماید . تاریخ اخیر کشورها بزرگترین شاهد صادق این مدعا است .

کمتر از نیم قرن است که با سعی و کوشش خستگی ناپذیر سردار بزرگ ایران اعلیحضرت فقید رضاشاه کمبر بنیان گزار ایران نوین و تحت رهبری و ارشاد خردمندان اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی شاهنشاه ایران میهن ماموقیت هائی اعم از مسائل داخلی و خارجی کسب کرد و نفوذ بیگانگان بکلی از ایران برانداخته شد و ملت ایران در راه سعادت و ترقی گام برداشته و شاهد موفقیت و خوشبختی را در آغوش کشیده است .

## فصل سوم

### سیاست روسیه شوروی در ایران پس از انقلاب

اکتبر ۱۹۱۷

ایرانسکی در کتاب «انقلاب مشروطیت ایران و ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی آن» صفحه ۱۷۷ چنین می‌نویسد:

«مردم ایران در جریان سالهای بعد از انقلاب اکتبر برای العین دیدند که دوستی محکم با اتحاد شوروی ضامن آزادی ملی مردم ایران است»

بحث در تشریح این جمله با دلایلی که بعداً با آن اشاره خواهیم کرد شاید در اینجا ضروری بنظر نرسد ولی تذکر این نکته لازم است که داشتن چنین طرز فکری خیالی بیش نیست توأم با تعصب. ایرانسکی هم مانند سایر متعصبین تصور میکرده است که بعد از انقلاب اکتبر دوستی با شوروی ضامن آزادی ملی مردم ایران گردیده است و حال آنکه واقعیت اینطور نیست حقیقت آنست که در دوران بعد از انقلاب کبیر روسیه هم کوچکترین تغییری در اصول سیاست خارجی روسیه داده نشده است و روسیه شوروی نیز اصول سیاست خارجی خود را بر پایه همان سیاست قبلی تزارهای روسیه تنظیم نموده است. منتهی مهمترین تفاوتی که بین سیاست تزاری و سیاست شوروی وجود داشت فقط در روش و تاکتیک آن بود و لاغیر.

درست است که دولت شوروی از تمام مطالبات روسیه تزاری در ایران صرف نظر می‌کند و امتیازات روسیه تزاری را از بین میبرد «ولی کیست که این حقیقت را نداند که دولت شوروی خواهان تحصیل امتیازات دیگری است» (۱) اتخاذ چنین روش

---

(۱) کتاب انقلاب مشروطیت ایران تألیف پاولویچ - تریا - ایرانسکی صفحه ۱۹۱

و سیاستی بعد از انقلاب اکتبر در ایران همان اعمال سیاست دوپهلواست که تزارها آنرا در سیاست خارجی خود بکار میبردند .

مجله آلمانی «سیاست و تاریخ» در صفحه اول خود چنین می نویسد :

« بایرانیان هم مانند سایر ملل مختلف جهان گفته شده بود که شوروی « بهترین دوست آنها میباشد ولی ملت ایران در اثر گذشت زمان با تجربیات تلخ « این حقیقت ناگوار را درك نمود که روسیه از گفتن کلمه دوستی در مورد ایران « منظور خاص دارد و کیست که این منظور را نداند . «

« دولت شوروی بعد از لغو قراردادها و مطالبات دولت تزاری در ۱۲۹۹ شمسی (۱۹۲۰ میلادی) باروش جدید خود سیاست جهان طلبی تزاریسم را تعقیب « نموده است . کمونیزم بین الملل K.P.D.S.U و کمونیست های ایران در « اجرای هدفهای کلی خود تا کتیک جدیدی را بکار بردند که کاملاً برای اجرای « مقاصد دولت شوروی در مقابل يك کشور عقب مانده که باهم مرزهای مشترك « دارند توافق داشت . در این تا کتیک تغییرات روشهای سیاسی کمونیست های آسیا « کاملاً روشن و واضح شده است . «

ما در فصول آینده بتفصیل ثابت خواهیم کرد که روسیه شوروی نیز خواهان همان سیاستی است که تزاریسم داشته و تئوری کمونیزم بین الملل یا انتر ناسیونالیسم یکی از مظاهر بارز این چنین سیاستی میباشد ولی قبل از اینکه باصل موضوع بپردازیم مختصری از دورنمای سیاست کمونیزم بین الملل را مورد بحث قرار میدهیم.

## دورنمایی از سیاست کمونیزم بین الملل

### و ملت های شرق

امری که بغایت روشن و مشهود میباشد اینست که در ابتدا مبارزات بلشویکها منحصر با انقلابات داخلی ملت ها بوده است و در آن زمان روسها متقاعد شده بودند که

باتهیج و تحریک انقلابات داخلی ملت ها راه را برای کمونیزم بین الملل باز نمایند در عین حال که خود را از زیر ضربات دولت های سرمایه داری نجات داده اند در توسعه کمونیزم نیز کوشیدند .

در زمان تأسیس کنگره کمونیست ها در ۲۸ اسفند ۱۲۹۸ شمسی (۱۹ مارس ۱۹۱۹) هیئت نمایندگی ایران بنام ستاد مرکزی ملت های شرق در آن شرکت داشته است و در بیانیه کنگره که درباره پرولتاریای بین الملل تهیه و از طرف لئون داویدویچ تروتسکی Lev. Davidovitch Trotsky تنظیم شده بود این نکته یادآوری شده است :

« نه تنها کارگران و دهقانان آنام . الجزایر . بنگالی . بلکه کارگران و «  
« کشاورزان ایران و ارمنستان هم وقتی زندگی مستقلی بدست خواهند آورد که «  
« کارگران انگلستان و فرانسه را لوید جرج و دیگر محافظه کاران را از بین برده و «  
« قدرت دولت را در دست بگیرند برده گان استعمار آسیائی و آفریقائی ! ساعتی که «  
« پرولتاریا در اروپا حاکم شود ساعت آزادی شما خواهد بود . » (۱)

سیاست کمونیزم در سالهای اول مورد تأیید کنگره قرار گرفت . طرفداران تئوری مارکسیستی مثل لنین . ترویانسکی K. Troyanovsky و گریگوری زینوویف Grigory Zinovifv وعدهای دیگر را عقیده بر این بود که انقلاب ابتدا در کشورهای متمدنی و صنعتی شروع میشود و بعد بکشور های مستعمره و نیمه مستعمره سرایت خواهد کرد . اتفاقاتی که در سالهای ۱۲۹۸ - ۱۲۹۹ شمسی (۱۹۱۹ - ۱۹۲۰ میلادی) در اروپا بوقوع پیوست صحت این مطلب را مسلم کرد . (۲)  
در کشور آلمان (۳) پس از خاتمه جنگ یکم جهانی توسط افراد کمونیست بینظمی هائی در شهرها بوجود آمد که منجر بااعتصاب عمومی کارگران و تشکیل جمهوری نجات در ایالت باویر گردید .

در ایتالیا (۴) افکار انقلابی کمونیستی رو باز دیاد بود ولی کمونیست ها برای

گسترش انقلاب در اروپا منتظر حمله ارتش سرخ بودند که بعد از دفع حمله ارتش لهستان در کیف در تابستان سال ۱۲۹۹ شمسی (۱۹۲۰ میلادی) بسمت غرب پیشروی میکردند. در ارتش سرخ سه نفر کمونیست معروف باسامی فیلیکس دسرشنیسکی **Felix Dsershinski** و ژولیان مارشلوسکی **Julian Marchlewski** و فیلیکس کن **Felix Kon** خدمت میکردند.

وظائف آنها عبارت بود از توسعه و ترویج افکار کمونیستی در مناطق متصرفی شوروی تا بدینوسیله بتوانند رژیم کمونیستی در لهستان بوجود آورند و زمام امور را در دست گیرند قوای شوروی در سال (۱۹۲۰ میلادی) به پیروی از همین سیاست در نواحی شمالی بحر خزر شروع به تجاوز نمود.

در تاریخ ۸ اردیبهشت ۱۲۹۹ شمسی (۲۸ آوریل ۱۹۲۰ میلادی) حزب کمونیست در باکو قدرت را بدست گرفت. دوازده روز بعد از این واقعه فدور راسکول نیکف (۱) در رأس نیروهای شوروی وارد باکو شد در همان روز جمهوری شوروی آذربایجان اعلام گردید.

ناوگان روسهای سفید پس از اشغال باکو بوسیله ارتش سرخ به بندر انزلی فرار کردند و نیروی سرخ ناوگان فراری را تعقیب نمود و در ۲۹ اردیبهشت ۱۲۹۹ شمسی (۱۹ ماه مه ۱۹۲۰ میلادی) به انزلی حمله کرد و ناوگان فراری را به تصرف خود درآورد ضمناً با راهنمایی کمیته مجلی کمونیستی که در سال ۱۹۱۸ در انزلی تشکیل شده بود در آن منطقه متمرکز شد و بزودی ایالت گیلان را در طول ساحل جنوب غربی دریای خزر تحت کنترل خود درآوردند دولت شوروی با اعتراض تهران جواب داد که گیلان از طرف قوای جمهوری شوروی آذربایجان اشغال شد و دولت شوروی هیچگونه نفوذی در آن نیرو ندارد.

---

(۱) **Feodor Raskolnikow** فرمانده نیروی دریای شوروی در سال ۱۹۲۰

میلادی ۱۲۹۹ شمسی در دریای خزر بوده است. این شخص در تعقیب ژنرال ونیسکین در ۲۸ اردیبهشت ماه سال ۱۲۹۹ (۱۸ ماه مه سال ۱۹۲۰) انزلی را بتصرف درآورد و با پیاده شدن سربازان او در انزلی بلافاصله جنبش شورشیان جنگل شدت یافت. از کتاب (روسیه و غرب در ایران) صفحه ۵

زمانی که این حوادث ادامه داشت دومین کنگره کمونیزم بین الملل در مرداد ماه ۱۲۹۹ شمسی (ژوئیه و اوت ۱۹۲۰ میلادی) تشکیل شد و نمایندگان کمونیست‌ها تحت تأثیر پیشرفت سریع بلشویزم و آثار لنین منجمله کتابهای «رادیکالهای چپ» مرض بچگانه چپ روی که مطالبی از آن زیبا درج میگردد قرار گرفتند :

« کمونیست‌ها باید بدانند که آینده در حال متعلق بآنها خواهد بود بنابراین »  
« میتوانیم و (میایستی) تمام نیروی خود را در جنگ جبری انقلابی با خونسردی »  
« وهوشیاری در مقابل حیل‌های بورژوازی متحد نمائیم .... ولی در تمام مراحل »  
« و در تمام کشورها کمونیزم استحکام می یابد و ترقی میکند . کمونیزم چنان ریشه »  
« عمیقی دوانیده است که موانع مختلف و مشکل آن را ضعیف نمیکند از قدرت »  
« نمی اندازد بلکه قوی تر میکند . »

مجله آلمانی بنام « تاریخ و سیاست » در این باره می نویسد :

« نمایندگان کمونیست‌ها با تعصب انقلابی خود تصمیم گرفتند که با تمام »  
« امکانات حتی با بدست گرفتن اسلحه برای واژگون نمودن بورژوازی مبارزه کنند »  
« و زحمتکشان تمام دنیا اعم از سفید پوست زرد پوست یا سیاه . چینی یا حبشی را »  
« آزاد و یکسان نمایند . »

« در کنگره راجع به مسائل ملی و مستعمرات بحثی شد که طرح آنرا لنین »  
« تهیه کرده بود و بنا بر پیشنهاد لنین میایستی کمونیست‌ها در کشورهای مستعمره و »  
« نیمه مستعمره بدلائل تاکتیکی « از نهضت آزادی بورژوازی ملی » حمایت کنند »  
« ولی این پیشنهاد باعث مخالفت عده‌ای از نمایندگان شد که با تمام نیرو هرگونه »  
« همکاری حزب کمونیست و بورژوازی را محکوم میکردند . »

« در رأس آن عده از مخالفین که ارزش تاکتیک قابل انعطاف لنین را نشانختند »

« مانابندراوت روی نماینده هندوستان بوده است . »

« سلطان زاده (۱) بالحن ملازم از این مسئله انتقاد نمود . نماینده هند »

---

(۱) این شخص یکی از کمونیست‌های متعصب ایرانی ساکن روسیه بود که بعد ها

مورد تصفیه دستگاه کمونیستی قرار گرفت .



« مخالفت خود را با همکاری نهضت آزادی « بورژوازی ملی » اظهارداشت و پیشنهاد  
« نمود که در این کشورها فقط نهضت کمونیزم گسترش پیدا کند هیچ نیازی نیست »  
« که کمونیست ها از نهضت آزادی بورژوازی ملی حمایت نمایند همچنین مشارالیه »  
« مخالف عقیده اکثریت نمایندگان بود که عقیده داشتند قبل از اینکه زنگ  
« ساعت آزادی زحمتکشان آسیا صدا در آید انقلاب میبایستی در اروپا به نتیجه  
« برسد . بنا بر عقیده او انقلاب در اروپا وقتی به نتیجه خواهد رسید که دست سرمایه  
« داران آسیا بوسیله انقلاب کارگری و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا از منابع  
« کشور های نیمه مستعمره کوتاه شود . بنا بر این اولین وظیفه اصلی و اساسی  
« کمونیزم بین الملل اینست که بهر وسیله ممکن است انقلاب را در آسیا  
« تسریع کند . »

« با وجود این لنین در هر دو مرحله عقیده خودش را تعقیب نموده و با فرمول  
« قطعنامه مانا بندر ائتوت روی موافقت کرد و پیشنهاد نمود که بجای بورژوازی ملی  
« از انقلابیونی که بخاطر آزادی مبارزه میکنند پشتیبانی شود . »

« تاکتیک مبارزه انقلابی لنین در بیست سال اخیر فقط در شرق در مقابل کمین  
« تانگ چین اجرا شده است تئوری لنین بعداً بوسیله مائوتسه تونگ و با کمک  
« بورژوازی ملی چین اجرا شده است تمام نمایندگان کنگره دوم از همان آغاز در  
« مسائل زیر توافق نظر داشتند . »

« مبارزه در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره میبایستی علیه : »

« ۱ - ارتجاعیون و صاحبان نفون قرون وسطی (روحانیون . مبلغین مسیحی) »

« و عناصر شبیه بان . »

« ۲ - پان اسلامیزم و فعالیت مسلمانان آسیا صورت گیرد . »

« کمیته اجرائیه کمونیزم بین الملل گامهای قابل اجرائی بخاطر توفیق »

« کمونیست ها در آسیا برداشت در شهر باکو قبل از تشکیل کنگره دوم در »

« ۱۲۹۹ شمسی ( ۱۹۲۰ میلادی ) کنگره ملت های شرق مرکب از دهقانان »

« و کارگران ایران «ارمنستان» وترکیه تشکیل شد که منظور از تأسیس کنگره «  
به قرار زیر بوده است.»

« کارگران و دهقانان خاور نزدیک! اگر خودتان را متشکل سازید. اگر  
« مسلح شوید. اگر خودتان را با ارتش دهقانی و کاریگری سرخ متحد سازید... »  
« آنوقت میتوانید در مقابل کاپیتالیست های فرانسوی انگلیسی و آمریکائی پیروز  
« شوید. آنوقت از دست ستمگران آزاد خواهید شد آنگاه میتوانید با امکانات وسیع  
« در پیمان های آزاد با تفاق جمهوریهای کاریگری جهان نیازمندیهای خود را رفع کنید  
« آنوقت منابع سرشار و طمئتان نصیب شما خواهد شد... »

« اول سپتامبر میبایستی در باکو هزارها نفر از کارگران دهقانان ایرانی.  
« ترکی، و ارمنی صلح طلب بخاطر نجات ملت های خاور نزدیک مجتمع شوند.  
« در اولین کنگره. ملت های شرق که در ۹ شهریور ۱۲۹۹ شمسی (اول سپتامبر  
« ۱۹۲۰ میلادی) تشکیل شد ۱۸۹۱ نفر نماینده از ۳۲ کشور ملت های شرق از مراکش  
« تا منچوری مجتمع شدند. بنا بر گزارش گریگوری زینوویف که در ۲۹ شهریور  
« ۱۲۹۹ شمسی (۲۰ سپتامبر ۱۹۲۰ میلادی) به ایکی پلنوم Ekki Plenum داده شد  
« دوسوم نمایندگان کمونیست بودند و ۲۳۵ نفر ترک ۱۹۳ نفر ایرانی، ۱۷۵ نفر  
« ارمنی و ۴۴ نفر زن در کنگره شرکت کرده بودند. بین نمایندگان ترکیه  
« انور پاشا شرکت داشت که در آن زمان ترکهارا برای جنگ با مصطفی کمال پاشا  
« جمع مینمود.»

« رئیس کمیته اجرائیه کمونیسم بین الملل گریگوری زینوویف و اعضای آن  
« کارل. رادک Karl Radek و بلا کون Bela Kunn و استروسکی Ostrovsky  
« بوده اند که در کنگره شرکت داشتند. نمایندگان کارگران کشورهای مستعمراتی  
« عبارت بودند از: توم کویش Tom Gvech از بریتانیا و یوهانس پروست  
« Johans Prosst از هلند و جان رود Johan Reed از امریکا و روسمر  
« A Rosmer از فرانسه.»

« این نمایندگان سعی می نمودند که با سخنرانیهای آتشین خود پیروزی »  
« اجتناب ناپذیر کمونیزم را در تمام جهان مسلم کرده و بغض و کینه نمایندگان »  
« را به دو هدف زیر جلب نمایند . »

« ۱ - امپریالیست های غرب بخصوص بریتانیا . »

« ۲ - استعمارگران داخلی . »

« زینوویف درسخرانی خود باسلام حمله کردوی نمایندگان حاضر مسلمان »  
« را چنان علیه امپریالیزم انگلیس برانگیخت که در نتیجه پیام او بخاطر »  
« ( جنگ مقدس ) موردقبول نمایندگان مسلمان واقع شد. رادک به پادشاهان ایران »  
« و خانها حمله نمود . بلاکون نمایندگان را علیه بورژوازی ملی تحریک میکرد »  
« رادک نقش شوروی را بعنوان ضامن پیروزی مشترک ملت ها قلم داد نموده گفت : »  
« در گذشته کشور شوروی از طرف انگلستان احاطه شده بودولی اکنون »  
« میتواند اسلحه بسازد . با این اسلحه دهقانان هندی . ایرانی . اناتولی را مسلح »  
« نموده آنها را بچنگ و پیروزی مشترک هدایت خواهد نمود . »

« یکی از نمایندگان گان تر کستان هنگام بحث اظهار داشت که شوروی نباید »  
« اقدامات خود را تنها روی کاغذ بیاورد بلکه باید آنها را بانجام برساند . »

« در همین زمان بود که دول غرب به بلشویکها بعنوان امپریالیست های سرخ »  
« حمله می کردند و اظهار میداشتند که بلشویکها در زیر ماسک کمونیزم خواب »  
« استعمار آسیا و سایر کشورهای اروپائی و افریقائی را می بینند و این فکر را باید »  
« از مغز آنها بیرون کرد . »

« باید توجه داشت که وسیله مبارزه مشترک بلشویکی و ملت های شرق کمیته »  
« ( عملیات و تبلیغات ) بوده است که در نتیجه بوسیله کنگره ملت های شرق بوجود آمد »  
« و قتیکه زینوویف اسامی کاندیداها را برای کمیته به کنگره پیشنهاد مینمود صدائی »  
« بگوش رسید که ( برای شرایط ایران درست نمیشد ) صدای ندا دهنده بوسیله »  
« سخنرانی زینوویف قطع شد ولی منظور و مقصود معترض معلوم نبود که آیا میخواست »

« موضوع گیلان را که از طرف نیروی شوروی اشغال شده بود مطرح نماید و در نتیجه  
« اختلافی ما بین دلگاسیو نه‌ای کمونیست‌ها و دولت شوروی بوجود آورد یا اینکه  
« یکی از وطنپرستان ایرانی منطقه اشغالی شوروی بود که بطور اجبار به کنگره  
« اعزام شده بوده است ، بهر تقدیر: »

« کاندیداها با اکثریت آراء انتخاب شدند . کمیته برای عملیات و تبلیغات  
« قرار بود دارای اداره ثابتی باشد و در آن دو هیئت شرکت داشته باشند  
« و سالیانه لااقل چهاربار در باکو جلسه تشکیل دهند . همچنین میبایستی يك  
« روزنامه سه‌زبان انتشار یابد و وظیفه روزنامه‌مزبور این باشد که در شرق تبلیغات  
« کند و جنبشهای آزادیخواه محلی را متحد سازد . مسلماً نمایندگان در يك نقطه  
« درمورد « تنفر شدید نسبت بغرب بخصوص بامپریالیسم انگلیس » با یکدیگر  
« هم عقیده بودند . »

« بلاکون برخلاف تصمیمات دومین کنگره راجع بمسائل ملیت و مستعمره  
« که از طرف لنین طرح شده بود صحبت نمود و بعد از اینکه بورژوازی ملی‌ملت‌های  
« شرق را مورد حمله قرار داد همکاری کمونیست‌ها را با آنها بی اساس قلمداد نمود  
« بلاکون در مبارزه بخاطر مجارستان خود را بلشویک جلوه داد و بعد از کنگره  
« با کوبنا بدستور کمونیزم بین الملل بآلمان فرستاده شد و در آنجا مسئول شکست  
« انقلاب چپی اسفند ۱۳۰۰ ( مارس ۱۹۲۱ ) شناخته شد . پول لوی Paul Levi  
« منشی کمیته پس از بلاکون نقش وی را در شرق ایفاء کرد . »

با مطالعه قسمت اخیر این مبحث چنین نتیجه گرفته میشود که یکی از علل  
شکست سیاست کمونیستها در شرق در بیست سال اخیر مداخلات ناروا و بی‌جای  
کمونیزم بین الملل در امور داخلی کشورها و حملات و پایمال کردن سنت‌های  
شرق بوسیله رهبران سابق حزب کمونیست بوده است . نمونه‌های کوچک فوق  
شاخص نقش اساسی روسیه شوروی ( ۲۴ اکتبر ۱۹۱۷ میلادی ) در راه اجرای سیاست  
توسعه طلبی آن دولت بعد از انقلاب است .

## سیاست شوروی

### در سالهای ۱۲۹۶-۱۲۹۸ شمسی (۱۹۱۷-۱۹۱۹ میلادی)

انقلابیون فاتح پس از تأسیس حکومت شوراها به تمام جهانیان اعلام نمودند که آنها با سیاست ارتجاعی « مالکین و سرمایه‌داران » دولت‌های تزار و کرنسکی مبارزه خواهند کرد. پس از بدست گرفتن قدرت از طرف بلشویک‌ها در پتروگراد. دولت کارگران و دهقانان در مورد « تصمیم خود درباره صلح » بتمام ملت‌ها پیشنهاد کرد تا در پیرامون یک صلح بدون قید و شرط مذاکره کنند. چند هفته بعد در ۱۵ آذر ۱۲۹۶ شمسی (۷ دسامبر ۱۹۱۷ میلادی) پیامی از طرف دولت کارگران و دهقانان به « زحمتکشان مسلمان » فرستاده شد که ایران هم شامل آن می‌گردید. در این پیام لنین بنام رئیس شورای کمیسرهاى خلق و استالین هم بنام کمیسر داخلی اظهار کردند که قرارداد (۱۹۰۷ میلادی) انگلیس و روس درباره تقسیم ایران ملغی شده است و نیروهای روس بعد از مذاکرات نظامی ایران را ترک خواهند کرد. لنین و استالین به مسلمانانی که در روسیه زندگی میکردند مانند ایرانیان و همسایگان جنوبی، ترکها و تاتارهای و گرجی‌های قفقاز اطمینان دادند که آنها میتوانند زندگی مذهبی، فرهنگی و ملی خود را آزادانه و بدون مانع ادامه دهند. در تعقیب چنین سیاستی دولت شوروی در یادداشت نماینده خلق برای مسائل خارجی لئون داویدویچ تروتسکی (۱) در ۲۴ دیماه ۱۲۹۶ شمسی (۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ میلادی) حق حاکمیت و استقلال ایران را برسمیت شناخت.

در یادداشتهای بعدی معاون خلق برای مسائل خارجی لئو کاراخان Leo Karakhan (۲) در تاریخ ۴ تیرماه ۱۲۹۸ شمسی (۲۶ ژوئن ۱۹۱۹ میلادی) قرضهای

---

(۱) همکاری در انقلاب ۱۹۱۷ و از سال ۱۹۱۸ کمیسر خلق و بانی ارتش سرخ و در سال ۱۹۲۹ از طرف استالین تبعید و در سال ۱۹۴۰ بوسیله عمال استالین در مکزیک بوسیله تبر بقتل رسید.

(۲) وزیر خارجه ۱۹۳۴ - ۱۹۳۶ اتحاد جماهیر شوروی

دولت ایران بروسیه باطل شناخته شد و در ضمن از حق امتیازات خصوصی و دولتی خود گذشت .

با این عمل عقب نشینی روسها در این مرحله از زمان مسلم شد. در این زمان ارتش روس ایران را ترك كرد (۱) و نیز قسمتی از قوای آن بعد از انقلاب اکتبر خود بخود منحل و بقیه نیز بروسیه فرخوانده شد .

مطلب اساسی که در این زمان وجود داشت و باعث عقب نشینی روسها در ایران گردید و روسها را مجبور کرد نرمش خاصی در سیاست خارجی خود نسبت بایران پیش گیرند این بود که روسها احتیاج مبرمی به راحتی خیال از این منطقه داشتند و مصمم بودند که آرامش بوجود بیاورند و گرنه روسها نه مایل به واگذاری بلاعوض مطالبات بانك استقراضی و سایر املاك و اموال دولت سابق روسیه بایران بودند و نه حاضر میشدند که از ایران دست بردارند . اتخاذ چنین سیاست دنباله يك سلسله سیاست های متغیری بود که روسها در هر زمان بنا بمقتضای موقعیت و سیاست بین المللی و با در نظر گرفتن منافع و مصالح خود از آن پیروی و متابعت می کردند. و گرنه دولت شوروی نه در مقابل اطمینانی که بقتضای او ایرانی ها داده بود سر تسلیم فرود آورد و نه اینکه واقعا مصمم

---

(۱) ایرانسکی در کتاب «انقلاب مشروطیت ایران» صفحه ۲۰۶ می نویسد: در سوم (بهمن ۱۲۹۹ شمسی) ۲۳ ژانویه ۱۹۲۱ دولت ایران از جمهوری شوروی تقاضا کرد که سربازان روسی از گیلان فرخوانده شوند. در جواب تقاضای ایران دولت شوروی یادداشتی ارسال داشت و متذکر شد که برای تخلیه سربازان شوروی از مناطق مزبور فقط يك مانع وجود دارد آنهم اقامت سربازان انگلیسی در خاک ایران است و واحد های ارتش سرخ فقط برای دفاع مرزهای شوروی در برابر نیروی انگلیس در گیلان اقامت دارند .

بدیهی است اصرار و سماجت در نگهداری ارتش ناخوانده سرخ در گیلان بمنظور توسعه نفوذ سیاسی و تشکیل سازمان سیاسی و بوجود آوردن انقلاب کمونیستی برای اجرای نقشه های توسعه طلبانه خود در راه بثمر رسانیدن آرزوهای دیرینه روسیه در ایران بود و گرنه استناد باین قبیل دلایل بهانه هایی بیش نبوده است .

بود برای قرارداد برست لیتوسک Brest Litosk (۱) احترامی قائل شود .  
واظهارات لنین درباره قرارداد مذکور صحت این مطلب را تأیید میکند .  
لنین بارها گفته بود :

« مسلماً این قرارداد را میشکنیم . ما آنرا تا کنون سی‌الی چهل بار شکسته‌ایم . »  
با وجود اینکه ایران طبق قرارداد برست لیتوسک جزء دشمنان همسایه شمالی  
محسوب نمیشد و رژیم شوروی حق حاکمیت ایران را برسمیت شناخته بود اما برخلاف  
قرارداد مذکور حق حاکمیت ایران چندین دفعه از طرف همسایه شمالی مانقص  
گردید که شرح آن در این مختصر نگنجد .

www.iran-archive.com

---

(۱) ماده - ۸ قرارداد برست لیتوسک بشرح زیر مربوط با ایران بوده است :

« بمنظور اجرای هدفهای معین شده در ماده هفتم طرفین معاهدتین اعلام میدارند که »  
« حاضر به ترك کلیه امتیازات مکتسبه قبلی خود در ایران که جهت تمهید منطقه نفوذی در »  
« این کشور بکار انداخته اند میباشند هر دو حکومت متعاهد در این پیمان ارتش خود را از »  
« خاک ایران خارج خواهند نمود و با دولت ایران تماس خواهند گرفت تا جزئیات مقررات »  
« تخلیه کشورشانرا با آنها تنظیم کنند بنحویکه تمامیت ارضی واستقلال سیاسی این کشور »  
« کاملاً ملحوظ افتد »

# فصل چهارم

## سیاست شوروی

پس از سالهای ۱۲۹۹ شمسی (۱۹۲۰ میلادی)

### در ایران

با ورود فرمانده نیروی دریائی شوروی راسکولنیکف به بندر انزلی «پهلوی» ۲۸ اردیبهشت ۱۲۹۹ شمسی ( ۱۹ مه ۱۹۲۰ میلادی) و پیاده شدن سربازان وی بلافاصله جنبش شورشیان جنگل شدت یافت و بفاصله کمی عمال کمونیزم در گیلان و مازندران بدستکاری ارتش سرخ بخصوص در خطه مازندران اساس جمهوری سوسیالیستی گیلان را پایه‌گذاری کردند (۱).

در نتیجه مداخلات علنی و مستقیم عمال شوروی وسعت جمهوری جوان در ایالت مازندران در سال ۱۲۹۹ شمسی (۱۹۲۰ میلادی) گسترش پیدا می‌کرد ولی این سیاست با وجود سلب مالکیت مالکین بزرگ و اجرای بعضی از تئوریهای انقلاب چه از طرف دهقانان و چه از طرف مردم مورد پشتیبانی قرار نگرفت. نمایندگان ایران در زمانیکه جمهوری سوسیالیستی گیلان گسترش می‌افت در مسکو در باره برسمیت شناختن دیپلماسی دو جانبه مذاکره می‌کردند.

در پائیز سال ۱۲۹۹ شمسی (۱۹۲۰ میلادی) در نتیجه يك سلسله مذاکرات سیاسی بالاخره دو دولت ایران و شوروی متقابلاً یکدیگر را برسمیت شناختند.

در ۶ آذر ماه ۱۲۹۹ شمسی ( ۲۸ نوامبر ۱۹۲۰ میلادی) کاراخان یادداشتی بمشاور الممالک تسلیم کرد و تئودو. آ. روت اشتین Theodor A. Rotestien

(۱) کتاب انقلاب مشروطیت ایران تألیف پاولویچ تریا صفحه ۲۰۱



را از طرف دولت شوروی بسمت سفیر کبیر شوروی در ایران تعیین کرد و در همان تاریخ خطوط تلگرافی با کوه آستارای ایران که از مدت‌ها پیش قطع شده بود دوباره وصل شد و روابط تلگرافی تهران مسکو برقرار گردید و مذاکرات در مسکو بخاطر بوجود آوردن روابط حسنه و مناسبات دوستانه بین دو کشور در شرف انجام بود .

با اینکه دولت ایران کراً در مذاکرات خود حسن نیت نشان میداد و صریحاً دوستی بی‌شائبه خود را نسبت بر رژیم جدید شوروی ابراز میکرد مع الوصف روسها ظاهر اَقانِع نمیشدند و در مذاکرات خود در مورد توقف ارتش سرخ در گیلان پافشاری مینمودند و عقیده داشتند که نیروی شوروی در گیلان مشغول فعالیت نیست بلکه آنها وابستگان آذربایجان آزادند و شوروی هیچگونه نفوذی در ایشان ندارد .

بالاخره با انجام يك سلسله مذاکرات قرار داد ۸ اسفند ۱۲۹۹ شمسی ( ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ میلادی ) بسته شد . در این قرارداد شوروی مرز سال ( ۱۸۸۱ میلادی ) را بر رسمیت شناخت . اما شوروی تلویحاً باین امر اشاره می کند که تأسیس « جمهوری سوسیالیستی گیلان » برای ایران فوق العاده مهم بوده است .

بموجب قرارداد ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ شوروی میتواند در صورتی که کشور ایران مورد حمله و تجاوز يك ارتش بیگانه قرار بگیرد و قادر بدفع خطری که متوجه شوروی است نشود بایران نیروهای مسلح بفرستد .

از آن تاریخ دولت شوروی از این حق بارها استفاده کرده است تا ایران را مورد فشار سیاسی قرار دهد و ورود نیروهای مسلح شوروی در سوم شهریور ۱۳۲۰ شمسی بایران با استفاده از این قرارداد بوده است . دولت شوروی حتی در این اواخر سعی کرد که با تهدید فرستادن نیرو باستناد قرارداد ۱۹۲۱ میلادی مانع عقد قرارداد دفاعی ایران و آمریکا شود .

قرارداد ۱۹۲۱ حتی شامل نیروهای نظامی انگلستان که در آن زمان در ایران بودند نیز میشد . بالاخره آخرین نیروهای انگلستان در اردیبهشت ماه ۱۳۰۱ شمسی ( مه ۱۹۲۲ میلادی ) خاک ایران را ترک کردند .

نمایندگان شوروی مانند گئورگی چیچرین و کاراخان کراراً اظهار  
میداشتند که نیروی شوروی بمجرد بیرون رفتن نیروی انگلیسی خاک ایران را  
ترك خواهد کرد ولی این امر جامه عمل بخود نپوشید .

در تیر ماه ۱۳۰۰ شمسی ( ژوئیه سال ۱۹۲۱ ) میرزا کوچک خان بقوای  
دولت ایران حمله ور شد . در همین زمان نیروهای جدید شوروی وارد انزلی شده  
دست باقاداتی زدند ولی بالاخره روت اشتین و چیچرین لنین را متقاعد ساختند تا  
به ارتش شوروی دستور تخلیه بدهد و این امر در شهریورماه ۱۳۰۰ شمسی ( سپتامبر  
۱۹۲۱ میلادی ) خاتمه یافت .

یاران میرزا کوچک خان بدون کمک و یاری نیروهای شوروی قادر نبود در  
مقابل نیروهای دولتی ایران مقاومت کند چنانکه بعد ها در اثر شکست های  
پی در پی از نیروی دولتی بکلی متلاشی شده و از بین رفت .

ادعای شوروی که نیروهای آذربایجان آزاد از جمهوری شوروی گیلان حمایت  
میکنند بوسیله پیشروی نیروهای ایران مردود شناخته شده زیرا در حین نبرد بسیاری  
از سربازان روسی دستگیر و اسیر شدند آخرین بقایای جمهوری سوسیالیستی گیلان در  
مهرماه ۱۳۰۰ شمسی ( اکتبر ۱۹۲۱ میلادی ) از بین رفت . میرزا کوچک خان بجنگل  
پناهنده شد و یکی از افراد باند خودش سراورابریده بتهران حمل کرد .

در اینجا لازم است یاد آور شویم که چند علت ممکن است شوروی را وادار نموده  
باشد تا بدون جنگ و خونریزی ( از جمهوری سوسیالیستی گیلان ) دست بکشد :  
۱ - روتشین و چیچرین (۱) به لنین گوشزد کرده بودند که با پیش آمدن

---

(۱) رفیق چیچرین در یادداشت ۲۴ تیرماه ۱۲۹۹ شمسی (۱۶ ژوئیه ۱۹۲۰ میلادی)

خود ضمن اشاره بحوادث ایران اشعار میدارد که :

« دولت شوروی هرگز نمیخواهد و نمیتواند در امور داخلی ایران دخالت کند » البته  
« اینهم نوع دیگر از سیاست دوپهلوی روسها در ایران است . » کتاب انقلاب مشروطیت ایران

تألیف پاولویچ صفحه ۲۰۲

انقلاب بلشویکی در ایران انگلستان بعنوان نجات دهنده در خاک ایران نیرو پیاده خواهد کرد .

۲ - ممالک اسلامی با انعقاد قرارداد ۱۲۹۹ شمسی ( ۱۹۲۱ میلادی ) قانع شده بودند که شوروی جزء دوستان آنها است در صورت بروز انقلاب بلشویکی در ایران آنها متوحش شده و از شوروی روی گردان خواهند گردید .

اما با تمام این اوضاع و احوال با کمال تأسف دیده شد که شورویها نه تنها نسبت بقرارداد ۱۹۲۱ میلادی ارجحی ننهاده و احترامی نسبت بآن قائل نشدند بلکه در تمام دوران حیات سیاسی خود نسبت بایران روش خصمانه و عهد شکنانه ای داشته اند .

# قسمت سوم

فعالیت سوسیال دموکرات روس  
www.iran-archive.com  
در ایران از آغاز مشروطیت

# فصل اول

## حزب سوسیال دموکرات

در این زمان تعدادی از بازرگانان ایرانی برای امر تجارت و جمعی از افراد بیکار جهت کارایی به ترکستان و قفقاز و اسلامبول عزیمت میکردند .

این اشخاص علاقه و محبت خود را نسبت بمیهن خویش هرگز فراموش نکرده از طرفی با قوانین و آداب و رسوم ندیده و نشنیده‌های آشنا می‌شدند .

اصول اداره جدید ، افکار نو ، فرهنگ و تمدن تازه‌ای رامی دیدند صحنه های جدیدی جلوجشمانشان باز می‌شد . و نیز درباریها و متمولین ایرانی فرزندان خود را برای تحصیل روانه اروپا ساخته این جوانان نیز باتمدن و فرهنگ و زندگی اروپائی آشنا شده و طبعاً افکار جدیدی در آنها ایجاد میگردد و همچنین سبب میشد که تشکیل کادر جدیدی برای اداره امور آتی کشور امکان پذیر شود .

عده‌ای از ایرانیان در اثر تماس بامردم روسیه و بر خورد با اعضاء حزب سوسیال دموکرات که از دیر زمانی با دولت مستبد تزاری مبارزه میکردند با روحیه جدید و احساسات شدیدی بایران مراجعت می نمودند .

چون در اوایل قرن ۲۰ شورشها و جنبش های انقلابی در روسیه شروع شده بود عده‌ای از مشروطه طلبان تهران و گیلان بآنجا مهاجرت کرده بودند تا با انقلابیون روسیه تماس حاصل کنند .

انقلاب مشروطیت ایران نیز روز بروز توسعه یافته و در میان قاطبه مردم هیجان شدیدی ایجاد کرده بود و چون آزادیخواهان برای ادامه مشروطه احتیاج بکمک داشتند در صدد آشنائی و برقراری تماس با انقلابیون روسیه برآمدند چنانچه دکتر

ملکزاده در تاریخ مشروطیت در جلد پنجم صفحه ۱۳۱ تحت عنوان «استبداد صغیر» باینموضوع اشاره کرده می نویسد :

« در رشت نفوذ روسها و وجود يك حاکم جابرونداشتن اسلحه مانع بزرگی  
« قیام ملی بود... چون بدست آوردن اسلحه در داخل ایران ممکن نبود و ساختمان  
« يك هسته مرکزی از افراد شجاع و آشنا با انقلاب ضرورت داشت مشروطه خواهان  
« رشت پس از کنگاش و مطالعه و دقت بسیار برای تحصیل اسلحه و مهمات بر آن  
« شدند که دست طلب بطرف سوسیال دموکرات قفقاز که مرکز آن در تفلیس بود  
« دراز نمایند و از آنها یاری بطلبند . »

ما حصل این تلاشها و آشنائی ها دو چیز بود :

یکی دعوت مجاهدین قفقاز عضو حزب سوسیال دموکرات بایران .

دیگر تشکیل حزب سوسیال دموکرات در ایران .

که بموقع از هر دو موضوع صحبت خواهیم کرد . ولی چون حزب سوسیال  
دموکرات ایران شعبه ای از حزب سوسیال دموکرات روسیه بود بدو لازم است  
اطلاعاتی در زمینه پیدایش و تشکیل حزب سوسیال دموکرات روسیه در اختیار  
خوانندگان گرامی بگذاریم سپس به بحث در پیرامون دو موضوع فوق بپردازیم .

## پیدایش و تشکیل

### حزب سوسیال دموکرات روسیه

حزب سوسیال دموکرات روسیه (۱) که در اثر يك سلسله مبارزات مداوم  
و انقلابات متعدد عاقبت انهدام و نابودی خانواده رومانف را فراهم کرد و در نتیجه  
جنبشهای کارگری که از دیر زمانی در روسیه شروع شده بود و ریشه های عمیقی در

---

(۱) کتاب تاریخ حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی صفحه ۱۲

کلیه طبقات زحمتکش مناطق مختلف داشت وسعت و شدت بیشتری پیدا کرد .  
بین سالهای ۱۲۴۹ - ۱۲۶۹ شمسی (۱۸۷۰ - ۱۸۹۰ میلادی) بعلمت پیشرفت  
صنعت و ازدیاد کارگران کارخانه‌ها گروه‌ها و دستجات کارگری که با تئوری  
مارکسیستی آشنائی داشتند تشکیل شد. این دستجات مختلف که پراکنده و متشتت  
بودند و با خصیصه‌های گروهی مبارزه میکردند در رأس جنبشهای کارگری قرار  
داشتند .

گروههای مختلف درصدد تشکیل اتحادیه برآمدند و با این ترتیب اتحادیه‌های  
کارگری چندی در شهرهای مختلف بوجود آمد چنانکه « اتحادیه شمالی کارگران  
روس » در شهر پترزبورگ تشکیل شد و چون هدفی این اتحادیه عبارت از انجام انقلاب  
سوسیالیستی بود از نظر مراهمی ب سه احزاب سوسیال دموکرات کارگری باختری  
می پیوست .

قبل از تشکیل حزب سوسیال دموکرات دسته‌ای بنام « آزادی کار » تحت  
سرپرستی گ . و . پلخانف G . V . Polkhanov (۱) خارج از کشور روسیه  
تشکیل شده بود ب فعالیت خود ادامه میداد .

پلخانف که یکی از مارکسیستهای بنام روسیه بود با همکاری زاسولچ  
Zassdliche و اکسلرود Exallroude و سایرین در انتشار نظریات مارکس و انگلس  
که هر دو نفر از پیشوایان مرام کمونیستی هستند کوشش بسیار کردند و همچنین  
کتاب مختلفه مارکسیستی را بزبان روسی ترجمه و بوسیله ایادی خود در سرتاسر  
روسیه منتشر ساختند .

---

(۱) پلخانف درتألیف خود مسائل اساسی مارکسیسم را مورد تشریح قرار داد و کتاب  
وی موسوم به « بررسی مسئله تکامل نظریه مونیستی در تاریخ » که در سال ۱۲۷۴ شمسی در  
مسکو چاپ و منتشر گردید لئین درباره تأثیر این کتاب گفته است که: « این کتاب يك نسل کامل  
مارکسیستهای روس را جلو انداخته است »

پلخانف کوشش فراوانی در راه اشاعه مرام کمونیستی در روسیه میکند ولی چنانکه  
خواهیم دید روزی او هم مغضوب و مطرود و دشمن « کارگر » شناخته میشود .

ولادیمیر ایلیچ اولیانوف لنین (Veladimir Illich Oulianov Lenin) (۱)  
مؤسس حزب کمونیست روسیه و بانای اولین دولت سوسیالیستی در جهان بوسیله پلخانف  
بیکی از حوزه‌های کارگری «آزادی کار» معرفی شد و پس از یک سلسله فعالیتها توانست در  
سال ۱۲۷۴ شمسی (۱۸۹۵ میلادی) در پترزبورگ Petersburg که یک شهر صنعتی  
و محل اجتماع کارگران بود کلیه محافل و گروههای مارکسیستی را که تعداد آنها  
تقریباً به بیست میرسد در اتحادیه‌ای بنام «اتحادیه مبارزه برای آزادی طبقه کارگر»  
متحد سازد و با این ترتیب نقشه یک حزب سرتاسری روسیه را مطرح و عملی نماید.  
«اتحادیه مبارزه برای آزادی طبقه کارگر» برای تبلیغ و تعمیم مرام  
مارکسیستی همچنان بر توسعه و پیشرفت خود می‌افزود و در اثر فعالیت توانست در  
سالهای ۱۲۶۹ - ۱۲۷۹ شمسی (۱۸۹۰ - ۱۹۰۰ میلادی) در ماوراء قفقاز سازمانهای  
مارکسیستی بوجود بیاورد این سازمانها بعداً بنام «سوسیال دموکرات» نامیده شد در

(۱) ولادیمیر ایلیچ لنین رهبر انقلاب اکتبر در سال ۱۸۷۰ در شهر نوسیبیرسک  
Neu Sibirisk در خانواده متوسطی بدنیاء آمد و تا سال ۱۸۸۷ دوره متوسطه را بپایان  
رسانید وارد دانشگاه‌ها شد و چون در جنبش آزادیخواهان دانشجویان شرکت و حتی آنرا  
رهبری میکرد بهین مناسبت از این دانشگاه رانده شد و از آن تاریخ رسماً فعالیت انقلابی خود  
را شروع کرد.

نامبرده در پائیز ۱۹۰۰ از روسیه خارج شد و با انتشار روزنامه «ایسکرا» حزب  
سوسیال دموکرات روسیه را از لحاظ ایده‌ئولوژی و تاکتیک و تشکیلات رهبری نمود در ۱۹۰۲  
بوسیله کتاب مشهور خویش «چه باید کرد؟» انحرافات گروه مخالف حزبی را در هم  
شکست و در دومین کنگره حزب سوسیال دموکرات با عناصر اپورتونیست منشویک شدیداً  
به پیکار پرداخته و سپس با انتشار کتاب «یکقدم جلو دو قدم عقب» ضربت بزرگی بر آنها  
وارد ساخت. مبارزه لنین با منشویکها تا سال ۱۹۱۲ که بشکست قطعی منشویکها منجر گردید  
ادامه داشت. در دوره جنگ لنین شدیدترین مبارزات را با امپریالیسم و اصول جنگ طلبی  
انجام داد و سرانجام در ماه مارس ۱۹۱۷ به روسیه بازگشت و بتبیه مقدمات انقلاب کمک کرد  
و بدون شک رهبری لنین در موفقیت انقلاب اکتبر تأثیر بسزائی داشته است در ۱۹۱۹ تحت رهبری  
لنین بین الملل سوم تشکیل گردید. لنین پس از تشکیل حکومت سوسیالیستی جماهیر شوروی  
در ۲۸ ژانویه ۱۹۲۴ میلادی در شهر گورکی نزدیک مسکو درگذشت.



سیبری Siberia نیز « اتحادیه سوسیال دموکراتهای روسیه » تشکیل گردید .  
اتحادیه سوسیال دموکرات نه‌تنها در کییف Kief مسکو Moscova و سایر شهرهای  
روسیه تشکیل شد . بلکه در چند کشور همسایه غربی روسیه هم بوجود آمد مثلا در  
بین سالهای ۱۲۶۹-۱۲۷۹ شمسی عناصر مارکسیستی از حزب ناسیونالیست لهستان جدا  
شدند و سوسیال دموکرات لهستان « لیتوانی » را تشکیل دادند . و در پایان همین  
سال سازمانهای سوسیال دموکرات لتونی نیز تشکیل شد .

در آبان ماه ۱۲۷۶ شمسی ( اکتبر ۱۸۹۷ میلادی ) در شهرستانهای باختری  
روسیه اتحاد عمومی سوسیال دموکرات یهودیان « بوند » Bound تشکیل گردید (۱)  
در سال ۱۲۷۷ شمسی اتحادیه مبارزه شهرهای ( پترزبورگ کییف یگاترینوسلاو  
Iekatrinslov و بوند ) تحت رهبری لنین سعی و کوشش فراوانی مبذول داشت  
تا نظریه خود را دایره‌بر ایجاد یک حزب سرتاسری روسیه که تمام محافل پراکنده  
را دربر گیرد بمورد اجرا در آورد و بهمین مناسبت در اسفند ۱۲۷۶ شمسی بعضی از  
سازمانهای اتحادیه مبارزه و احزاب سوسیال دموکرات در شهر مینسک Minsk  
کنگره‌ای تشکیل دادند که اولین کنگره حزب سوسیال دموکرات روسیه نامیده شد.  
گرچه در نخستین کنگره حزب سوسیال دموکرات روسیه رویهم رفته ۹ نفر  
شرکت داشتند ( لنین در این زمان در سیبری بحال تبعید بسر میبرد ) ولی کنگره  
تصمیمات مهمی اتخاذ کرد که مهمترین آنها اعلام تشکیل رسمی حزب سوسیال  
دموکرات کارگری روسیه بود . (۲)

ولی با وجود سعی و کوشش نخستین کنگره برای تشکیل حزب مارکسیستی  
سوسیال دموکرات موفق نگردید که محافل و سازمانهای مارکسیستی مجزا را  
متحد و در یک سازمان گردآوری نماید چون حزب سوسیال دموکرات کارگری  
روسیه فاقد آئین نامه و بر نامه و رهبری بوده است .

---

(۱) تاریخ حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی چاپ مسکو صفحه ۲۷

(۲) لنین جلد چهارم صفحه ۳۸۰ چاپ مسکو بزبان روسی

بین محافل و دسته های مجزا مارکسیستی تقریباً هیچگونه رابطه ای نبود لنین بمنظور متحد کردن سازمانهای مارکسیستی نخستین روزنامه انقلابی مارکسیستی بنام « اسکرا » را تأسیس و در سراسر روسیه منتشر ساخت .

انتشار نخستین شماره های روزنامه « اسکرا » در سال ۱۲۷۹ - ۱۲۸۰ شمسی قدمی برای ایجاد واقعی حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه بوده است .

در سالهای ۱۲۸۰ - ۱۲۸۳ شمسی بر اثر رشد جنبش انقلابی کارگری در روسیه سازمانهای مارکسیستی سوسیال دموکرات نشو و نما یافت و قوام گرفت و در مبارزه شدید لنین با « اکونومیستها » لنین و روزنامه « اسکرا » ناشر افکار او پیروز میشوند . لنین محافل و دسته های پراکنده سوسیال دموکرات را بهم مربوط ساخت و مقدمات تشکیل کنگره دوم حزب را فراهم کرد .

در ۲۵ تیر الی ۷ مرداد ۱۲۸۲ شمسی ( ۱۷ - ۳۰ ژوئیه ۱۹۰۳ میلادی ) کنگره دوم حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه افتتاح گردید . دولت روسیه تزاری شدیداً مراقب و ناظر فعالیت های مشکوک بود بهمین مناسبت کنگره در خارج از خاک روسیه محرامانه منعقد شد .

ابتدا جلسات کنگره در بروکسل پایتخت بلژیک بود اما پس از اخطار پلیس بلژیک بنمایندگان کنگره که باید خاک آن کشور را ترک کنند کنگره بلندن نقل مکان نمود . در این کنگره ۴۳ نفر نماینده از ۳۶ سازمانهای مهم سوسیال دموکرات شرکت داشتند برنامه و آئین نامه حزب تصویب شد و دستگاههای رهبری مرکزی حزب بوجود آمد .

حزب سوسیال دموکرات روسیه با اینکه رهبری سپاه عظیم کارگران روسیه را بعهده داشت و در واقع موجد جنبشهای عظیم کارگری در سرتاسر روسیه بود نتوانست نظریات یکعده از عناصر تندرو و انقلابی را که لنین در رأس آن قرارداد داشت تأمین نماید زیرا آنها خواهان مبارزات شدیدتر و حادثه و بااصطلاح انقلابی تر بودند

چنانکه لنین بارها باین موضوع اشاره کرده میگوید : (۱)

« بدون تئوری انقلابی نهضت انقلابی نیز نمی‌تواند وجود داشته باشد .... »  
« نقش مبارزه پیشرو را تنها حزبی میتواند ایفاء کند که داری تئوری پیشرو »  
« انقلابی باشد . »

هرچندکه بحث در ماهیت نظریه انقلابی لنین بحث وسیعی است که از حوصله این کتاب خارج است فقط در این بحث نظریه کمونیستها را در باره حزب سوسیال دموکرات باختصار بنظر خوانندگان میرسانیم . تندروها معتقدند که : (۲)

« حزب سوسیال دموکرات متداول از نوع احزاب اروپای باختری که »  
« در شرایط صلح داخلی پرورش یافته و بدنبال اپورتونیست ها می‌رود و آرزوی »  
« اصلاحات اجتماعی را در سر داشته و از انقلاب اجتماعی هراسان است نمی‌تواند »  
« حزبی باشد که نهضت انقلابی توده‌ها را رهبری کند . »

« تاریخ حزب می‌آموزد که تنها حزب تر از نوین حزب مارکسیستی ، لنینی ، »  
« حزب انقلاب اجتماعی ، آنچنان حزبی است که بتواند پرولتاریا را برای زدوخوردهای »  
« قطعی بر ضد بورژوازی آماده سازد و پیروزی انقلاب پرولتری را موجد شود »  
« چنین حزبی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی حزب بلشویک است . »

این اختلاف ایده‌ئولژیک پس از یک سلسله مبارزات بالاخره در کنگره دوم در داخل حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه دو دستگی ایجاد میکند .  
گروه بلشویک ها یعنی اکثریت و گروه منشویک ها یعنی اقلیت .

دامنه اختلافات عمده بلشویک ها و منشویکها پس از کنگره دوم حزب سوسیال دموکرات روسیه در باب مسائل تئوری و سازمانی شدت پیدا میکند .

در آذر ۱۲۸۳ شمسی ( دسامبر ۱۹۰۴ میلادی ) کارگران نفت باکو تحت رهبری حزب سوسیال دموکرات ( بلشویکها ) اعتصاب نمودند و با گرفتن امتیازاتی

---

(۱) لنین جلد چهارم صفحه ۳۸۰ چاپ مسکو بزبان روسی

(۲) تاریخ حزب کمونیست ( بلشویک ) اتحاد شوروی چاپ مسکو صفحه ۵۷۶

از کارفرمایان این اعتصاب را با پیروزی خاتمه دادند . بعد ها این پیروزی موجب  
تظاهرات سرتاسری ماههای ژانویه و فوریه ۱۹۰۵ روسیه گردید و بدین ترتیب اولین  
جنبش طبقه کارگر پایه گذاری شد .

در فروردین ۱۲۸۴ شمسی ( آوریل ۱۹۰۵ میلادی ) کنگره سوم حزب  
سوسیال دموکرات کارگری روسیه در لندن تشکیل گردید . در این کنگره ۲۴ نفر  
نماینده از بیست کمیته مهم بلشویکی شرکت جستند .

این کنگره منشویکها را بعنوان قسمت جدا شده از حزب مورد نکوهش  
قرارداد زیرا هنگام تشکیل کنگره مزبور منشویکها بطور جداگانه کنفرانس  
خود را در ژنو تشکیل داده بودند بطوریکه لنین وضع حزب سوسیال دموکرات  
روسیه را در آن زمان تشریح کرده میگوید :

« دو حزب - دو کنگره »

در پائیز ۱۲۸۴ شمسی جنبش انقلابی تمام کشور روسیه را فرا گرفت در ۲۷  
شهریور اعتصاب کارگران چاپخانه ها در مسکو آغاز شد این اعتصاب به پترزبورگ  
و شهرهای دیگر روسیه سرایت کرد در مسکو اعتصاب کارگران چاپخانه ها از طرف  
کارگران سایر صنوف پشتیبانی شد در مهرماه در راه آهن مسکو - غازان اعتصاب  
شروع شد و بزودی این اعتصاب همه راه آهن کشور روسیه را فرا گرفت همچنین  
کارمندان پست و تلگراف دست از کار کشیدند و در سایر شهرها نیز اکثر کارگران  
کارهای خود را تعطیل کردند و به اعتصابیون پیوستند بطوریکه در اندک مدتی  
اعتصابات باندازه ای وسیع شد که دانش آموزان و کارمندان جزء دولت و وکلای  
دادگستری و مهندسين و پزشکان نیز بکارگران پیوستند و اعتصاب سراسر روسیه را  
دربار گرفت تا جائیکه حکومت تزاری ناچار شد اعلامیه ۱۷ اکتبر ۱۹۰۵ را  
صادر کند .

دهقانان و کارگران شهرهای ساراتف Saratov تامبوف Tambov  
چرنیکوف Tchernikov کوتائسی Kutais و تغلیس و نظامیان شهرهای

تفلیس ، تاشکند ، سمرقند ، ورشو ، کییف ، ولادیوستیک Vladivostok  
کورسک Kursk سوخوم Sukhum ریکا قیام نمودند از طرفی در گرونشتاد  
Grunstadt در میان ناویان ناوگان دریای سیاه در سواستوپول Sevastopol  
اغتشاشاتی روی داد .

ولی چون در انقلاب مذکور سازمان منظم و رهبری صحیحی وجود نداشت از  
طرف حکومت تزاری کلیه این انقلابات سرکوبی شد .

علت شورش در بعضی از قسمت‌های ارتش و نیروی دریائی غالباً رفتار بسیار  
خشونت آمیز افسران نسبت به زیردستان خود و بدی وضع غذا و تحریکات حزب  
سوسیال دموکرات ( بلشویک ) بود .

همزمان با این انقلابات استالین در ماورای قفقاز بفعالیت‌های انقلابی مشغول  
بود و کارگران قفقاز را برای نبرد با سلطنت تزارها آماده می کرد .

در آذرماه در فنلاند در شهر تامر فورس Tammer - Fors کنفرانس بلشویکها  
تشکیل شد ( در این کنفرانس بود که لنین و استالین برای اولین بار حضوراً یکدیگر  
را ملاقات نمودند ) در کنفرانس مزبور دو تصمیم گرفته میشود .

۱ - استقرار یگانگی حزب ( چون حزب بدو گروه تقسیم شده بود )

۲ - تحریم دومای اول ( دومای ویته )

در اردیبهشت ۱۲۸۶ شمسی ( مه ۱۹۰۷ میلادی ) کنگره پنجم حزب سوسیال  
دموکرات روسیه در شهر لندن منعقد شد در این موقع حزب در حدود ۱۵۰ هزار  
نفر عضو داشت و کنگره با ۳۳۶ نفر نماینده ( ۱۰۵ نفر بلشویک ۹۷ نفر منشویک  
و بقیه نمایندگان سازمانهای سوسیال دموکرات لهستان لتونی که در کنگره پیش  
بعضویت حزب سوسیال دموکرات کارگری روس پذیرفته شده بودند ) شروع به  
کار نمود .

کنگره درباره روش حزب سوسیال دموکرات با احزاب بورژوازی که یکی  
از مسائل اساسی آن مبارزه بین بلشویکها و منشویکها بود بحث نمود و تصمیم گرفت

برضد احزاب دیگر که روش آنها با روش حزب سوسیال دموکرات مغایر باشد مبارزه نماید .

کنفرانس ششم در دیماه ۱۲۹۱ شمسی (ژانویه ۱۹۱۲ میلادی) در پراگ پایتخت چکسلواکی تشکیل شد . بیش از بیست تشکیلات حزبی در این کنفرانس نماینده داشتند .

کنفرانس مزبور از لحاظ اهمیت کمتر از کنگره حزب نبود . کنفرانس پراگ کمیته مرکزی حزب بلشویک را انتخاب کرده در این کمیته لینن، استالین ، S . orjonikidze اسوردلوف Ossordolov س . اسپاندارینا S . Spandarina وعده دیگر عضویت کمیته مرکزی حزب سوسیال دموکرات ( بلشویک) انتخاب شدند .

استالین و اسوردلوف در این موقع در تبعید بودند و غیابی انتخاب شدند برای رهبری انقلاب در روسیه « دبیر خانه روس » کمیته مرکزی تحت ریاست استالین و اعضاء آن اسوردلوف اسپاندارینا از ژونیکیدزه و کالینین M . kalinin تشکیل گردید . همچنین در کنفرانس مزبور تصمیم گرفته شد منشویکها را از حزب بیرون کنند و پرچم دیرین حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه را بصورت قبلی نگه دارند و از این رو حزب بلشویک تا سال ۱۹۱۸ میلادی حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه نامیده میشد .

استالین در کنگره ۱۵ حزب کمونیست ( بلشویک) اتحاد جماهیر شوروی در باره کنفرانس ششم چنین میگوید .

« این کنفرانس در تاریخ حزب ما دارای بزرگترین اهمیت است زیرا در « میان بلشویکها و منشویکها خط فاصلی ایجاد کرد و درهمه کشور سازمانهای « بلشویکی را بصورت حزب بلشویکی واحد درآورد »

با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ حکومت تزاری سقوط کرد و حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه زمام امور را بدست گرفت و در ۲۵ فروردین ۱۲۹۷ شمسی ( ۱۴

آوریل ۱۹۱۸) بنا بر پیشنهاد لنین نام حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه به «حزب کمونیست» (بلشویک) اتحاد شوروی تبدیل شد.

حزب بلشویک مورد بحث ما همان حزب سوسیال دموکرات روسیه است که ابتدا بر رهبری لنین و سپس استالین (۱) و جانشینان او مالنکف مولوتف و گاگانویچ که بعدها بوسیله خروشچف با اتهام فرد پرستی از مقام رهبری آن حزب طرد شدند اداره میشد در حال حاضر این حزب تحت رهبری برژنف کاسیکین و میکویان بر کشور وسیع و پهناور روسیه فرمانروائی می کند.

کمیته مرکزی حزب سوسیالیست قفقاز که شعبه‌ای از حزب سوسیالیست

---

(۱) یوسف ویساریونویچ استالین (جوگاشویلی) در ۲۹ آذر ۱۲۵۸ شمسی (۲۱ دسامبر ۱۸۷۹ میلادی) در شهر گوری واقع در شهرستان تفلیس بدنیآ آمد پدرش ویساریون انوانویچ از نژاد گرجی بود وی کفشدوز کارخانه عادل خان اف در تفلیس بوده است. مادرش کاترین گیورگونا نام داشت.

استالین در سال ۱۲۶۸ شمسی وارد دبستان روحانی گوری شد و در سال ۱۲۷۳ شمسی داخل دبیرستان علوم دینی ارتدکس تفلیس گردید. در سال ۱۲۷۵ - ۱۲۷۶ شمسی استالین در رأس محصلان مارکسیستی دبیرستان مزبور قرار گرفت و در سال ۱۲۷۷ شمسی (اوت ۱۸۹۸ میلادی) رسماً داخل سازمان حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه در تفلیس شد. در ۸ خرداد ۱۲۷۸ شمسی بجرم تبلیغات مارکسیستی از دبیرستان اخراج شد. در اول فروردین ۱۲۸۰ شمسی تحت تعقیب قرار گرفت و از آلمان تا انقلاب (فوریه ۱۹۱۷ میلادی) دائماً در پنهانی بسر می برد. در ۱۹ بهمن ۱۲۸۰ شمسی (۱۱ نوامبر ۱۹۰۱ میلادی) که کنفرانس سازمان سوسیال دموکرات تفلیس تشکیل شد وی بر رهبری آن انتخاب گردید. در ۱۶ فروردین ۱۲۸۱ شمسی استالین از طرف پلیس دستگیر شد و در سال ۱۲۸۲ شمسی مدت سه سال به سبیری خاوری تبعید شد.

ولی در ۱۵ دیماه ۱۲۸۳ شمسی از تبعیدگاه فرار کرد و در اسفند ماه ۱۲۸۳ شمسی (در فوریه سال ۱۹۰۴ میلادی) استالین در قفقاز بوده است.

وی یکی از انقلابیون سرسخت بود چندین بار بوسائل مختلفه از زندان فرار کرد و بالاخره در انقلاب ۲۴ اکتبر ۱۹۱۷ میلادی شدیدترین فعالیت‌های انقلابی خود را شروع کرد استالین دوست لنین بود و با او صمیمانه همکاری داشت در زمان لنین استالین بتدریج مقامات حزبی را طی کرد و پس از او دبیر کل حزب کمونیست شوروی و نخست وزیر آن کشور پهناور شد. مدتی زمام امور این کشور را در دست داشت و پس از یک سلسله فعالیت‌های بین‌المللی که سبب پیشرفت کمونیسم در دنیا شد. در ۱۴ اسفند ۱۳۳۱ شمسی (سال ۱۹۵۳ میلادی) فوت کرد. - از کتاب شرح حال مختصر استالین: چاپ مسکو. -

روسیه بود در آن زمان برهبری شخصی بنام یوسف ویساریونویچ جوگاشویلی که بعدها بنام استالین نامیده شد اداره میشد . پیروان متعصب این حزب بمنظور توسعه مرام کمونیستی وعالمگیر کردن این مرام از حدود کشور خود خارج شدند و برای پیشرفت این مرام بکشورهای مختلف منجمله ایران مسافرت کردند و در این کشورها مرام کمونیستی را رواج دادند . ایران هم از کشورهایی بود که هدف کمونیست قرار گرفته بود وانقلابیون عضو سوسیال دموکرات روسیه باین کشور نیز رفت و آمد داشتند .

## اثرات سوسیال دموکرات روسیه در ایران

دراثر کوشش وجدیت چندین ساله بعضی از افراد علاقمند بوطن و تغییرات تدریجی که در کلیه شئون اقتصادی واجتماعی وسیاسی کشور بوجود آمده بود کشور بتدریج وبکندی بسوی ترقی پیش میرفت . درهمین زمان عوامل مختلفی پیداشدند که با اعمال خود جلواین پیشرفت بطئی راهم گرفتند از جمله عوامل مختلفه یکی هم رفتار محمد علی میرزا بود . ملت ایران مدتها بود که از رفتار خشونت آمیز مأمورین تزاری روسیه در ایران ناراحت وعصبانی بوده وروسها را بزرگترین عامل بدبختی خود در کشور میدانست . جنگهای ناروامداخلات مسلحانه بیجاقراردادهای تحمیلی رفتار جسورانه وستمگریهای بیحد و بالاخره همه اینها نفرت شدیدی توام با حس انتقامجویی در مردم بوجود آورده بود و مردم همه وقت منتظر فرصت بودند تا بنحوی از آنها انتقام بگیرند .

درچنین اوضاع واحوالی محمد علی میرزا که ولیعهد بود تمایل وگرایش زیادی بروسهای تزاری پیدا کرده بود وخود را بیش ازپیش بروسها نزدیک میکرد پادشاه آینده کشور حتی باین امرهم اکتفانکردو عکسی با لباس قزاقی برداشت وبدست مردم داد و مرتکب رفتارهای ناهنجاردیگری گردید .



مردم که این وضع را دیدند دیگر امیدی بآینده کشور نداشتند و تصمیم گرفتند که خود کاری انجام دهند .

در این زمان زمینه نیز برای جنبشهای عمومی آماده میشد . در ایران عده‌ای که از اوضاع و احوال سیاسی کشورهای اروپا مطلع بودند و از جریانات داخلی کشور آگاهی داشتند در صدد برآمدند جمعیت‌هایی تشکیل دهند و قدرت مستبده را از بین ببرند و باین خیره سربها خاتمه بدهند و زندگی نوینی بوجود آورند .

در چنین شرایطی حزب سوسیال دموکرات روسیه شروع بتبلیغات و فعالیت تشکیلاتی در ایران نمودند و چنانچه قبلا اشاره شد سعی میکردند در ابتدا و تا آنجائی که امکان دارد مطالب انقلابی و خواسته‌های خود را تعدیل کنند و تبلیغات معتدل‌تری که منطبق با جریانات سیاسی روز کشور باشد در روزنامه‌ها و بیانیه‌های خود منتشر میکردند و با این روش نفوذ افکار مارکسیستی را کم‌کم گسترش میدادند .

## فصل دوم

### تشکیل حزب سوسیال دموکرات در ایران

اولین باری که در تاریخ از نفوذ مارکسیسم در میان عده‌ای از ایرانیان (۱) یاد میشود در وقایع مربوط با انقلاب مشروطیت ایران یعنی تقریباً نیم قرن پیش است بدین معنی که هنوز انقلاب اکتبر روسیه در سال ۱۹۱۷ میلادی انجام نگرفته بود و حزب انقلابی روسیه بنام بلشویک ناهیده نمیشد که عناصر افراطی و انقلابی کمیته‌های حزب سوسیال دموکرات روسیه بخصوص کمیته محلی حزب سوسیال دموکرات قفقاز نفوذ در ایران را مطمح نظر خویش قرار داده بودند بعد از آنکه دولت تزاری روسیه در سال ۱۹۰۵ میلادی «۱۲۸۴ شمسی» از ژاپن شکست خورد حزب سوسیال دموکرات روسیه از این شکست شادمان شد و بمنظور استفاده از این موقعیت بزرگ بر فعالیت خود افزود و چون حکومت وقت ایران را بموجب قرارداد ۱۹۰۷ میلادی دست نشانده روسیه تزاری میدانست در صدد برآمد که اغتشاشات خود را در ایران نیز گسترش دهد تا از خارج هم حکومت تزاری را تحت فشار بگذارد.

این موقعیت در جریان انقلاب مشروطیت ایران برای آن حزب فراهم آمد و چنانکه بحث شد دیدیم که تا چه اندازه این عناصر از نزدیک، در ظاهر بعنوان

---

(۱) کتاب ایران معاصر بزبان روسی چاپ مسکو مینویسد :

« تشکیل احزاب سیاسی در ایران را از تاریخ وقوع انقلاب مشروطیت درین سالهای « ۱۹۰۵ - ۱۹۰۹ میلادی میدانند . از همین زمان بود که احزاب دموکراسی بوسیله « بورژوازی ملی تشکیل شد و این احزاب حافظ منافع بورژوازی ملی جدیدالولاده ایران « بودند . احزاب مذکور با در نظر گرفتن جهات مختلفه آن دارای دو جناح بودند که « در جناح چپ پیشه وران و خورده بورژوازی قرار داشت و در جناح راست مالکین و بازرگانان « و سرمایه داران روشنفکر قرار داشتند »

همکاری و کمک به مشروطه خواهان در باطن بمنظور توسعه نفوذ مارکسیسم در ایران  
کوشش و فعالیت میکردند .

در سال ۱۲۸۳ یکسال پیش از جنبش مشروطه خواهی در ایران ایرانیان ساکن  
باکو تحت رهبری سیاسی حزب سوسیال دموکرات قفقاز و از روی مرامنامه  
حزبی بنام « اجتماعیون و عامیون » تشکیل داده و نریمان نریمانف که یک سوسیال  
دموکرات دو آتشه بود رهبری این حزب را بدست گرفت .

احمد کسروی در کتاب مشروطه ایران صفحه ۱۹۳ چنین مینویسد :

« پیش از جنبش مشروطه چون روسیان و ارمنیان و گرجیان و دیگران »  
« هر کدام دسته‌ای میداشتند کسانی از اینان نیز دسته‌ای پدید آورده بودند که از »  
« همشهریان خود نگهداری کنند و اینان در نهران با کوشندگان تبریز پیوستگی »  
« میداشتند و از حال همدیگر آگاه میشدند از بنیان گزاران آن نریمان نریمانف ، »  
« سوچی میرزا ، میرزا جعفر زنجانی ، مشهدی محمد عموغلی ، محمد تقی شیرین »  
« زاده سلماسی ، حاجیخان ، نورالله خان یگانی ، مشهدی محمد علیخان ، میرزا »  
« ابوالحسن تهرانی ، اکبر اسکویی ، حسین سراپی ، مشهدی باقرخان ارومیه‌ای »  
« مشهدی اسماعیل میانی بودند . »

## آذربایجان

ملکزاده در کتاب « تاریخ انقلاب مشروطیت ایران » صفحه ۱۳۲ مینویسد :  
« حزب سوسیالیست « اجتماعیون عامیون » از بدو ظهور انقلاب مشروطیت »  
« نسبت بسر نوشت ملت ایران علاقمند و بادل و جان خواهان موفقیته آزادیخواهان »  
« ایران بود چنانچه پس از طلوع مشروطیت و کامیابی ملت ایران در آن نهضت »  
« عظیم حزب سوسیال دموکرات اعلامیه ای منتشر کرد و به ملت ایران در مبارزه »  
« با استبداد تبریک گفت مقارن جنبش مشروطه عده‌ای از مشروطه خواهان تبریز »  
« از جمله :

- |                            |                         |
|----------------------------|-------------------------|
| ۱ - علی مسیو               | ۲ - حاج علی دوافروش     |
| ۳ - حاجی رسول صدقیانی      | ۴ - سیدحسن شریف زاده    |
| ۵ - میرزا محمدعلیخان تربیت | ۶ - جعفر آقا گنجهای     |
| ۷ - میرباقر خوئی           | ۸ - میرزا علی اصغر خوئی |
| ۹ - آقاتقی شجاعی           | ۱۰ - محمدصادق خامنه‌ای  |
| ۱۱ - سید رضا               | ۱۲ - آقا محمد سلماسی    |

با چند نفر از اعضاء حزب اجتماعیون عامیون که از طرف حزب سوسیال دموکرات با کو مانند مشهدی اسماعیل و حاجی خان و محمد علیخان مأموریت یافته و تبریز آمده بودند ائتلاف کرده مرانامه سوسیال دموکرات روس را بفارسی ترجمه و شروع به تبلیغات کردند در همین زمان دسته « مجاهدان » را تشکیل داده خودشان هم يك انجمن مخفی و سری بنام « مرکز غیبی » بوجود آوردند تا در جریانات سیاسی و اوضاع اقتصادی کشور نظارت داشته باشند .

در همین زمان عده‌ای دیگر از ایرانیان مقیم قفقاز عضو حزب « اجتماعیون عامیون » به تبریز و دیگر شهر ها آمدند . (۱)

علی مسیو و حاج علی دوا فروش و حاج رسول صدقیانی و عده‌ای دیگر بآنها گرویدند اولین کمیته حزب « سوسیال دمکرات ایران » در سال ۱۲۸۷ شمسی مرکب از عناصر گوناگون در تبریز تشکیل شد و با سوسیال دموکراتهای قفقاز که در آن موقع استالین و سرگی ارژونیکیدزه در رأس آن قرار داشتند ارتباط پیدا کرد .

« مرحوم احمد کسروی در تاریخ مشروطه ایران صفحه ۳۹۱ مینویسد « با آمدن این عده از قفقاز دودستگی در میان مجاهدین پیدا شد . عده‌ای که از قفقاز آمده بودند از اینها آرموده تر و چابک تر بودند و از ملایان و مذهب آنان و سایر « مسائل مذهبی باکی نداشتند و از همین روی مردم از آنها فرار میکردند . این عده »

---

(۱) بستگی بین انجمن آذربایجان و فرقه انقلابی اجتماعیون عامیون قفقاز از دوره

اول مجلس برقرار بوده و در دوره دوم نیز وجود داشت .

« ایرانی که از قفقاز آمده بودند چون خود را وابسته بکمیته با کو میدانستند از »  
« کمیته مرکز غیبی فرمانبرداری و تبعیت نمی کردند و مدتی باین فکر بودند »  
« که دست علی مسیو و همراهان او را کوتاه ساخته و او را خود بدست گیرند . »  
تفاوت بارزی که سوسیال دموکراتهای شعبه « ایرانی » با هم نامان خود در  
روسیه داشتند آن بود که در روسیه حزب سوسیال دموکرات مرکز و مجموعه‌ای  
از عناصر کارگری و سایر زحمتکشان انقلابی بود و حال آنکه در ایران بعلمت عقب  
ماندگی صنعتی و کمبود کارگر (پرولتر) و کشاورزی بودن کشور بیشتر کشاورزان  
خورده‌پا و عناصر ناراضی بازاری و خورده برژوازی مذهبی و روحانیون در این حزب  
عضویت پیدا کرده بودند لذا عناصر تندرو و انقلابی کمتر در میان آنها یافت میشدند  
این موضوع در اولین اعلامیه آنها که در ده هزار نسخه چاپ و منتشر شده است مشاهده  
می‌شود عین متن اعلامیه از کتاب تاریخ مشروطه ایران تألیف پاولویچ - تریا  
ایرانسکی صفحه ۳۴ ذیلا نقل میشود .

« رنجبران جهان متحد شوید . ما سوسیال دموکراتها مدافعین حقیقی اسلام »  
« اعلام مشروطیت ایران را در این روز مسعود بدوستان آزادیخواه جهان تبریک »  
« میگوئیم . ما بتمام علما و تجار طرفدار توده خلق و بتمام مجاهدین اسلام که در »  
« تهران برای رسیدن به هدف مقدس خود از جان و مال گذاشته‌اند درود میفرستیم . »  
« به برادران تهرانی خود خطاب کرده میگوئیم : هموطنان برادران شکر خدای »  
« عادل را که بما فرصت داد اولین قدم را برای رسیدن به هدف مقدس خود در سایه »  
« اتحاد و کوشش خلل ناپذیر دوستداران آزادی برداریم . برادران حقیقی اینک »  
« در سایه اتحاد و یگانگی اقدام به عملی برای ما ممکن است . شاعر چه نیکو »  
« گفته است : »

« مورچگان را چو بود اتحاد شیرژیان را بدرانند پوست »

« ژاپن ناتوان در سایه بیداری و عزم راسخ دشمنی مانند روس تزاری را مغلوب »  
« ساخت . و ما مجاهدین اسلام نیز که مردان راه خدائیم نمیتوانیم به موفقیت »

« حاصله قناعت کرده و بجای خود بنشینیم موقع آن رسیده است که علم سرخ آزادی »  
« رابر افر ازیم و بیک مشت دشمنان عدالت فرصت ندهیم که با اغراض و منافع خصوصی »  
« خود شفق خون آلود مشروطیت را که خونبهای قربانیان و زحمات ایرانیان است »  
« پرده پوشی نمایند. زنده باد دوستان آزادی و مشروطیت - مرگ بر خودبینان منقور. »  
« فرقه مدافع اسلام سوسیال دموکرات ایران »

با توجه بمتن اعلامیه و امعان نظر در آن چنین استنباط میشود که فرقه مزبور هدفهای دموکراتیک انقلاب مشروطیت را کافی ندانسته و تحت تأثیر سوسیال دموکرات قفقاز خواهان ادامه آن تا انقلاب « سرخ » بوده است مع الوصف خود را از مدافعین حقیقی اسلام معرفی کرده و خواستار برافراشتن علم سرخ میباشد.

جنبش مشروطه خواهی در تبریز با اوج شدت خود رسید و دیگر هیچگونه راه آشتی با مستبدین وجود نداشت در همین زمان اولین دسته اعضاء فرقه سوسیال دموکرات روسیه از طریق تغلیس باراه آهن بجلفا اعزام شدند و تا مرز ایران باراه آهن آمدند و با احتیاط کامل از رود ارس گذشتند و خود را بخاک ایران رسانیدند و چون از مرز ایران تا تبریز در حدود ۱۰۸ کیلومتر راه و پراز جاسوسان و مأموران خفیه و فوق العاده روسیه تزاری بود و عبور از راه مستقیم خالی از خطر جانی نبود از این جهت بیراهه را انتخاب کردند و بدون بر خورد با مانعی از راههای کوهستانی به تبریز رسیدند. مهاجرین اعضاء حزب سوسیال دموکرات روس افرادی بسیار چابک و آشنا ب فنون مبارزات سیاسی و نبرد میدانی و مردانی مطلع و فهمیده بودند (۱) و با خود دستگاه بمب سازی هم داشتند بطوریکه برای اولین دفعه در نبردهای میدانی بمب استعمال کردند.

با رسیدن اعضاء حزب سوسیال دموکرات روسیه و کمکهای فوق العاده آن جنب و جوش هیجان آوری در مشروطه خواهان پیدا شد.

---

(۱) کسروی در کتاب « تاریخ انقلاب مشروطه ایران » جلد سوم صفحه ۷۲۷ تعداد مهاجرین را به ۱۰۰ نفر تخمین زده است.

پاولویچ در کتاب « انقلاب مشروطیت ایران » صفحه ۱۳۰ مینویسد :

« کمیته ولایتی قفقازیکنفر برای رهبری سوسیال دموکراتهایی که در تبریز «  
« بودند باین شهر اعزام داشت . در اینموقع ۲۲ نفر از سوسیال دموکراتهای قفقاز  
« (روسیه) به تبریز وارد شدند . اینان ۴ تفنگ و در حدود ۵۰ بمب بهمراه آورده  
« بودند . »

« در آنموقع انقلابیون مسلمان از نقاط مختلف قفقاز بسمت تبریز روانه  
« میشدند . اینان کاملاً مجهز و مسلح بودند . سوسیال دموکراتهای قفقاز در تبریز  
« يك لابراتوار تهیه بمب تأسیس کردند . » (۱)

کلیه عملیات و کارهای این فرقه اعم از عملیات نظامی و تشکیلاتی و تبلیغاتی  
و گزارشهای سیاسی و غیره به کمیته ایالتی قفقاز داده میشد . چنانچه پاولویچ در صفحه  
۱۳۱ همان کتاب می نویسد :

« اینان راجع به تمام فعالیتهای خود به تشکیلات فرقه سوسیال دموکرات  
« مجلی گزارش میدادند و در عین حال اطلاعات لازم را در اختیار کمیته ایالتی قفقاز  
« میگذاشتند . »

با اینکه انقلابیون تبریز در صدد (۲) بودند که باب مذاکرات را با هیئت  
حاکمه مفتوح سازند تا از خون ریزی و کشت و کشتار برادرانه جلوگیری شود ولی

---

(۱) دکتر ملکزاده در جلد پنجم « انقلاب مشروطیت ایران » صفحه ۲۲ مینویسد :

« ناگفته نماند که عدهٔ خیلی از آزادیخواهان قفقاز که بیش از ۵۰ نفر نبودند تک تک برای یاری  
« بمشروطه خواهان به تبریز آمده و در تحت فرماندهی ستارخان قرار گرفته بودند و در همان  
« روزهای اول جنگ چنان مقاومت و شجاعت از خود نشان دادند که موجب امیدواری مشروطه  
« خواهان شد و اطمینان پیدا کردند که آزادیخواهان قفقاز که از طرف کمیته مرکزی حزب  
« سوسیال دموکرات روسیه الهام میگرفتند با آنها کمک و مساعدت خواهند کرد . »

(۲) کسروی در کتاب « تاریخ انقلاب مشروطه ایران » جلد سوم صفحه ۸۲۵ مینویسد :

« از آنسوی در چنین روزها که سخن میرانم یکدسته ارمنی که ( کمیته دانشاکیون ) به  
« پیروی از کمیته سوسیال دموکرات روس از قفقاز فرستاده بودند بسر دستگی کری خان به  
« تبریز رسیدند »

سوسیال دموکراتهای قفقاز جداً از این امر جلو گیری کردند و آنها را افراد ساده لوح و متهم بسازش با هیئت حاکمه می کردند .

ممکن بود این دوئیت و اختلاف منجر به خون ریزی گردد ولی چون رهبران هر دو دسته اشخاص آزموده و فهمیده ای بودند از جدال جلو گیری و با یکدیگر آشتی کردند . بدون اینکه در خارج انعکاسی پیدا کند .

مرکز غیبی در جریان فعالیت خود بهر يك از شهرستانها نمایندگان فرستاد و دست بچند ترور هم زد . افرادی که از طرف کمیته اجتماعیون و عامیون به تبریز آمدند و بمرکز غیبی پیوستند عده زیادی بودند مافقط میرزا جعفر زنجانی و مشهدی حاجی خان را میشناسیم که باین گروه ملحق شده و فداکاری های بی نظیری از خود نشان دادند .

احمد کسروی در « تاریخ انقلاب مشروطه ایران » صفحه ۴۴۸ جلد دوم چنین

مینویسد :

« در سال دوم مشروطه که در تهران انجمن هائی بر پا میگردید يك انجمن »  
« نیز آذربایجانیان بنام انجمن آذربایجان بنیاد نهادند که می باید گفت نیرومندترین »  
« و بکارتترین انجمن ها می بود حیدر عمو اوغلی یکی از کوشندگان برجسته آن »  
« انجمن بود . چنین پیدا است که با « کمیته اجتماعیون عامیون » ایرانیان »  
« قفقاز بهم بستگی میداشت » .

با این ترتیب حیدر عمو اوغلی معروف که در این زمان در ایران فعالیت میکرد بی ارتباط با حزب « اجتماعیون عامیون » نبود و بدینوسیله انقلابیون روسیه که عضو

حزب سوسیال دموکرات روسیه بودند در ایران راه پیدا کردند (۱)

---

(۱) کسروی در جلد دوم « تاریخ انقلاب مشروطه ایران » صفحه ۳۹۱ مینویسد :

« ایرانیان در قفقاز حزبی بنام « اجتماعیون عامیون » داشتند که پیشوایشان نریمان »  
« نریمانف بود و این حزب در واقع دسته هائی از فعالین و برجستگان حزبی را برای پیشرفت »  
« دادن به جنبش مشروطه به تهران و تبریز میفرستاد . »



## گیلان

هر قدر جنبش مشروطه خواهی در ایران بیشتر گسترش پیدا میکرد بهمان اندازه هواخواهان و طرفداران مشروطه زیادتر میشدند و گروه بیشماری از مردم بآن می گرویدند و ضمناً این جنبش ها شهرهای دیگری را هم در بر میگرفت . از جمله در مناطقی که پس از تبریز جنبش مشروطه خواهی باوج شدت خود رسید منطقه گیلان بخصوص رشت بوده است و وقتی که مردم گیلان آوازه مقاومت تبریزیان را شنیدند بیش از پیش بهیجان درآمدند .

این را هم نباید فراموش کرد که در قفقاز و در حزب « اجتماعيون عاميون » کسانی بودند که جریانات سیاسی گیلان را دقیقاً مورد توجه خود قرار میدادند و با کمال مراقبت ناظر عملیات مشروطه خواهان بودند و کوشش میکردند که بتوانند انقلابی نیز در گیلان بوجود بیاورند .

بین قفقاز و آذربایجان نیز وضع طوری بود که رفت و آمد زیادی میشد و هیچگونه کنترل مرزی در بین نبود در رشت هم انقلابیونی نظیر میرزا حسین کسوائی معروف به یقیکیان و سید اشرف الدین مدیر روزنامه نسیم شمال و غیره بودند که صرف نظر از اینکه از اصول و مرام سوسیالیستی «سوسیال دمو کراتها» اطلاعات دقیقی داشتند و خود از مبلغین بنام این دسته محسوب میشدند با انقلابیون روسیه و بخصوص با اعضاء حزب سوسیال دمو کرات قفقاز نیز ارتباط داشتند . مثلاً خود یقیکیان از مردان مطلع و باخبر از مسالک سیاسی و نهضت های اجتماعی بود و در امور سیاسی ورزیدگی و پختگی خاصی داشت و مسائل سیاسی اعم از داخلی و خارجی را تحقیق و تجزیه و تحلیل میکرد و نتیجه مطلوب را بدست میآورد انشائی روان و قلمی شیوا داشت بارهبران حزب سوسیال دمکرات قفقاز نیز ارتباطی داشت و رابط بین حزب مذکور و بعضی از سران رشت من جمله معز السلطان و برادرش کریمخان بود .

وی که ریاست حزب ارامنه رشت را بعهده داشت بملیون اطمینان میداد

در صورتی که مردم رشت بخواهند بر ضد حکومت استبدادی محمد علی شاه قیام بکنند حزب سوسیال دموکرات روسیه کلیه اقدام لازم را جهت پیروزی انقلابیون رشت انجام خواهد داد و قول میداد که حزب سوسیال دموکرات روسیه مجاهدین انقلابی و سلاحهای لازم را جهت پیروزی برای انقلابیون رشت ارسال و اعزام خواهد داشت .

اولین فردی که از منطقه گیلان بمنظور جلب مساعدت و کمکهای مادی و معنوی کمیته حزب سوسیال دموکرات تفلیس اعزام باد کوبه شد میرزا کریمخان برادر معز السلطان بود (۱) .

## جراید

توسعه نفوذ کمونیستهای روس در ایران فقط با اعزام افراد عناصر تشکیلات دهنده خاتمه پیدا نمیکرد و آنها جداً مصمم بودند که مرام مارکسیستی را در ایران تعمیم دهند و برای انجام این تصمیم از جراید مختلف چاپ باکو و تفلیس و استانبول و بمبئی و کلکته و مصر در نشر افکار خود و انطباق آن با جریان سیاسی روز در ایران کمک می گرفتند .

گرچه این جراید بعضیها تلویحاً و برخی تصریحاً ناشر افکار مارکسیستی بودند ولی من حیث المجموع دارای یک نظر بودند .

مهمترین این جراید عبارت بودند از : روزنامه فکاهی « ملانصر الدین (۲) » چاپ تفلیس که در لافافه شوخی مقاصد اصلی خود را بیان میکرد و غالباً کاریکاتورهای شوخی آمیز داشت . دیگر روزنامه حکمت چاپ قاهره و ارشاد (۳) چاپ باکو که معروفتر از همه بودند .

(۱) کتاب انقلاب مشروطیت ایران تألیف دکتر مهدی ملکزاده جلد پنجم صفحه ۱۳۶

(۲) بانی و مؤسس این روزنامه حاجی میرزا آقا قلموری بود نوشتن مقالات و تهیه مطالب بعهد میرزا علینقی خان صراف بوده است .

(۳) این روزنامه بمدریت « احمد بیگ آقایف » اداره میشد .

در جنبش مشروطه بزرگترین نقش برعهده روزنامه هفتگی «حبل‌المتین» (۱) « گذارده شده بود .

این جریده در سال ۱۲۲۱ شمسی در کلکته تأسیس گردید . قرائت و نشر « حبل‌المتین » از طرف دولت ایران ممنوع شد و دارندگان آن بطور جدی مورد تعقیب قرار می‌گرفتند با این وصف روزنامه مرتباً داخل ایران می‌شد و در ایران نقش بزرگی داشت که شبیه به نقش روزنامه معروف (کلکول) (هرتس) در روسیه بود . پس از اعلام مشروطیت و آزادی جراید روزنامه «حبل‌المتین» بصورت یومیه در تهران منتشر شد ولی طولی نکشید که با ویرانی مجلس بدست « لیاخوف » انتشار روزنامه حبل‌المتین نیز ممنوع گردید . پس از تصرف تهران بوسیله مشروطه طلبان روزنامه حبل‌المتین دوباره آزاد و منتشر گردید لیکن باز در سال ۱۲۸۸ شمسی بدستور داد گاه بمدت ۲۳ ماه بازداشت گردید .

در اوایل انقلاب مشروطیت تعداد زیادی از جراید منتشر شدند در تهران قریب هشتاد جریده منتشر می‌گردید که بسیاری از آنها دستی نوشته میشد و تیراژ اغلب آنها به بیش از ۲۰۰ الی ۳۰۰ نسخه نمیرسید از جمله جراید معروف آن زمان « عدالت » (۲) « اصلاح » « برق » « وطن » و غیره بودند .

کمیونستهای ایران هم در آن موقع روزنامه‌ای بنام « ایران نو » در تهران دائر کرده بودند که مدیر آن محمد امین رسول زاده (۳) از اعضاء سابق حزب سوسیال دموکرات باکو بود که در ایران بحزب دموکرات پیوسته بود .

خواججه عبدالحمید عرفانی در کتاب « شرح احوال و آثار ملك الشعرا محمد تقی بهار » صفحه ۱۹۲ مینویسد:

(۱) سردبیر روزنامه حبل‌المتین سید جلال‌الدین کاشانی بوده است .

(۲) روزنامه عدالت بمدریت میرزا سید حسینخان عدالت منتشر میشد .

(۳) محمد امین رسول زاده لیدر حزب مساوات آذربایجان قفقاز بود و روزنامه‌ای که تحت نظر مستقیم وی اداره میشد روش سوسیالیستی داشت . وی سردبیر روزنامه ایران نو نیز بوده است .

« در آن اوقات روزنامه مهم ایران « ایران نو » بود. این روزنامه ورق بزرگ « طرفدار حزب دموکرات بود دبیر آن روزنامه مردی قفقازی بود که اطلاع کافی در « ادبیات اروپائی داشت این شخص که نامش رسولزاده بود مقالات اساسی ایران نورا « مینوشت و اگر چه از فارسی و ادبیات آن بی اطلاع بود لیکن بواسطه آشنائی به ادبیات « مغرب عبارتش جلا و موج طبیعی داشت که در نظر جوانان جلوه میکرد و بحکم « تازگی بیاندازه لذیذ و دلچسب بنظر میرسید. مقالات رسولزاده رویهم رفته بواسطه « معانی حاد و پر حرارت، عبارات تازه که با اسلوب ادبای عثمانی و باروح اروپائی « مینوشت در نظر اشخاص بیطرف مرغوب واقع می شد و مخصوصاً طرفداران حزب « دموکرات و جوانان و متحدان ایران از روی تعصب حزبی و مملکتی آنرا سرمشق « قرار دادند و یکباره سبک مقالات رسولزاده در غالب جراید تهران رایج گردید. »

دیگر روزنامه « شرق » است که بیش از روزنامه های دیگر معروفیت پیدا کرد. صفحه چهارم این روزنامه بزبان فرانسه منتشر میگردد و مدیر آن دکتر منوچهر خان بود. این روزنامه دوبار بعلت نشر مقالات تند و انقلابی و انتقاد شدید از دولت توقیف شد و آخرین دفعه در اوایل خردادماه ۱۲۸۹ شمسی بدستور وزیر کشور از انتشار آن جلوگیری شد ولی مردم و مجلس شدیداً به توقیف آن اعتراض کردند. علاوه بر این کمونیستها از تماتر نیز برای تبلیغات مارکسیستی خود کمک می گرفتند و از این طریق نیز دست بتبلیغ میزدند اولین پیسی را که در ایران توسط آنها بطرز جدید بمعرض نمایش گذاشتند نمایشنامه کمدی گو گول موسوم به بازرس بود. اجرای این نمایشنامه تأثیر بسیار زیادی در تبیح روشنفکران تحصیل کرده داشته است.

## فصل سوم

### دعوت اعضاء حزب سوسیال دموکرات

#### قققاز پیران

در این زمان عده‌ای از سران مشروطه خواهان رشت که جهت تدارك نبرد با دستگاه استبداد با هم جلسات سری داشتند پس از شور و بررسی اوضاع و احوال کشور و سنجش قوای طرفین با در نظر گرفتن سیاست های داخلی و خارجی باین نتیجه رسیدند که اگر آنها از جانب یک قدرت سیاسی تقویت نشوند و در صورت لزوم از آنها حمایتی بعمل نیاید بی شک کلیه تلاشهای آنها در راه نیل به هدف و مقصود بی نتیجه خواهد ماند به همین مناسبت تصمیم گرفتند که بهر تقدیری است بانمایندگان حزب سوسیال دموکرات روسیه که سابقه کمک و مساعدت بانقلابیون ایران «تبریز» را داشت تماس گرفته و نظر آنها را در مورد پیشرفت انقلاب گیلان جلب نمایند. برای انجام اینکار میرزا کریمخان را که مردی با هوش و مورد اطمینان بود در نظر گرفتند و وسائل مسافرت او را پنهانی فراهم کردند و میرزا کریمخان رهسپار قققاز شد. (۱)

میرزا کریمخان بمحض ورود به مقصد ضمن ملاقات با سران انقلابی و کسانی که میتوانستند حمایت از انقلاب بکنند و عملاً کمک و مساعدتی نمایند مأموریت خود را با موفقیت انجام داده و بالاخره توانست همکاری و مساعدت کمیته سوسیال دموکرات قققاز

---

(۱) کتاب «تاریخ انقلاب مشروطیت ایران» تألیف دکتر مهدی ملکزاده جلد پنجم

را تحصیل کند. کمیته مذکور جهت بررسی از جریانات سیاسی و اطلاع از اوضاع ایران یکی از اعضاء برجسته خود را بنام سرگی اورژنیکیدزه (۱) بایران فرستاد. این شخص مدتی در ایران بود و پس از سقوط شهر رشت بدست مجاهدین عازم کشور خود گردید. و از طرفی خود میرزا کریمخان پس از توقف و مذاکرات زیادی با سران قوم توانست مخفیانه تعدادی سلاح لازم را برای کمیته رشت ارسال دارد.

این نکته را نباید فراموش کرد که از زمان جنبش مشروطه خواهی در رشت حزب سوسیال دموکرات روسیه چندین دفعه دسته‌های چند نفری باین منطقه گسیل داشته بود اینها اکثراً مردانی دلیر و کاردان و دارای تجارب بسیار مفید انقلابی و از کسانی بودند که در اکثر زده‌ها و خورده‌های انقلابی عمل شرکت داشتند و با اصطلاح در جریان مبارزات آبدیده شده بودند و از اعضاء سابقه دار حزب سوسیال دموکرات بودند و حتی بعضی از آنها پس از پیروزی انقلاب روسیه بمقامات عالیه دولتی رسیدند و در رژیم جدید پست‌های حساس دولتی را اشغال نمودند.

از جمله کسانی که با میرزا کریمخان بگیلان آمدند جوانی بود بنام جاباریتیزه گرجی از دوستان استالین بی‌نهایت جدی فداکار شجاع و در ساختن بمب تخصص داشت دیگری بر ادیای گرجی که تجربیات زیادی در انقلابات روسیه پیدا کرده بود و از معلومات او استفاده بسیار شد دیگری الکساندر و چیکی که عملیات درخشان در روسیه از خود بیادگار گذارده و دیگری فیودانام اهل لتونی که توپچی قابل بود و در نشانه گیری توپ معروف بود و در تمام جنگها تا فتح تهران لیاقت بسیاری از خود نشان داد دیگری الیوش نام که روس نژاد بود و در بمب سازی تخصص داشت و نیز چند نفر از این انقلابیون عضو کمیته باطوم بودند و در جنگها شجاعت بی نظیری از خود نشان دادند.

---

(۱) سرگی اورژنیکدزه یکی از افراد برجسته و فعال و عضو سیاسی و اصلی حزب سوسیال دموکرات قفقاز بوده که پس از انقلاب ۱۹۱۷ وزیر صنایع سنگین میشود نقل از کتاب «تاریخ انقلاب مشروطیت ایران» جلد پنجم - تألیف دکتر مهدی ملکزاده صفحه ۱۴۲

يك دسته ديگر از مجاهدين قفقازی بریاست بردیان وارد ایران شدند و در فتح شهر رشت شجاعت زیادی از خود نشان دادند و بعد از فتح رشت به باکومراجعت کردند ولی درلنگرود روس گرفتارمأمورین تزاری شدند و میخواستند همه آنها را تیرباران کنند.

ولی بسعی و کوشش فراوان نمایندگان شورش گیلان و بعضی از انقلابیون روسیه که با مقامات دولتی سروکار داشته از مرگ حتمی نجات یافتند و شبانه بامشقت بسیار از رودخانه آستاراشناکنان گذشته وارد خاک ایران شدند و از میان جنگلها با رنج فراوان خود را به بندرپهلوی رسانیدند عده قفقازیها که در انقلاب گیلان و فتح تهران شرکت داشتند در حدود سیصد نفر بودند. (۱)

با این ترتیب تعداد انقلابیونی که از قفقاز بایران آمدند و عملاً مشغول فعالیت شدند زیاد بود. این عده که همگی از عناصر فعال و برجسته حزب و از انقلابیون بنام بودند توانستند در اندک مدتی فعالیت زیادی در ایران بنمایند. بدیهی است که این عناصر تنها بشرکت در جنبش مشروطه و انجام عملیات انقلابی گیلان اکتفا نکردند بلکه بمنظور ترویج و توسعه مرام مارکسیستی در تعلیم و تربیت عده زیادی با اصول مارکسیستی هم کوشش فراوانی نمودند و بالاخره در ایام توقف خود در ایران توانستند عده زیادی از ایرانیان را با مرام مارکسیستی آشنا سازند که بعداً همان هاموجب توسعه مرام مارکسیستی در ایران شدند صرفنظر از اینکه عده ای مستقیماً این مرام را پذیرفتند و در پیشرفت آن کوشش میکردند و عده ای هم بنا بجهت و علل مختلفه تحت تأثیر این افکار شوم قرار گرفتند و بعدها با تعدیل روش سیاسی خود علناً دست بفعالتهائی زدند.

---

(۱) کتاب « تاریخ انقلاب مشروطیت ایران » تألیف دکتر مهدی ملکزاده جلد پنجم

## تشکیل کمیته سری در گیلان

میرزا کریم خان برادر کوچکتر معز السلطان پس از مراجعت از قفقاز دسته‌ای از داوطلبان را با مهمات و اسلحه زیادی از باکو با خود همراه آورد. بدیهی است که نگاهداشتن این عده اشخاص مظنون و همچنین نگاهداری مهمات و حفاظت آنها کاری بس دشوار و یکی از مشکلات اساسی مشروطه خواهان رشت بود.

در میان مهاجرین قفقازی عده‌ای توپچی ماهر و زبردست و نظامیان ورزیده و متخصصین بمب‌سازی و یکی دو نفر هم از شخصیت‌های مطلع و باسواد وجود داشت که از تحولات جهانی بی اطلاع نبودند این عده بر حسب ضرورت مجبور بودند در محل‌های مختلف بطور پنهانی زندگی کرده و هر یک بکارهای خود که عبارت از ساختن مواد ناریه و منفجره بود بپردازند و در ضمن نقشه حمله بشهر را نیز طرح نمایند. سران انقلاب برای ایجاد نظم و ترتیب در کارها و برای اینکه عملیات انقلاب بعدی تحت رهبری یک هسته انقلابی باشد و نیز برای اینکه بتوانند امکانات بهتر و وسیعتری بمنظور پیشرفت و تسریع در نیل بمقصود برای مهاجرین قفقازی بوجود بیاورند تصمیم بتشکیل کمیته سری و مخفی گرفتند و قرار بر این شد که کلیه عملیات انقلابی و سلاح فرستاده شده و آنچه که ساخته میشود تحت نظارت مستقیم این انجمن پنهانی قرار گیرد.

این انجمن بنام «کمیته ستار» نامیده شد و اعضای آن عبارت بودند از:

- ۱- معز السلطان .
- ۲- میرزا کریم خان (برادر معز السلطان) .
- ۳- میرزا علیمحمد خان تربیت .
- ۴- ولیکوف گرجی .
- ۵- میرزا حسین کسمائی .



۶- احمد علیخان .

۷- یفرم خان ارمنی .

۸- آقا گل اسکندانی .

۹- رحیم شیشه‌بر .

۱۰- میرزا محمد علیخان مغازه .

۱۱- حاج حسین اسکندانی .

۱۲- ناصر الاسلام .

۱۳- عمیدالسلطان .

۱۴- سید اشرف الدین (مدیر روزنامه نسیم شمال)

و تعدادی دیگر .

احمد کسروی در « تاریخ هیجده‌ساله آذربایجان » صفحه ۹ مینویسد:

« شاید میرزا کوچک خان نیز از همین هنگام با آنها پیوستگی داشت . »

ولی ملکزاده در « تاریخ مشروطیت ایران » صفحه ۱۵۰ چنین مینویسد :

« کوچک خان گرچه عضو کمیته ستار نبود ولی با سردار محیی (معز السلطان)

« دوستی بسزائی داشت و فوق‌العاده مورد اعتماد و محبت وی بود. »

کمیته مذکور پنهانی در راه پیشرفت خود مشغول فعالیت بود و خود را برای

یک انقلاب آماده میکرد و در عین حال منتظر فرصت مناسب بود و بالاخره گذشت

زمان این فرصت مناسب را بوجود آورد و انقلابیون توانستند با یک حمله شهر رشت

را فتح کنند و زمام امور را در دست بگیرند در اینوقت منطقه گیلان بخصوص رشت

مرکز تجمع انقلابیون شد و کلیه افراد و اشخاصی که از ایران بسببی گریخته و در

شهرهای قفقاز و دیگر جاها پراکنده بودند اکثراً در آنجا گرد آمدند (۱) و با

(۱) احمد کسروی در جلد دوم « تاریخ مشروطه ایران » بنام « تاریخ هیجده ساله

آذربایجان » صفحه ۹ مینویسد:

« روز نوزدهم بهمن هنگام پسین‌شورش آغاز نمودند بدینسان که شورشیان را پنجاه تن،

« کما بیش قفقازی میان ایشان بود و درخانه معز السلطان گرد آمدند و تفنگ و فشنگ و نارنجک،

« با ایشان بخشیده و آنانرا بدو دسته تقسیم کردند . »

انقلابیون همکاری کردند. پس از چندی برای توسعه انقلاب يك شورای جنگی که متشکل از نمایندگان شهرها و اقلیت‌های مختلف بود تشکیل شد اعضای این شورا عبارت بودند از: (۱)

۱- ولیکوف از طرف گرجستان .

۲- یفرمخان ارمنی از طرف ارمنه .

۳- سید علی مرتضوی از آذربایجان .

۴- معزالسلطان از گیلان .

۵- صادق‌اف از قفقاز .

## چگونگی دخول انقلابیون قفقاز بایران

تردیدی نیست که میجامع انقلابیون و نیز اعضای حزب سوسیال دموکرات ( کمیته قفقاز ) دائماً تحت تعقیب و پیگرد مأمورین تزار بوده و در بعضی اوقات بمحض شناسائی افراد مظنون از طرف مأمورین دولت روسیه بلافاصله دستگیر میشدند (۲) بهمین جهت انقلابیون دارای سازمانی مخفی و زیرزمینی بودند و کارهای خود را با يك نقشه ماهرانه و دقیق بطور پنهانی انجام میدادند.

در روزهای اول مأمورین تزاری بطور کامل متوجه اوضاع و احوال نبودند

---

(۱) وینستون چرچیل مترجم سفارت انگلیس (این شخص غیر از وینستون چرچیل مشهور میباشد) در یادداشت‌های خود مینویسد :

« آنچه دیدم و یا جستجو کردم و دریافتم این بود که نقشه شورش گیلان را در قفقاز طرح « و بادست داوطلبانی که تعداد ایشان به پنجاه تن میرسد انجام داده‌اند » نقل از کتاب « تاریخ هیجده ساله آذربایجان » تألیف احمد کسروی صفحه ۱۳

(۲) کتاب « تاریخ انقلاب مشروطیت ایران » تألیف دکتر مهدی ملکزاده جلد پنجم

و از نقش اعضاء حزب سوسیال دموکرات روسیه اطلاع دقیقی نداشتند و با توجه باینکه روسها در آن زمان نفوذ زیادی داشتند و این منطقه کلا تحت نفوذ آنها بود و در واقع این ناحیه را جزئی از خاک خود میپنداشتند دقت زیادی در امور مرزی و سرحدات کشوری نمیکردند و افراد آزادانه رفت و آمد داشتند و مانع و رداعی برای مسافرین وجود نداشت .

این امر برای بازرگانان بسیار راحت و از نظر حمل و نقل کالا بوسیله کشتی ها بروفق مراد بود. چون پس از استقرار مظفرالدین شاه تمام گمرکات ایران تحت کنترل مأمورین روسیه بود لذا از اینجهت اطمینان کامل داشتند اما پس از اینکه روسها متوجه شدند که اشخاص مظنونی وارد ایران میشوند و سلاحهای قاچاقی نیز وارد میکنند بیش از پیش بمرأقت و نظارت خود در ایران وبخصوص در سرحدات مرزی بین ایران و روسیه افزودند و از آن تاریخ بیعد رفت و آمد و یا وارد کردن اسلحه خالی از خطر نبود .

در اینوقت بازرگانان و کشتیهای بازرگانی نیز شدیداً تحت کنترل بود و اگر چنانچه اسلحه قاچاقی در کشتی پیدا میشد اسلحه توقیف و حامل آن تیر باران میشد. ولی با تمام این سختگیریها و با اینکه خطر مرگ در این قبیل مسافرتها حتمی بود مع الوصف باز هم انقلابیون و اعضاء حزب سوسیال دموکرات روسیه بخصوص اعضاء کمیته محلی قفقاز بایران رفت و آمد میکردند و اسلحه نیز وارد میشد .

ما در گذشته بطور اختصار شمه ای از رفت و آمد فعالین حزب « اجتماعیون عامیون » و اعضاء حزب سوسیال دموکرات کمیته محلی قفقاز را بتبیین کردیم اما برقراری تماس این افراد با انقلابیون گیلان چگونه بوده است . در این مورد ضروری میدانیم که عین گفته های دکتر ملکزاده را که در کتاب تاریخ مشروطیت ایران جلد پنجم صفحه ۱۴۰ نوشته است نقل نمائیم :

« تمام افرادی که برای شرکت در انقلاب بایران می آمدند اعضاء حزب »

«سوسیال دموکرات روسیه بودند یا بعبارت دیگر از انقلابیون روسیه بودند و پلیس  
«روسیه بعضی از آنها را می‌شناخت و نسبت بآنها مطمئن بود.»  
«این افراد بمرکز حزب که در تفلیس بود می‌آمدند و تحویل نماینده  
«انقلابیون ایران میشدند.»

«از قراریکه یکی از سر دست‌های مجاهدین برای نگارنده حکایت کرد  
«استالین شخصاً در امر فرستادن افراد و اسلحه بایران نظارت داشته و این کمک  
«فوق العاده در پیشرفت انقلاب مشروطیت تأثیر بسزائی داشته و مستقیماً تحت امر  
«استالین انجام می‌یافته است. افراد بوسیله خط آهن از تفلیس بیاد کوبه می‌آمدند  
«و از آنجا بوسیله کشتی بخاری تقی‌اف که مورد اعتماد بود و متصدیان آن در این  
«نقل و انتقال کمال مساعدت را بکار می‌بردند وارد بندر پهلوی میشدند.»

«ولی اشکال در این بود که بواسطه سوء ظنی که روسها پیدا کرده بودند کشتی  
«مد کوروسر نشینان آن را در دو نقطه تفتیش می‌کردند یکی در لنکران و دیگری در  
«آستارا این افراد برای نجات خود از دست مأمورین روس اغلب در آستارا پیاده  
«میشدند و سپس در وقت مناسب بوسیله قایقهای کوچک به بندر پهلوی میرفتند و یا  
«آنکه فرسنگها پیاده از راه زمینی خود را به بندر پهلوی میرسانیدند.»

«پس از رسیدن به بندر پهاسوی بدکان بالاسان ارمنی که عضو جمعیت  
«سوسیال دموکرات روسیه بود میرفتند و بالاسان آنان را بطور مخفی بوسیله مشهدی  
«باقر نامی که از آزادیخواهان گیلان بود برشت میفرستاد.»

«در رشت سه نقطه را برای نگاهداری و پذیرائی انقلابیون روسیه  
«اختصاص داده بودند یکی باغ معز السلطان و یکی خانه آوادیس زر گرو و دیگری  
«خانه معز السلطان. کلیه مخارج این دستگاه را تا زمانی که کمیته ستار تشکیل  
«نشده بود خانواده و کیل (۱) و چند نفر دوستان و همفکرهایشان تحمل می‌کردند ولی

---

(۱) وکیل که مقصود همان وکیل الرعایا میباشد یکی از رجال معروف و ثروتمند  
گیلان بود. او دارای پنج فرزند ذکور بوده که هر یک در راه مشروطیت فداکاریها کردند و  
معروفترین آنها معز السلطان و برادرش کریمخان هستند.

« پس از تشکیل کمیته ستار سر و صورتی بوضع مالی داده شد و تا حدی این تحمیل  
« گزافی از گردن چند نفر فوق‌الذکر برداشته شد. »

البته این جریان مدت زیادی نمیتوانست ادامه داشته باشد بعدها از این روش  
استفاده نمیکردند زیرا اولاً مأمورین دولت تزاری پی باین نقشه برده بودند و  
مأمورینی در نقاط حساس گذاردند و در نتیجه چند نفر از انقلابیون قفقازی که هر یک  
تعدادی بمب دستی در چپته خود داشتند دستگیر و تیر باران شدند .

ولی بعداً تعداد انقلابیون در ایران بخصوص در مناطق گیلان و آذربایجان  
آنقدر زیاد شده بودند که نیازی باین قبیل جریانات نداشت. افراد مورد نظری که  
مأمور مهاجرت به ایران بودند مستقیماً از تفریس که مرکز کمیته محلی حزب  
سوسیال دموکرات بود به باکو میآمدند و از باکو هم بدون کوچکترین ایجاد  
سوء ظنی بایران حرکت می کردند و مستقیماً خود را به ستاد انقلابی معرفی کرده  
و مأموریت خود را انجام میدادند و یا بوسیله دوستان و آشنایان خود که در ایران  
بودند بدسته انقلابیون معرفی میشدند .

## مداخلات علنی سوسیال دموکراتهای روس

دخالت علنی و مستقیم سوسیال دموکراتهای روس در ایران بعد از توپ بستن مجلس  
در تیر ماه ۱۲۸۶ شمسی (۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ میلادی) توسط محمدعلی شاه انجام میگردد .  
بدین طریق بعد از توپ بستن مجلس یعنی در دومین مرحله انقلاب مشروطیت ایران  
همینکه هجوم قوای دولتی بتبریز و محاصره این شهر بگوش سوسیال دموکراتهای  
قفقاز میرسد بلافاصله آنها موقع را مناسب تشخیص میدهند و تصمیم بمداخله علنی  
میگیرند و بهمین مناسبت قطعنامه زیر توسط کمیته دولتی سوسیال دموکرات قفقاز  
تحت ریاست استالین انتشار می یابد .

« ۱ - لازم است از تشکیلات محلی و نفراتی که سابقه خدمت نظام دارند و »

« همچنین از تکنیسین های ماهر و کارگران مجرب ارتشی بسیج شود . »

« ۲ - این ارتش با اسلحه ومهماتى از قبيل بمب ومواد منفجره وغيره كه در «  
اختيار تشكيلات است مسلح شده وبصورت دسته‌هاى مجزا از هم بايران اعزام  
خواهند شد . (۱) »

اين ارتش از چندصد نفر تجاوز نمى كند واسلحه ومهمات آنها ناچيز است اما  
تأثير روحى آنها بر جناح چپ انقلابيون ايران تا حدى مؤثرتر از تأثير خودايشان بود.  
پاوليچ وايرانسكى وترياسه كمونيست روس در كتاب خود موسوم « انقلاب  
مشروطيت ايران » صفحه ۱۳۱ مينويسد :

« سوسيال دموكراتپاى قفقاز بشركت در زدو خورد هاى محلى اكنفا  
« نميگردند بلكه بارأى قطعى در شوراي جنگى وانجمن‌ها شركت مى كردند و  
« بيانيه‌هاى منتشر مى نمودند وميتينگها برپا ميگردند . مذاكره بانمايندگان  
« خارجى را اغلب برعهده مى گرفتند . تشكيلات جديدى تاسيس و عمليات تبليغاطى  
« را اداره ميگردند اينهاراجع بتمام فعاليت‌هاى خود به تشكيلات سوسيال دموكرات  
« محلى قفقاز گزارش ميدادند و در عين حال اطلاعات لازم را در اختيار كميته محلى  
« قفقاز ميگذاشتند . »

با اين ترتيب عمال كمونيست خارجى با رأى قطعى در شوراهاى انجمنپاى  
تبريز شركت مى كردند و گزارش كار خود را بكميته خارجى مقيم قفقاز ميدادند .  
هدف آنها از اين كار چه بود؟

كمك واقعى به انقلاب مشروطيت واستقرار دموكراسى در ايران يامقصود  
واقعى وهدفى غاى آنها تضعيف پشت جبهه دولت تزارى وتوسعه سازمان تشكيلاتى  
ويمشرفت كار خود در روسيه بود ؟

پاوليچ وايرانسكى وترياسه در كتاب خود صفحه ۱۶ باوجود تعصب خاصى كه  
نسبت بكمونيزم دارند مطلب جالبى را فاش ميكنند ومى نويسند :

« عمال روسيه تزارى بر طبق سياست ديرينه خود در بين دهقانان حس نفرت شديدى »

« نسبت بمالکین استعمار گسر بیدار کرده در عین حال جنبه‌های مثبت اصول اداره  
« روسیه را تعریف می نمودند . این سیاست در گالیس اطیش درین دهقانان روسیه  
« وچکسلواکی و پس از شورش سال ۱۲۴۲ شمسی (۱۸۶۳ میلادی) در لهستان و فنلاند  
« با دقت زیادی تعقیب میشد عمل تزاری در گزارشات محرمانه خود اشعار میداشتند  
« دهقانان آذربایجان و سایر ایالات شمالی ایران بابی صبری تمام انتظار الحاق ایران  
« را بامپراطوری روسیه دارند . »

از این نوشته چنین استنباط میشود که نه حکومت تزاری و نه سوسیال  
دموکراتهای روس هیچکدام صمیمانه برای توده مردم ایران دلسوزی نمی کردند  
بلکه ماهیت امر حصول بهدفعهای خویش بوده است . چنانکه بعدها وقتی که  
کمونیستهای روسیه بحکومت رسیدند همان طریقی رانست بایران پیش گرفتند  
که رژیم قبلی آنها یعنی تزارها می پیمودند .

موقعیکه انقلاب مشروطیت ایران بهدفعائی که که کمونیستهای قفقاز و روسیه  
مایل بودند نرسید و جنبه اعتدالی و روش میانه روی سران انقلاب بر جنبه‌های انقلابی  
آن پیروز شد . عناصر مارکسیست مأمور ایران در صدد برآمدند که برای تکمیل  
انقلاب مشروطیت در ایالات شمالی ایران دست بشورش بزنند و پیوسته مترصد فرصت  
و مناسب بودند . و مشهورترین این عناصر شخصی بنام حیدر عموغلی بود .

## حزب دموکرات ایران (( تهران ))

فعالیت سیاسی و انقلابی عده زیادی از اعضاء حزب سوسیال دموکرات قفقاز  
در ایران و پیروزی مشروطه خواهان و انقلابیون و سایر عوامل مختلف زمان باعث شد  
که عده‌ای تحت تأثیر رویه و مرام سوسیال دموکراتها (۱) قرار گیرند و علناً دست

---

(۱) ملك الشعراء بهار در کتاب تاریخ مختصر احزاب سیاسی صفحه ۸-۹ مینویسد :

« در سال اول فتح تهران ۲۵ تیر ماه ۱۲۸۸ شمسی (۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹ میلادی) در  
« ایران دو حزب پیدا شد یکی انقلابی دیگری اعتدالی دموکراتها که ۲۸ نفر بودند  
« مخالفان خود یعنی اعتدالیون را که ۳۶ تن میشدند ارتجاعی می نامند . اعتدالیون هم  
« دموکراتها را انقلابی و تندرو میخواندند و در جراید خود از آنها انتقاد میکردند . »

بفعلیاتی بز نند این عده مشروطه خواهان تندرویا باصطلاح انقلابی بودند که حزب دموکرات ایران را تشکیل دادند و مراننامه اش همان مرام سوسیال دموکرات های قفقاز بود که با اندک تغییر و اصلاحی منتشر گردید.

همانطوریکه قبلاً در بحث های گذشته اشاره شد برقراری روابط بین انجمن آذربایجان و فرقه انقلابی (اجتماعیون و عامیون) قفقاز از دوره اول مجلس شروع و تا دوره دوم ادامه داشت منتهی در دوره دوم مجلس فرقه (اجتماعیون و عامیون) قفقاز با حزب انقلابی دموکرات ایران سر و کار داشت و محمد باقر معروف بحاجی میرزا محمد باقر آقا قفقازی که تا دیروز واسطه و رابط بین حزب اجتماعیون و عامیون قفقاز با انجمن آذربایجان بود امروز عضو کمیته مرکزی حزب دموکرات ایران شد در حالیکه نامبرده روابط قبلی خود را با قفقازیها محفوظ نگه داشته بود.

این حزب در واقع نسخه ثانی حزب سوسیال دموکرات روسیه بود و تقریباً از رویه حزب مزبور پیروی میکرد. اما علت اینکه کلمه (سوسیال) را از حزب حذف کرده بودند این بود که در آن زمان مسلك سوسیالیستی در جهان انتشار نیافته بود و طرفداران زیادی هم نداشت و از طرفی مردم اصولاً از کلمه سوسیالیست بیم داشتند و آنرا مسلك کمونیستی یا مرام اشتراکی تصور میکردند و چون مردم ایران مسلمان بودند علاوه بر وحشتی که از این نام داشتند شدیداً نسبت بآن ابراز تنفر می کردند و از آن دوری می جستند و چون رهبران حزب مذکور باین امر واقف بودند بهمین جهت کلمه سوسیالیست را از عنوان حزبی خود حذف کردند و تنها بکلمه دموکرات قانع شدند

اعضاء کمیته مرکزی این حزب بشرح زیر بودند :



سلیمان محسن اسکندری (۱)

سید محمد رضا مساوات .

سید حسن تقی زاده .

محمد امین رسول زاده .

حیدرخان عموغلی .

حاج محمد باقر آقا قفقازی .

محمود محمود .

میرزا احمد عمارلویی .

وحیدالملک شیبانی .

حسینقلیخان نواب .

حسین پرویز (منشی کمیته)

میرزا محمد نجات (وکیل مجلس)

یحیی میرزا .

صادق طاهباز .

در این حزب افراد برجسته‌ای نیز عضویت داشتند که در موقع لزوم مشکلات حزب را مرتفع میکردند .

محمود محمود در یادداشت‌های خود که ضمیمه کتاب فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت تألیف دکتر فریدون آدمیت صفحه ۳۳۴ مینویسد :

---

(۱) سلیمان محسن اسکندری معروف به سلیمان میرزا پسر محسن میرزا کفیل‌الدوله است برادرش یحیی میرزا وعموش محمد علی میرزا مشهور به شاهزاده علیخان هر سه از امنای جامع آدمیت بودند سلیمان میرزا پس از مرگ برادرش یحیی میرزا نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و در دوره دوم که بعضی از نمایندگان مجلس و آزادپخواهان علیه مداخلات دولت روس بقم رفتند او ریاست کمیته دفاع ملی را بعهده داشت و بعد ها اولین رهبر حزب سوسیال دموکرات ایران و بانی و مؤسس حزب توده گردید و در ۱۷ دیماه ۱۳۲۲ شمسی ( ۸ ژانویه ۱۹۴۴ میلادی ) در تهران درگذشت « از کتاب فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت تألیف دکتر فریدون آدمیت صفحه ۲۳۸ »

« شبی که سیدعبداله بهبهانی بقتل رسید چهار نفر تروریست که در رأس آنها »  
« حیدرخان اردبیلی بود (هم اسم حیدر عمواعلی) درلباس خرده فروش دوره گرد »  
« ازتهران خارج شدند ولی حیدر عمواعلی دستگیر و درشهربانی توقیف شد . به »  
« سرداراننصار(مظفر اعلم) که آنوقت درشهربانی خدمت میکرد و باحزبدموکرات »  
« همکاری باطنی داشت مراجعه و نامبرده اطمینان داد که هرچه زودتر او را آزاد »  
« خواهد کرد و بااین ترتیب حیدرخان پس از اندک مدتی ازبازداشت شهربانی رهائی »  
« یافت و ازطرف حزب دمکرات بمأموریت مخفی میان ایل بختیازی رفت ودر »  
« اسفند ماه ۱۲۸۹ شمسی بتهران بازگشت چون بحضرت عبدالعظیم رسید مرا از »  
« ورود خود آگاه ساخت . شبانه نایب ابراهیم نوکر خود را بانجا فرستادم »  
« حیدرخان بمنزل من وارد شد وچند ماهی در حیاط بیرونی بطورمخفی میزیست »  
« و اهل خانه او را عموجان خطاب میکردند . شبی یفرم رئیس نظمی که »  
« آزادی خواه با ایمان بود و با حزب دموکرات باطناً همکاری میکرد توسط »  
« ارسن ارمنی برادر بقوس ( که این دونیز از اجزاء نظمی بودند ) پیغام فرستاد »  
« بمقامات دولتی اطلاعاتی درباره محل اختفای آن شخص مهمان (یعنی حیدرخان) »  
« رسیده صلاح است هرچه زودتر از ایران برود . »

این حزب دارای برنامه و برنامه بود و یکی ازمواد برنامه تفکیک کامل سیاست از مذهب و همچنین تقسیم املاک بین دهقانان بود .

دراین بحث قصد تشریح برنامه و اساسنامه و غیره نیست بلکه توضیح این نکته اساسی و ضروری است که دراین حزب افرادی نظیرحیدرخان عمواعلی محمد امین رسول زاده ومیرزا محمد باقراقا قفقازی وغیره عضویت داشتند که انقلابیون حرفه‌ای بین‌المللی و ازاعضاء متعصب سوسیال دموکرات روسید بودند مسلماً این اشخاص از ترویج مرام مارکسیستی در ایران آنی غفلت نمی کردند و ازهر موقعیت جهت پیشرفت این مرام با فعالیت و کوشش‌های کم نظیری استفاده میکردند .

یکی از قیافه‌های جدی این جریان پانف بلغاری است که در جای خود از آن  
بتفصیل بحث خواهیم کرد.

## تشکیل حزب سوسیال دموکرات در همدان

تحت تأثیر عوامل خارجی بخصوص اعضاء حزب سوسیال دموکرات قفقاز  
که مرکز آن در تفلیس بود وعده زیادی از مبلغین بمنظور ترویج مرام مارکسیستی  
در نقاط مختلف کشور رفت و آمد میکردند در ایران نیز حزب سوسیال دموکرات  
دربارخی از شهرها تشکیل گردید. (۱)

در سال ۱۲۹۰ شمسی بوسیله شخصی بنام میرزا حسنخان ملقب به منشی باشی  
(این شخص بعداً به میرزا حسنخان معاون معروف شد) که شغل اولیه اش خیاطی  
و یکی از یاران یارمحمد خان بود و سواد کافی داشت و مرد لایقی بود با همفکری  
کلنل محمد تقی خان حزب سوسیال دموکرات را در همدان تشکیل داد پس از  
تأسیس حزب مذکور اشخاص مشروحه زیر بآن گرویدند.

۱- کلنل محمدتقی خان پسیان

۲- ابوالقاسم لاهوتی

۳- سیداسداله کافه

۴- میرزاده عشقی

۵- کاظم شاهرخی (امیرزاده سابق)

۶- علی گندابی (اهل قریه گنداب حوالی همدان)

مورخ الدوله سپهر در کتاب ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ صفحه

۳۸۵ چنین مینویسد :

« کلنل محمد تقی خان پسیان که در رأس نیروی ژاندارمری قرار داشت با

---

(۱) کتاب آزاده گمنام تألیف کاظم شاهرخی صفحه ۳۱

« قوای قزاق درمصلی جنگ سختی نموده و بآنها شکست وارد آورد و سپس عده‌ای »  
« را از طرف حزب سوسیال دموکرات (که خود با کمک میرزا حسنخان معاون »  
« تشکیل داده و اشخاصی مانند لاهوتی میرزاده عشقی در آن عضویت یافته بودند) »  
« مأمور کرد که از راه زنجان و خلیخال و طارم و عمارلو گلن بجنگل عزیمت و با »  
« میرزا کوچک خان رابطه پیدا کند. »

درمورد فعالیت بعدی این حزب اطلاع دیگری بدست نیامد.

## تشکیل حزب سوسیال دموکرات در مشهد

در سال ۱۲۹۰ شمسی حیدر عمواغلی یکی از کمونیستهای بنام و عضو مورد اطمینان حزب سوسیال دموکرات روسیه موفق شد بمعیت شیخ محمد جواد تهرانی و ملک الشعراء بهار انجمنی بنام انجمن سعادت در مشهد تشکیل دهد. این انجمن بشرحی که ملک الشعراء بهار در صفحه ب دیباچه کتاب تاریخ مختصر احزاب سیاسی می نویسد از یکطرف با انجمن سعادت اسلامبول و از طرف دیگر با احرار با کوارتباط داشت و جمعی از تربیت شدگان مستخدم دولت و طلاب مدارس و تجار و کسبه در آن انجمن جمع شدند. رئیس مالیه سبزوار که یکی از اعضاء انجمن مذکور بود درموقع فرار حیدر عمواغلی و ابوالفتح زاده از ایران خدمات ذقیمتی بنفع آنها انجام داد.

## فصل چهارم

### تشکیل اتحادیه های صنفی در ایران

بموازات توسعه اقتصادی ایران بر تعداد کارگران روزبروز افزوده میگردید. در تمام شهرهای ایران از روزگاران گذشته اتحادیه های صنفی وجود داشت. این اتحادیه ها برای خود سر دسته و صندوقدار و جلسات منظمی داشتند و حق عضویت معینی نیز از اعضاء دریافت میداشتند.

تارادوف Taradoff که یکی از اعضاء برجسته انجمن خاوری روسیه شوروی بشمار میرفت و بعنوان ژنرال کنسول در ایران انجام وظیفه میکرد درباره اتحادیه های صنفی در ایران مطالعاتی کرده و نتیجه آنرا به تفصیل بدولت متبوع خود گزارش داده است این گزارش با سایر منابعی که نامبرده بآن دسترسی داشته در سال ۱۳۰۱ شمسی (۱۹۲۲ میلادی) در روزنامه پراودا بامضاء و. استروف V. Ostroffe منتشر گردید که ما بعضی از قسمت های آنرا در اینجا نقل میکنیم.

بعقیده نویسنده من بور اتحادیه های صنفی که پس از انقلاب ۱۲۸۴ شمسی در ایران بوجود آمد بیشتر اتحادیه های پیمه وران و صنعتگران بوده است.

این اظهار تارادوف در مورد تشکیل اتحادیه های صنفی صحیح بنظر نمی رسد زیرا در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه در ایران کارخانجاتی وجود نداشت و مردم مانند گذشته برای رفع نیازمندیهای خود بیشتر از محصولات صنعتی کشور «انگلیس و روسیه» استفاده میکردند.

ناصرالدین شاه پس از مسافرت های متعدد بکشورهای خارجی و مشاهده

پیشرفت و ترقیات عظیم آن کشورها بسیار شائق شد که کارخانجاتی نظیر کارخانجات دولت های مترقی و صنعتی کشورهای اروپائی در ایران تأسیس نماید .

بهمین منظور اساس و پایه کارخانجاتی نظیر کاغذ سازی - شمع ریزی - قند سازی را بنا نهاد ولی بزودی این کارخانجات تعطیل شدند (۱)

پس از قتل شاه قاجار در ۱۱ اردیبهشت سال ۱۲۷۵ شمسی (اول ماه مه ۱۸۹۶ میلادی) و توسعه اقتصادیات ایران در زمینه های تجارت داخلی و خارجی صنایع مختلفی بوجود آمد ولی روابط کارگرو کارفرما در این زمان بر اساس استاد شاگردی بوده و استاد بمنزله پدر و شاگرد بجای فرزند او محسوب میشد لذا اغلب شاگردان با استادان خود بدیده احترام و محبت می نگریستند و هیچگونه اصطکاک منافعی بین آنها وجود نداشت . (۲)

در زمان محمد علی شاه در نتیجه وضع بد اقتصادی که گریبان گیر ملت ایران گردید در نتیجه ظلم و تعدیاتیکه از طرف مأمورین و عمال دولت نسبت بمردم اعمال میشد هر سال بیش از صد ها نفر از کارگران و زحمتکشانش بیکار ایرانی برای پیدا کردن کار به باکو و تقلیس و حاجی طرخان و تاشکند و نواحی قفقاز و دیگر جاه امیرفتند و از نزدیک با کارگران مناطق مذکور آشنا می شدند و با مشاهده مبارزات آنها جهت سقوط حکومت مستبد تزاری روسیه با افکار تازه ای بایران باز میگشتند و در مقابل استاد کار قبلی خود وضع خاصی بخود می گرفتند و بمنظور حفظ منافع خویش دور هم جمع شده و تبادل نظر میکردند . (۳)

در سال ۱۲۸۴ شمسی در اثر انقلابی که در روسیه بوقوع پیوست و منجر بشکست انقلابیون گردید طبقه زحمتکش ایران در صدد تشکیل انجمن هائی

---

(۱) کتاب انقلاب مشروطیت ایران تألیف م - پاولویچ - تریا - ایرانسکی صفحه ۲۱

(۲) چون دشمنی بین آنها نبود مبارزه مفهومی نداشت و باکمال صمیمیت زندگی

میکردند . از کتاب اقتصاد اجتماعی تألیف دکتر شمس الدین جزایری صفحه ۹۲

(۳) تاریخ مختصر نهضت سندیکائی در ایران : « از نشریات حزب منحل توده » صفحه

بر آمد چنانچه در جریان نهضت مشروطیت بین سالهای ۱۲۸۴-۱۲۸۹ شمسی در تبریز قزوین - رشت - اصفهان - خوی - مراغه و سایر جاها انجمنهائی بوجود آمد که در آن صنوف مختلفه مردم شرکت داشتند .

اوسترف در مقاله خود می نگارد: « در این زمان در تبریز ۴۰ نفر از صنعتگران و پیشه وران اتحادیه صنعتگران را تشکیل دادند و برنامه آنها بحث در پیرامون نفوذ عقاید حزبی بورژوازی (۱) و دسته های کوچک پیشه ور بود که مشروطیت و مجلس را قطعاً وسیله دفاع منافع خصوصی یا انحصاری خود میدانستند (۲) »

در کرمانشاه بیست نفر از ارباب حرف اتحادیه ترتیب داده بودند . در تهران نیز صنعتگران هر صنف وابسته بیکعده از پیشه وزان بودند که اتحادیه ای برای خود تشکیل داده بودند و بنابراین تا این زمان سازمان منظمی از کارگران در کشور ما بوجود نیامده بود و اتحادیه ها از صنعتگران و پیشه ورانی تشکیل میشد که دارای روحیه و خصایل بورژوازی و بکلی فاقد روحیه انقلابی بودند لکن انقلابات پی در پی روسیه بخصوص قفقاز و مبارزات زحمتکشان آن منطقه علیه ظلم و بیداد گریهای روسیه تزاری انعکاس بس شگرفی در روحیه زحمتکشان مهاجر ایرانی داشت و آنها را برای پذیرفتن هر گونه افکار انقلابی آماده میکرد چنانکه اوسترف در همان مقاله میگوید :

« فهم و اطلاع زحمتکشان ایران بیشتر از نهضت های روسیه و مبارزات مردم علیه استبداد بود » با افزایش تعداد کارگر در ایران و توسعه تشکیلات آنها تاثیر کارگران روس مخصوصاً حزب سوسیال دموکرات قفقاز بر روی آنها روز افزون محسوس و مشهود میگشت (۳)

- 
- (۱) در این زمان کارگران دوش بدوش استادان خود علیه ارتجاع شروع بمبارزه جدی نمودند : کتاب انقلاب مشروطیت ایران تألیف پاولویچ - تریا - ایرانسکی صفحه ۵۱
- (۲) از کتاب انگلیسی « روسیه و غرب در ایران »
- (۳) از کتاب انقلاب مشروطه ایران تألیف پاولویچ صفحه ۵۱

## قانونی بودن اتحادیه ها

بطوریکه میدانیم دوره اول انتخابات مجلس در اوائل مشروطیت ایران صنفی بود زیرا بموجب نظامنامه انتخابات طبقات و اصناف مختلف نمایندگان خود را بمجلس اول فرستادند از همین زمان اصناف بصورت طبقات مشخص اجتماع در آمدند بطوریکه هر صنف شامل عدهای افراد مخصوص بصنف خودش بود .

درابتدای مشروطیت بموجب اصل ۲۱ متمم قانون اساسی بشرح زیر :

« انجمن ها واجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل بنظم نباشد در تمام »  
« مملکت آزاد است ولی مجتمعات با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که »  
« قانون در این خصوص مقرر میکند باید متابعت نمایند اجتماعات در شوارع »  
« و میدانهای عمومی هم باید تابع قوانین نظمیه باشد . »

بنابراین انجمن ها واجتماعات آزاد شناخته شد و مردم طبق مقررات قانونی بدون هیچگونه مانعی میتوانند انجمنهایی برای خود تشکیل بدهند .  
با تشکیل انجمن ها واجتماعات جنب و جوشی در طبقات مختلف مردم پیدا شد و افراد روشن بین اعم از بازرگان و پیشه وران - کارگران یا کارفرمایان در این انجمن ها رفت و آمد داشتند .

اولین اتحادیه هائی (۱) که در نتیجه این جنبش و آزادی انجمن ها در میان

---

(۱) در سال ۱۲۸۳ شمسی نخستین عده کارگران مشترك المنافع بنام کارگران مطبوعه در صدر مشروطیت در خیابان ناصریه در مطبوعه کوچکی عرض وجود کردند این عده از کارگران بدون اینکه سابقه و یا اطلاع صحیحی از تشکیلات کارگری و سازمان صنفی ملل دیگر داشته باشند بحکم ضرورت دورهم جمع شدند و دفاع از حقوق خود را بعهده گرفتند و با این ترتیب اولین سنگ اتحادیه صنفی کارگران را در ایران کار گذاشتند بدیهی است این اتحادیه که پایه و اساس تشکیلات صنفی را در ایران تشکیل میداد با توجه بعدم وسعت صنف مطبوعاتی و همچنین عدم وجود اتحادیه های کارگری قدرت مبارزه را نداشت ولی تا اندازه محدودی بموقیتهای قلبی نائل آمد .

بقیه در صفحه بعد



کارگران تشکیل شد عبارت بود از اتحادیه کارگران چاپخانه هاو کفاشان درتهران

بقیه از صفحه قبل

ازسران اولین این اتحادیه نامدو نفر یاسامی محمدتقی ناصحی ومحمد پروانه رامیتوان ذکر کرد وازکسان دیگر اطلاعی در دست نیست .

در دوره استبداد صغیر وشکست موقت مشروطه خواهان نهضت کوچک کارگری موقتاً خاموش شد و در بوته تعطیل افتاد ولی پس از استقرار ثانی حکومت دموکراسی و جنبش مشروطه خواهان انتشار جراید و مطبوعات بوسیله ماشین ها توسعه یافت وبهین نسبت عده کارگران این فن زیاد شد وایندفعه بافکری روشن وقدرتی کامل تر اتحادیه کارگران مطابع تشکیل شد ومقام رهبری رانسبت بکارگران سایر صنوف احرار نمودند .

- |                             |                              |
|-----------------------------|------------------------------|
| ۱ - اتحادیه مطابع کارگران   | ۲ - اتحادیه کارگران کفاش     |
| ۳ - اتحادیه کارگران بناخانه | ۴ - اتحادیه کارگران نساج     |
| ۵ - اتحادیه کارگران حمامی   | ۶ - اتحادیه کارگران خبازخانه |
| ۷ - اتحادیه کارگران دواساز  | ۸ - اتحادیه کارگران بزخانه   |
| ۹ - اتحادیه معلمین .        |                              |

دراین زمان در نتیجه سعی وكوشش اتحادیه هایی که در رأس آنها اشخاص مطلع باصول تشکیلاتی بودند بر آن شدند که اتحادیه یا شورای مرکزی کارگران را تشکیل وباین ترتیب کلیه اتحادیه ها را بهم مرتبط ودر تحت یک نظم کلی در آورند .

در شورای مرکزی کارگران اتحادیه مطابع ونساج وكفاش با عضویت ۹ نفر که ازهر اتحادیه ۳ نفر معرفی شده بودند تشکیل گردید وبموجب قطعنامه ای که صادر کردند از کلیه اتحادیه های صنفی درخواست نمودند که سه نفر از نمایندگان خود را بعنوان عضویت در شورای مرکزی کارگران به آن شورا اعزام دارند .

پس ازچندی ۲۷ نفر عضودراین شورا گرد آمدند که بشرح زیر اسامی آنها نوشته میشود .

- ۱ - از اتحادیه مطابع کارگران : باقر خان نوایی - محمد حسین ماشینیچی - محمد پروانه
- ۲ - از اتحادیه کارگران نساج : شکراله مانی - حاج ابراهیم - باقر کاشانی .
- ۳ - از اتحادیه کارگران کفاش : حسن مسگرزاده - مهدی حقیقت - میرزا علی اکبر همدانی
- ۴ - از اتحادیه معلمین : یکانی - رجائی - ابوالفضل لسانی .
- ۵ - از اتحادیه کارگران حمامی : رضا پابرهنه - حسین کارگر .
- ۶ - از اتحادیه کارگران بناخانه : شاطر حیدر - شاطر مرتضی - شاطر علی خلیج .
- ۷ - از اتحادیه کارگران دواخانه : علیرضا ثاقب - محمد تقی ناصحی .
- ۸ - از اتحادیه کارگران بزخانه : آقا علاء - سید جلیل .
- ۹ - از اتحادیه کارگران بناخانه : علی طرفدار - شیخ حسین - سید احمد .

علاوه براین عده که فوقاً اسامی آنها ذکر شد سید محمد دهگان مدیر داخلی روزنامه

بقیه در صفحه بعد

و کارگران کرجی و باربران در بندر پهلوی و کارگران چاپخانه ها در اصفهان این اتحادیه ها پس از چند سال فعالیت منحل شدند .

در سالهای اول انقلاب روسیه موقعی که گیلان و مازندران تحت کنترل میرزا کوچک خان در آمده بود و موجودیت جمهوری سوسیالیستی گیلان اعلام شد دو اتحادیه هم بنام کارگران بندر و کرانه تشکیل گردید همچنین اتحادیه‌هایی در تهران و بعضی شهرهای دیگر تأسیس شد که بیشتر جنبه صنفی داشته و برای احقاق حقوق افراد صنف فعالیت میکردند اما بعدها خواهیم دید که چگونه يك عده افراد خائن و دلالان سیاسی با تشبثات و تحریکات مختلف این افکار صنفی سالم را از مسیر حقیقی خود منحرف ساخته با ایجاد نفاق بین طبقات مختلفه در تیره کردن روابط کارگران و کارفرمایان اقدام و بین آنها اختلاف انداختند . تا از آب گل آلود ماهی بگیرند کما اینکه در خرداد ۱۲۸۹ شمسی کارگران چاپخانه های تهران اعتصاب کردند و این اولین اعتصابی بود که زیر نفوذ کمونیستها در ایران بوقوع پیوست .

---

بقیه از صفحه قبل

حقیقت و نماینده فوق العاده مطبوعات و میرزا محمد آخوند زاده اولین نمایندگان کارگران بندر پهلوی در زمره آنها بودند .

شورای مرکزی پس از تشکیل و انجام کارهای مقدماتی شروع به تدوین نظامنامه اتحادیه‌های صنفی و همچنین نظامنامه شورای مرکزی بود . شورای مرکزی ابتدا به رهبری سید محمد دهگان سپس برهبری محمد آخوند زاده اداره میشد و روزنامه ارکان شورا یکی روزنامه حقیقت بود که تحت نظر دهگان اداره میشد « سمت ارکان رسمی را داشت » و دیگر روزنامه « کار » بود که بمدیریت ابوالفضل لسانی اداره میشد .

هزینه شورای مرکزی کارگران بوسیله عواید حاصله از صندوق اتحادیه ها مطابق نظامنامه و همچنین بوسیله عواید حاصله از تأتروسینما که در داخل و خارج از شورای مرکزی داده می‌شد تأمین میگردد . شورای مرکزی کارگران در سیاست روزمداخله نمیکرد و تنها رفاه حال کارگران را مورد توجه قرار داده بود این اتحادیه ها پس از چندی منحل و تشکیلات آنها پراکنده و از بین رفتند .

در نتیجه اعتصاب ده روز روزنامه‌ها اجباراً تعطیل شدند تنها نشریه‌ای بنام  
(اتحادیه کارگران) با روح انقلابی که ارگان کارگران چاپخانه‌ها بود منتشر میشد.  
با این ترتیب ملاحظه میشود که اولین نطفه کمونیست با پایه‌گذاری حزب  
سوسیال دموکرات در ایران بوسیله کمونیستهای روسی که هنوز خود بادولت تزاری  
در جنگ وستیز بودند بوجود می‌آید .